بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ارسل الينا رسولا امينا وكتابا هاديا الى التوحيد ونجانا من الجهل
والكفر والشرك الى صراط مستقيم السديد الذي يضل به الشقي ويهدي به السعيد
والصلاة على محمد الذي صار ذاته مبينا للانبياء السابقين والاولياء اللاحقين
الذي وصل به مراتب الاقصى وفي صفاته فريدا لا ينكر منه الا الكافر ولا يؤمن
به الا الراشد وعلى آله واصحابه الذين شاع بسعيهم الاسلام بالبراهين الساطعة
[illegible] اجمعين عالمهم وفي عاقبة مآلهم [illegible] الناس بآثار الرسول
والقرآن المجيد اما بعد ميگويد [illegible] متمسك بحبل الله [illegible]
حنفي المذهب [illegible] [illegible] که چون بعهد امت محمد
آنحضرت صلعم [illegible] [illegible] [illegible] گوناگون [illegible] عالم
وزید و قاعده مستمره است که چون از پیغمبر [illegible] زمانی میگذرد و [illegible] امت
فصلی از احکام [illegible] و رغبتی [illegible] [illegible] [illegible] از بعثت خاتم المرسلین
چون در امت [illegible] شیوع فتنه ها میگردید از حکمت حکیم علی الاطلاق
[illegible] طور میشد و مردم را براه راست دین اسلام هدایت میفرمود
اندرین زمان که ما در [illegible] امت خاتم المرسلین [illegible] مذاهب باطله
[illegible] فاسده گردید از آنجمله است [illegible] مذهب [illegible] در [illegible] اصحاب آنحضرت

چنانچه اولیای کرام بر زبان نمی‌رانند بلکه در حق بعضی [illegible] از کلمات خود را سبب
شرک نمی‌دانند [illegible] و بعضی از ایشان که مطلق اهل البیت نبوی را دوری
می‌ورزند و از سیادت تکذیب و طایفه ناصبی در حق بعضی صحابه کبار رضوان الله علیهم اجمعین
و غیره شقاوت را پیش خود [illegible] اندوزند و علی هذا القیاس چون قوانین مذهب
مذکوره در زمان حال مولانا محمد و مولوی شاه عبدالعزیز دهلوی [illegible]
کرده [illegible] فرقه ناجیه اهل سنت و جماعت قرار داده شد در سبب آن گردید که در
عوام ایشان نسبت بزرگواری بعضی خواص ایشان مشروع بدعت رسمیه
بستواتست من اهل القبور انکار گردید و از آن پا از حدود اسلام بیرون
نهادند و بسبب آن شرک و بدعت مستوحش شده اند من ترک [illegible] و در حق آن
مرحوم [illegible] فرموده اند که ما بر دوران ما مورین و ینهون عن المنکر برای
هدایت عوام این امت [illegible] انسان کفایت میکنند [illegible] و دیگر
[illegible] علمای [illegible] علمای این است که
در زبانی از [illegible] اغوا [illegible] مشهور نشوند و [illegible]
[illegible] یعنی یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر ازده
مفصل [illegible] آورده [illegible] این رساله را تالیف نمودم
لا یفنی [illegible] و این مختصر را تصوف محمدی موسوم ساختم و آن
چهار باب و خاتمه مرتب نمودم باب اول در بیان دلایل و ارشاد
[illegible] در مخالفت استعانت من اهل القبور باب دوم در بیان
حال و قال اصحاب کبار در باب مخالفت استعانت من اهل القبور
باب سیوم در بیان حال و قال اولیای کرام قدس سرهم در باب مخالفت
استعانت من اهل القبور باب چهارم در بیان حال و قال علمای عظام

در باب مناسبت استعانت مذکوره و مطابقة الکتاب در استنباط و مکاشفات حقیقت
نمایت الظهور و خفیه حکایت اولی در بیان حال دو تن ما علیهم السلام و در باب تربیت
استحقاق ایشان المبرور باید دانست که خدای تعالی حضرت آدم و علی نبینا
علیه الصلوة والسلام بعد حضرت خود خلق نموده و ایشان را مسجود ملائک
ساخت و برای سکونت ایشان و زوجه ایشان را در بهشت خود جا داد و
ابلیس را بسبب انکار سجده حضرت ایشان و تکبر ورزیدن از رحمت ایشان ملعون
ساخت و بعد از مرور چند سال ابلیس از حال حضرت آدم و حوا اطلاع یافت که
ایشان را در جنت سکنی از [illegible] بار داده بلکه در حق این بنده و از فرط فضل
عمیم خود فرموده اند فکلا منها حیث شئتما که هرچه خواهید است که این هم فرموده اند
و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین ابلیس سعی را در باغ نموده بسیار
تاوان کرده و دانسته که الانسان حریص بما منع بوساطت مار جنت داخل
[illegible] شده دل حضرت حوا را از قسم نساء ناقص العقل بود آهسته اغوا نمود
آغاز کرد و گفت که اگر شما ثمر شجره منهیه تناول خواهید فرمود از ملائک مقربین
و خالدین جنت خواهید شد حضرت حوا از حضرت آدم پس [illegible] نمود
حضرت آدم که بکمال عقل و علم مهذب بودند در جواب حضرت حوا [illegible] محبت
آنچه بکار برده اند که خدای تعالی حوا داشت و حوا صیغه مبالغه است یعنی بسیار
سخی است اگر ثمر شجره منهیه اثر [illegible] ابلیس می بود ما را هرگز از تناول آن
منع نمی فرمود که منافی شأن سخاست که [illegible] چیز مفید بخل ورزد
و بلکه از وصول آن منع باشد پس فرمایید این محبت حضرت آدم را باید کرد [illegible]
تعدی که برای مقصود این رساله بجاهای بسیار بکار خواهد آمد [illegible] حاصل
حکایت حضرت آدم علیه السلام که [illegible] ابلیس با غوای خود قسم [illegible] نمود

[illegible]

چنانکه حق جلا و علا می‌فرماید وقاسمهما انی لکما لمن الناصحین پس بجهت آن شاید قسم او راست پنداشته از
تجلیات تام پروردگار چه دانستن شد حضرت حوا از ثمره شجره ممنوعه از دست خود چیده خود
خوردند و بعد صحبت حضرت آدم [illegible] خوردانید از تناول آن [illegible] داشته عتاب الهی
بر آن نازل شد [illegible] از بهشت اخراج کرده شدند حضرت آدم بباعث [illegible]
فراق بهشت و نیز بعد از عتاب الهی سالهای سال [illegible] گریه کردند چنانکه
بحدیث صحیح آمده [illegible] حضرت [illegible] جمیع اولاد آدم را که تا روز قیامت مخلوق
خواهند شد [illegible] جمع نمایند و گریه‌های حضرت آدم علیه السلام [illegible]
آدم را [illegible] حوا [illegible] حال [illegible] حضرت [illegible]
گاه [illegible] حضرت [illegible] ملائکه [illegible] ایشان [illegible]
چون وقت قبول توبه حضرت آدم رسید حضرت جبرئیل آمده [illegible]
[illegible] توسل [illegible] توبه و استغفار [illegible] حضرت آدم علیه السلام [illegible]
توسل [illegible] ملائکه مقبول بارگاه الهی [illegible] وقت خلقت [illegible] حضرت
[illegible] سوم جبرئیل
[illegible] حضرت آدم [illegible]
[illegible] محمد رسول الله [illegible] استغفار [illegible]
[illegible] محمد الرسول الله [illegible] توسل [illegible]
[illegible] حضرت آدم [illegible] اللهم اغفر لی بجاه محمد النبی
اگرچه این دعا [illegible] قرآن [illegible] مولانا مولوی عبد العزیز [illegible] در تفسیر خود آورده
اند و معنی این دعا [illegible] توسل است و در میان توسل و استعانت فرق ظاهر است
[illegible] استعانت است [illegible] آدم علیه السلام
[illegible] عند [illegible] استعانت [illegible]
[illegible] الهی [illegible]
[illegible] رحمت الهی [illegible] این [illegible]

عاید نیست از این قصه که در باب حفظ بعضی نفس خود را منع می‌نموده و از حفظ کلام الله ... علیهم ... عمل

کند از جهت خلاف آن ... عاید نیست هیچ قباحتی نیست و احدی را که آن ... کرده

محمد مسعود ... علیه و اسلام ... از عادی کمالات تا این زمان ... از ...

از ابتدای خلقت خود متصف بجمیع صفات کمال ... بود ...

... حضرت آدم اگر بادی این دعا بود که ربنا ظلمنا

انفسنا ... مستفاد از حدیث و در زبان حضرت آدم علیه السلام

... دعای ربنا ظلمنا انفسنا ... در کتاب مجید خود ذکر نموده

... [illegible] ... که استحالت در عقیده ...

... [illegible] ... این است حال حضرت آدم علی نبینا و علیه السلام

در باب استحالت اما حضرت نوح علیه السلام اگر چه ذکر ... مثل حضرت ادریس

نیست در باب ... [illegible] ... که تا زمان حضرت ... انبیا ...

... [illegible] ... از احکام انبیا و ابرار رسالت با تغییرات از

مردمان ... بدان ... گویا این را ... جهت با استحالت ...

... اما حضرت نوح پس ... اختلاف الروایات ...

هزار سال از دست کفار ... [illegible] ...

حضرت آدم که ابو الآبای انبیای کرام و مسجود ملائک عظام بود ... استحالت

... و مؤلف این رساله برای دریافت حال انبیا از کتب تاریخ ...

دیده و دیگر تفاسیر و قصه ... مطالعه نموده اثری از مستحق بودن ایشان ...

از انبیا ... خود نیافت و چون حضرت نوح علیه السلام را از هدایت زنانشان ...

یأس حاصل گشت ... [illegible] ... دعا

... قادر ذو الجلال برداشت و فرمود که رب ... [illegible] ...

... الاحجار ... قادر ذو الجلال برداشت

و زبور ... که رب ... [illegible] ...

در جواب ارواح اولیاء کبار [illegible] تعالی [illegible] رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل
بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا پس معلوم شد که حضرت نوح
[illegible] ارواح [illegible] استغاثت [illegible]
[illegible] حضرت نوح [illegible] واضح [illegible] با عقاید [illegible]
لا تخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرقون [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] چنانکه [illegible] گفته
[illegible] بسته گفتیم [illegible]
[illegible] فقال رب ان ابنی
من اهلی وان وعدک الحق وانت احکم الحاکمین [illegible]
[illegible] دعای نجات [illegible]
[illegible] استغاثت [illegible]
[illegible] فلا تسألن ما لیس لک به علم انی اعظک ان
تکون من الجاهلین قال رب انی اعوذ بک ان اسألک ما لیس لی به علم والا تغفر لی
وترحمنی اکن من الخاسرین ازین کلام [illegible] چند فایده [illegible]
[illegible]
[illegible] بسبب عدم اتباع او [illegible] استغاثت [illegible]
[illegible] استغاثت [illegible] جایز [illegible] چنانکه [illegible] زندگی خود [illegible]
[illegible] اغاثت در حق او [illegible]
[illegible] در حق [illegible] اغاثت [illegible]
[illegible] ارواح
[illegible]
[illegible] نوح علیه السلام
[illegible]

جواهرات موجود خواهی. ساير البلاد الساحلية دریاب [illegible] ایشان [illegible] عاد و اوبار ارم

در ازل کتاب [illegible] ایشان [illegible] بعثت [illegible] عادیت [illegible] ازا لسان [illegible]

[illegible] تعال است [illegible] و چون از توحید [illegible] حضرت هود علیه السلام

از [illegible] اینجا در میان حال حضرت هود علیه السلام شروع [illegible] و جدید السان

از [illegible] روم این زمان [illegible] السان [illegible] میاد و [illegible] میان

[illegible] او چون ایمان [illegible] قوم [illegible] از [illegible] رسیده [illegible] از

[illegible] با [illegible] خود [illegible] حضرت هود [illegible] چون [illegible]

با ایشان [illegible] قوم عاد [illegible] همراهی خود [illegible]

ایمان [illegible] چون [illegible] مطلق [illegible]

[illegible] گفت از هود علیه السلام [illegible] حق [illegible]

[illegible] هود علیه السلام [illegible] ایشان [illegible] هود [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] السلام [illegible] و مقوله [illegible] الله تعالی در کتاب [illegible]

آیات می‌فرماید حیث قال قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون قال

الملأ الذین کفروا من قومه انا لنراک فی سفاهة وانا لنظنک من الکاذبین

در اینجا مولانا شاه عبد العزیز بعد ترجمه این آیه چنین تفسیر می‌فرمایند که قوم هود علیه السلام

[illegible] را حمل بر [illegible] و [illegible] خود را [illegible]

[illegible] قیاس [illegible] چون [illegible] اعجوبه [illegible]

[illegible] فقط از مهربانی سلطان [illegible]

بلکه [illegible] خاطر حاکم [illegible] کار [illegible] تا [illegible]

[illegible] کار [illegible] حاکم [illegible]

[illegible] و دیگر [illegible] حصول این [illegible] شد [illegible]

[illegible]

زمان بودند [illegible] برآمده [illegible] و در جواب

دعوت [illegible] ایشان [illegible] بودند و از جمله

[illegible] بودند [illegible]

چون حضرت هود [illegible] از [illegible]

[illegible] و حیات [illegible]

چون قوم حضرت هود انکار کردند و گفتند که ائتنا بما تعدنا ان کنت من الصادقین

الهی بر ایشان قحط آمد و در یک سال [illegible] چیزی از قسم غلات و حبوبات نروید و [illegible]

[illegible] از آسمان و زمین [illegible] ایشان [illegible] و در [illegible]

در سال سوم چون [illegible] و از [illegible]

و نزول آب عازم حرم محترم [illegible] شدند [illegible] دعا و مناجات کردند هیچ [illegible]

نشد [illegible] توسل حضرت هود [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] کعبه رفتند و گفتند [illegible]

[illegible] هود [illegible] ایشان [illegible] خدا [illegible] سه پاره ابر [illegible]

[illegible] که از این [illegible] پاره [illegible] یک پاره ابر [illegible]

ایشان [illegible] حرارت [illegible] پاره [illegible] دیگر [illegible]

قابل [illegible] سیاه [illegible]

که این پاره ابر [illegible] این پاره ابر را [illegible] خود [illegible] گفتند

که [illegible] حضرت هود [illegible] پاره ابر [illegible]

[illegible] خدا [illegible] پاره ابر [illegible] آمده [illegible]

[illegible] حضرت هود [illegible] و قوم مسلمانان [illegible]

[illegible] روز [illegible]

روز [illegible] هفت شب [illegible]

[illegible]

[illegible] بودند [illegible]

باستماع این موعظه [illegible] حضرت هود [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] فأتنا بما تعدنا [illegible] حضرت نوح [illegible]

[illegible] قوم [illegible]

[illegible] دعا [illegible] توسل [illegible]

[illegible] قوم حضرت هود توسل و دعا بحضرت [illegible]

[illegible] توسل ثابت [illegible]

[illegible] توسل [illegible] باعث [illegible]

[illegible] قوم حضرت هود [illegible]

چنانچه [illegible] حضرت هود علیه السلام [illegible] اعبدوا الله ما لكم من اله غیره [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] دعا [illegible]

[illegible] آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت [illegible] در حالات حضرت صالح

علیه السلام [illegible] عبد العزیز [illegible]

آمده که صالح علیه السلام [illegible] سال [illegible] قوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تعظیم [illegible] صالح علیه السلام

[illegible]

[illegible]

[illegible] صالح علیه السلام [illegible]

[illegible] صالح علیه السلام [illegible]

دنق طهیان نمود . چون دستند از مصالح [illegible] خصوصیت [illegible]
[illegible] که از [illegible] گردد [illegible] که اگر [illegible]
مصالح [illegible] او [illegible] جیری [illegible] چون اینکه [illegible]
و [illegible] حقیقت [illegible] شکل صورت [illegible]
[illegible] و تفریع [illegible] باز و [illegible]
[illegible] که [illegible] ان [illegible] جمله [illegible]
متعلق [illegible] اخر [illegible] مصالح [illegible] که [illegible]
[illegible] شما [illegible] که [illegible]
[illegible] تا [illegible] را [illegible]
[illegible] باشند [illegible] و [illegible] ان [illegible]
[illegible] که [illegible] صفات [illegible] پیدا کردن [illegible]
[illegible] و [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] در [illegible] مصالح [illegible] که [illegible]
[illegible] طریق [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] را [illegible] علم [illegible]
و [illegible] را [illegible] کارخانجات [illegible]
[illegible] ان [illegible] و از اینجا [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باین [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] که [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] قال یا قوم [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] من [illegible]

(6)

آورده‌اند که [illegible] ناقه الله [illegible] قوم صالح [illegible]
وقت [illegible] قوم ضعیف [illegible] شیر [illegible]
ظلم [illegible] فاحشه بودند که [illegible] را [illegible] دنیا [illegible]
بر [illegible] بود [illegible] نوبت [illegible]
[illegible] زنان فاحشه [illegible]
[illegible] این ناقه
را [illegible]
[illegible] ناقه
[illegible] ناقه بکشته [illegible]
[illegible] کمینان و یاران
[illegible]
اوش چون حال [illegible] صالح علیه السلام چون
این خبر بشنید فرمودند [illegible] کرده [illegible]
چون [illegible] نزدیک [illegible] ناقه را
و [illegible] روز [illegible] چهارشنبه بود [illegible] پس از آن صالح ع
بقوم خود فرمودند که در حیات شما سه روز باقی ماند روز پنجشنبه چهره‌های شما زرد شود
و جمعه سرخ [illegible] و شنبه سیاه خواهد شد و روز یکشنبه عذاب الهی نازل شما را هلاک
خواهد کرد قاتلان ناقه باهم مشوره کردند که بوقت شب صالح علیه السلام را نیز [illegible]
تا اگر [illegible] راست باشد [illegible]
[illegible] صالح [illegible] قوم را دعوت به اسلام میکرد و وقت
[illegible] در مسجد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

صالح علیه السلام آمده هجوم آوردند و گفتند که [illegible] علیه [illegible] که ما

ناقه چند [illegible] زود [illegible] کوه [illegible] از آن [illegible] [illegible] چه بچه [illegible]

و گفتند که صالح ع [illegible] ما [illegible] [illegible] دو [illegible] [illegible]

خواهیم کشید چون این خبر [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible]

نیز دانیم شود صالح علیه السلام [illegible] که [illegible] ان [illegible]

چند [illegible] [illegible] [illegible] سیاه گشتند

و [illegible] صدای [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] کفار [illegible]

[illegible] فاعلهم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چون [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صالح علیه السلام

مومنین [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از

تحریر این قصه حضرت صالح [illegible] اول آنکه حضرت صالح ع را [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ارواح [illegible] [illegible] خود

اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت آدم و نوح و دیگر انبیاء

علیهم الصلوة والسلام [illegible] [illegible] درگاه خدا تعالی عرض کنند تا این معجزه

ازمین [illegible] و خدا تعالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از صد

دعا کرد و مومنین [illegible] دوم آنکه [illegible] [illegible] جایز [illegible] اولی [illegible]

و [illegible] این مومنین [illegible] سیوم آنکه ارواح [illegible] [illegible] بدولت

خود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود [illegible] و [illegible]

مشکل [illegible] [illegible] [illegible] کفار حضرت صالح ع [illegible] ثابت و محقق است

چهارم آنکه بت پرستان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عبادت نمیکنند بلکه

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صالح

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] و دعا [illegible]

[illegible] نمیشدند سیم آنکه حضرت صالح ع فرمودند که اعبدوا الله ما لکم من اله

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] الله تعالی سیم آنکه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اول آنکه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بودند خدا تعالی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دوم آنکه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پیدا کرد سیوم آنکه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مردم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نیز ندارند

حضرت ادریس علیه السلام از خدا تعالی [illegible] [illegible] که واذکر فی الکتاب

ادریس انه کان صدیقا نبیا ورفعناه مکانا علیا نام ادریس [illegible] اخنوخ ابن برد ابن

مهلائیل است [illegible] شیث ابن آدم علیه السلام [illegible] صحیفه بر ایشان نازل گشته [illegible]

[illegible] علم [illegible] ادریس موسوم گشتند و [illegible] [illegible] [illegible] ادریس

علیه السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کردند و [illegible] آسمان [illegible] [illegible] [illegible] خلق [illegible]

دیگر اعمال خیر [illegible] [illegible] چون اعمال حسنه ایشان [illegible] [illegible]

صعود نمودند فرشته [illegible] بجناب اقدس الهی التماس نمود که [illegible]

[illegible] اعمال حسنه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ادریس

[illegible] [illegible] حسنات [illegible] فرشته [illegible] ملاقات ایشان [illegible]

الهی عرض کرد که الهی من مشتاق ملاقات حضرت ادریس ام فرمان [illegible] [illegible]

ملاقات کن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

این امور که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان از ذریت [illegible]

[illegible]

[illegible]

قریب دارند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت ادریس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محبت در حبس [illegible] چون [illegible] شان [illegible]
با [illegible] اشباه [illegible] شوم [illegible] محبت [illegible] حضرت ابراهیم [illegible]
اکثر [illegible] کرامات [illegible] ابراهیم [illegible] مثل [illegible]
از احوال حضرت ادریس علیه السلام [illegible] اکثر در حق [illegible] حضرت [illegible] ابراهیم
[illegible] حضرت ادریس در حق [illegible] دعا [illegible]
اسلاف [illegible] حضرت [illegible] اسلامی [illegible] در حق [illegible]
باشند [illegible] اما حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام [illegible] در حق
ایشان [illegible] ابراهیم [illegible] ابراهیم را داده [illegible]
عبارت از اوقات [illegible] و کشف شهودی و توحید صفاتی است که بجناب ابراهیم
علیه السلام عطا شده [illegible] از ولادت حضرت ابراهیم بحسب [illegible]
[illegible] روز [illegible] روز [illegible]
[illegible] روزها [illegible]
[illegible] ایشان را بسبب خوف [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] کشف [illegible]
[illegible] کشف [illegible] کلام [illegible]
[illegible] مخلوقات [illegible] چون [illegible]
[illegible]
باشد [illegible]
شد [illegible]
[illegible]
ابراهیم [illegible]
[illegible] عالم [illegible]
[illegible]

[illegible] ... فجعلهم جذاذا الا کبیرا لهم لعلهم الیه یرجعون [illegible]

[illegible] ... قالوا من فعل هذا بآلهتنا انه لمن الظالمین ... قالوا سمعنا فتی یذکرهم یقال

له ابراهیم [illegible]

[illegible] ... قالوا فأتوا به علی اعین الناس لعلهم یشهدون [illegible]

[illegible] ... قالوا أأنت فعلت هذا بآلهتنا یا ابراهیم [illegible]

[illegible] ... قال بل فعله کبیرهم هذا فاسئلوهم [illegible]

[illegible] ... ان کانوا ینطقون [illegible] فرجعوا الی انفسهم

فقالوا انکم انتم الظالمون ثم نکسوا علی رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ینطقون [illegible]

[illegible]

[illegible] قال افتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم اف لکم ولما تعبدون من

دون الله [illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اصنام [illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible]

عظیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] با آتش [illegible]

افراخت از [illegible] شود در آسمانیان افتاد و فرشته [illegible]

[illegible] حضرت رب العزت [illegible] اگر حکم [illegible] آتش را [illegible]

فی [illegible] آتش را [illegible] آب [illegible] باید تا بر آتش [illegible]

خلیل [illegible] حاصل [illegible] خدا [illegible]

[illegible] خلیل [illegible]

[illegible] خلیل حاضر شدند و گفتند

[illegible]

[illegible] ابراهیم علیه السلام در حضرت

[illegible] فی السماء و الذی [illegible] فی الارض [illegible]

[illegible] خلیل [illegible] المطلق [illegible] واحد [illegible] طبیعت آتش

از رب العزت [illegible] یافت که [illegible] بر ابراهیم برد و سلام شو [illegible]

که قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم [illegible] ای آتش [illegible] سلامت ابراهیم

پس [illegible] حضرت [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] بر جسم حضرت ابراهیم [illegible]

ابراهیم [illegible] شعله آتش [illegible]

[illegible] روز آتش [illegible] اکل و شرب ایشان را از [illegible]

[illegible] حال او [illegible] شعله های آتش [illegible] ابراهیم صحیح

اشعار

و کلمات

و تمام [illegible] حیران و متعجب شدند و ایراد [illegible] فجعلناهم الاخسرین و [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] آتش [illegible] کلمه [illegible] نمود و [illegible] آتش [illegible]
شد و با حضرت ابراهیم [illegible] ما سبقونه [illegible] استعانت [illegible]
از حضرت [illegible] حرق حرق [illegible] ۴ [illegible] کرده [illegible]
[illegible] گرفت [illegible] بر [illegible] که [illegible]
و [illegible] یافت [illegible] اختلافات الروایات [illegible]
نمود [illegible] هلاک شد و حضرت ابراهیم از آنجا هجرت کرده با اتباع خود بزمین شام رفتند
تحقیق حکایات ابراهیم علیه السلام حیث که بمجموع نمایان است پس از مفاد این قصه
آنکه حضرت ابراهیم [illegible] خود استعانت با هیچ [illegible] از کسی هم نخواست
دوم آنکه تا که الرحمن [illegible] امانت [illegible] و از دوست خود [illegible] سیوم
آنکه چون فرشته برای امداد [illegible] آمدند از ایشان [illegible] گفت که ما را [illegible]
حاجت نیست [illegible] آنکه [illegible] خوردن [illegible] حضرت حق [illegible] نمود [illegible]
[illegible] فاتحة [illegible] را [illegible]
[illegible] خود استعانت [illegible] استعانت [illegible] از [illegible]
[illegible] آنکه برای استعانت خود [illegible] برای [illegible]
دریافت شد که حضرت ابراهیم از زنده و از هم جنس خود استعانت جایز [illegible]
که هم جنس حضرت [illegible] نبودند هرگز استعانت نخواست [illegible]
[illegible] اند بلا [illegible] نسبت [illegible] ایشان نیز بعد وفات شان
[illegible] مثل حضرت ابراهیم [illegible] استعانت [illegible] پنجم آنکه مثل حضرت ابراهیم
نبینا علیه الصلوة والسلام حجت است زیرا که آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثر از [illegible]
دین ابراهیم [illegible] است [illegible] خصوصا اهل عرب را موجب مباهات و فخر
[illegible] حاصل است کما مر فی [illegible]

حضرت لوط [illegible] ارشاد است که [illegible] و لوطا آتیناه حکما و علما
[illegible] که حضرت لوط برادرزاده حضرت ابراهیم بوده

نا پدید از ایشان چون قضا این امر گذشته باد [illegible] ان ورای آن قوم لوط علیه السلام چون [illegible]

خانمان کرده عزم فلسطین نمودند و لوط علیه السلام با [illegible] در شهر سدوم [illegible]

بیعت نموده بود و شهر را بنام خود آبادان ساخته و پنج شهر دیگر [illegible] معمور ساخته

شد و [illegible] بر انواع آزار [illegible] مشغول بودند چنانچه [illegible]

الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین یعنی می آیید [illegible] که پیش از شما کسی از

جهانیان نکرده و قوم لوط را ده خصال مذمومه بود [illegible] و قطع الطریق [illegible]

گشاده [illegible] و بجای سلام دشنام [illegible] بازی کردن [illegible] طعام و [illegible]

و [illegible] صورت [illegible] بر روی یکدیگر و پوشیدن [illegible]

زنان و [illegible] روایت میکنند که چون عصیان قوم لوط

از حد در گذشت [illegible] از حضرت رب العزت [illegible]

تعذیب قوم لوط جبرئیل و میکائیل [illegible] اسرافیل و غیره دوازده فرشته

بجانب ابراهیم [illegible] طعام تناول ننموده

[illegible] بودند که مهمانی [illegible] شده [illegible]

[illegible] رسیده بسبب [illegible] مهمانان [illegible] از مکان بیرون آمدند

کوتاه کاه این فرشتگان بصورت انسان [illegible] بدرگاه ابراهیم [illegible] ایشان

آمدند ابراهیم علیه السلام [illegible] گوساله بریان [illegible] کرده

نمودند و طعام [illegible] تیار کنانیده بودند [illegible] روی ایشان [illegible]

فرشتگان گفتند که ما طعام کسی بی قیمت نمیخوریم ابراهیم علیه السلام گفت [illegible]

بدهید گفتند قیمت این طعام چیست فرمودند که در ابتدای [illegible]

و بعد [illegible] از طعام الحمد لله بگوئید باستماع این کلام فرشتگان [illegible] گفتند که [illegible]

این شخص لایق صفت حضرت رب العزت [illegible] خلیل الله [illegible]

عرض کردند که [illegible]

مهمانان [illegible] حضرت ابراهیم بر ایشان خاطر بودند [illegible]

[illegible] آمده [illegible]

با ابراهیم خنده‌ای اختیار کرد [illegible] اسحق [illegible] و فرشته‌ها اختیار نکردیم و
بالنبیا [illegible] دوم [illegible] ابراهیم [illegible] ولادت فرزند [illegible] یعقوب علیه السلام
[illegible] بشارت داد [illegible] گفت [illegible] سال [illegible] آیا عجب است که از حق
فرزند [illegible] گفتند اتعجبین من امر الله رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید
چون ابراهیم [illegible] گفت [illegible] شما برای کدام امر [illegible] گفتند که عذاب الهی را
بر قوم لوط علیه السلام آورده‌ایم ابراهیم گفت که لوط هم در قوم است و [illegible]
[illegible] شده و فرشتگان [illegible] لوط [illegible] نجات او نجات خواهد شد [illegible]
[illegible] ازان ملایک [illegible] اما [illegible] متمثل شده در خانه لوط
در رضا [illegible] نام دختر [illegible] و این دختران [illegible]
لوط [illegible] ایشان [illegible] آمده [illegible]
قوم [illegible] هلاک کرده [illegible]
[illegible] دختر [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] کرده [illegible] و دران [illegible]
[illegible] و [illegible] فرشتگان [illegible]
این صورت [illegible] قوم [illegible]
[illegible] گفتند [illegible] شما [illegible]
[illegible] از مردان [illegible] اگر [illegible] شما [illegible]
[illegible] عظیم [illegible] خواهد شد [illegible] خود [illegible]
[illegible] از قوم [illegible] خود [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] السلام
[illegible] و [illegible] ایشان [illegible]

در فحشا و نزدیکی [illegible] و دیگری مباهات که جوق جوق مردم بخواستگاری ایشان رجوع بخانهٔ [illegible]
[illegible] اسلام کرده تا ممکن بود ایشان بیت و مساجد قوم خود را [illegible]
دختران من برای مناکحت با فراغت که مهمانان را فضیحت نکنید چون ولیکن [illegible]
شهوت ندارند [illegible] فعل شنیع کردند و از بالای بام [illegible] شروع کردند [illegible]
چون مجبور بود که مرتبه [illegible] پیش کرده اندکی از آنها بالای سقف بام ایشان را [illegible]
خواستند که در سرای وی [illegible] داخل شده [illegible] در این حصول [illegible]
آن زمان بر وی نهایت دشوار [illegible] و لعن و طعن بقوم خود کرده که جبرئیل
جناح خود [illegible] کنندگان که بقوم فتح باب داخل سرای شده بودند [illegible]
در طرفة العین کور شدند یاران ایشان از بیرون فریاد کردند که چرا در را نمی‌گشایید
ایشان جواب دادند که لوط بقوت سحر خود ضیای ما را ربوده که لوط علیه السلام
که این فرستادگان حضرت او تعالی [illegible] کار ایشان را تمام کنید فرستادگان عرض
کردند که ان موعدهم الصبح [illegible] وقت صبح است [illegible] حضرت لوط [illegible]
که قریب این قوم نابکار را بلا [illegible] اختیار [illegible] الیس الصبح بقریب یعنی
صبح هم قریب است چون صبح شد [illegible] فرستادگان لوط را گفتند که شما از این شهر
مع اهل و عیال خود بیرون بشتابید [illegible] احدی از شما [illegible] [illegible]
خواهد رسید که در حق این قوم مقدر شده چنانکه لوط علیه السلام [illegible] دختر [illegible]
از کنیز و غلام [illegible] شهر بیرون شدند [illegible] بارش سنگ از جانب فوق شروع [illegible]
چنانکه میفرماید که فانجیناه واهله الا امرأته کانت من الغابرین و امطرنا علیهم مطرا
یعنی نجات دادیم لوط را و اتباع او را مگر زن او را که از [illegible]
بر آن قوم باران [illegible] جبرئیل سدوم و غیره [illegible] شهرها را [illegible] جناح خود [illegible]
بر [illegible] که صدای مرغان سحری و خروش ملکیان می‌رسید [illegible]
چه [illegible] که از تحت بفوق [illegible] شد [illegible] منقلب [illegible]
و [illegible] این شهر را از همین جهت [illegible] منقلب کرده شده [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] بعقب نگاه نکرد سنگی [illegible] و [illegible]

بقا و حکایات که حضرت هود علیه السلام [illegible] خود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت شعیب علیه السلام [illegible]

[illegible] یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره یعنی [illegible]

[illegible] شعیب [illegible] گفت شعیب این قوم [illegible]

[illegible] مولانا عبد العزیز در تفسیر خود می نویسند که [illegible] علیه السلام

[illegible] رسالت رسیده [illegible]

[illegible]

[illegible] اصحاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شعیب علیه السلام

[illegible] روزی تاجری آمده از ایشان گفت [illegible] داخل این شهر [illegible]

[illegible] شد حیرانم که [illegible] شعیب علیه السلام

[illegible]

[illegible] نبوت [illegible] قوم خود را دعوت توحید [illegible]

[illegible] اگر دعوی نبوت [illegible]

[illegible] صدق نبوت [illegible]

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible] این معجزه [illegible]

مخرجست با ایشان شدند چنانچه بیاید [illegible] بکمها بعد اصلاحها [illegible]
[illegible] اصلاح [illegible] را [illegible] یعنی [illegible] از خدای شما [illegible] است [illegible]
ولا تقعدوا بکل صراط توعدون و تصدون عن سبیل الله من آمن به یعنی [illegible]
در [illegible] [illegible] کنید کسانی را که [illegible] اند [illegible] و اذکروا اذ کنتم قلیلا فکثرکم [illegible]
[illegible] قوم خود [illegible] [illegible] شعیب [illegible] [illegible] [illegible] بیشتر [illegible]
[illegible] و ان کان طائفة منکم آمنوا بالذی ارسلت به وطائفة لم یؤمنوا فاصبروا
حتی یحکم الله بیننا وهو خیر الحاکمین یعنی اگر بوده باشد گروهی از شما که ایمان [illegible]
[illegible] که رسالت داده شده مان و گروهی دیگر ایمان نیاورد پس صبر کنید تا حکم کند [illegible]
میان ما و شما [illegible] [illegible] قال الملأ الذین استکبروا من قومه
لنخرجنک یا شعیب والذین آمنوا معک من قریتنا او لتعودن فی ملتنا قال اولو
کنا کارهین گفتند گروهی از قوم شعیب [illegible] از اینجا بیرون کنیم [illegible] اگر [illegible]
یا [illegible] [illegible] شعیب [illegible] ما [illegible] کنند [illegible] [illegible]
[illegible] جواب [illegible] [illegible] شعیب علیه السلام [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایشان را [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
قد افترینا علی الله کذبا ان عدنا فی ملتکم [illegible] [illegible] [illegible] کردیم بر خدا [illegible] اگر [illegible]
شما [illegible] [illegible] [illegible] خدا از ملت شما و ما یکون لنا ان نعود فیها الا ان یشاء الله
[illegible] سزاوار ما که [illegible] [illegible] شما مگر اگر خدا خواهد [illegible] وسع
ربنا کل شیء علما فراخ گردانید پروردگار ما هر شیء را [illegible] علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و
بین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین بر خدا تعالی توکل کردیم ای پروردگار ما [illegible]
ما و قوم ما یعنی امتیاز ده میان اهل حق و باطل و توئی خیر الفاتحین [illegible]
وقال الملأ الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیبا انکم اذا لخاسرون گفت [illegible]
گروه [illegible] [illegible] قوم شعیب اگر متابعت کنید شما شعیب را [illegible] [illegible]

تا قدمشان را در حقیقت [illegible] فی مقعد صدق [illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انکه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] الی الله [illegible] [illegible] [illegible] شب [illegible]

[illegible] [illegible] مانند [illegible] [illegible] حسین [illegible] [illegible] از

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] اصحاب [illegible]

علیه السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خدا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] میکنند [illegible]

[illegible] [illegible] کار میکنند و از [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] اولیا [illegible] [illegible] در عالم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دعا [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] علیه السلام

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از آیه الذین کذبوا شعیبا

الذین کذبوا شعیبا کانوا هم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خود [illegible] آمده خود را [illegible] رسانیده بودند [illegible]
[illegible]
خواهیم [illegible] استطاعت [illegible] کسی [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] صفات [illegible]
[illegible] عبادت [illegible] حق [illegible] مخصوص [illegible]
دیگر نکنند [illegible] طاعت غیر حق تعالی [illegible] لازم می آید [illegible]
پس معنی [illegible] مخصوص است که واذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد وکان
رسولا نبیا یعنی یاد کن در کتاب اسمعیل را [illegible] وعده [illegible]
یأمر اهله بالصلوة والزکوة وکان عند ربه مرضیا [illegible] اهل خود را [illegible] نماز و زکوة
[illegible] پس [illegible] صدق وعده [illegible] حضرت اسمعیل [illegible]
ابراهیم [illegible] فرمودند [illegible] ذبح میکنیم [illegible] خدا [illegible]
[illegible] ستجدنی ان شاء الله من الصابرین [illegible] صدق وعده [illegible]
[illegible] دیگر در باره حسن وفا [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] خواستند [illegible] این است که [illegible]
وقت تا [illegible] چند [illegible] اول آنکه ایشان [illegible]
[illegible] از ارواح احدی از انبیا [illegible] استعانت نکرد [illegible]
از صبر [illegible] استعانت از صبر در کلام الله مفروض است حیث قال واستعینوا
بالصبر والصلوة دوم آنکه اهل خود را بنماز و زکوة امر میفرمود [illegible]
عبادت [illegible] سوم آنکه [illegible]
ان شاء الله من الصابرین پس معلوم شد که برای هر کار توکل بر [illegible] الهی باید [illegible]
[illegible] استعانت [illegible] چهارم آنکه [illegible] اعتقاد و عمل موجب [illegible]
[illegible] حضرت اسمعیل را از کثرت اولاد [illegible] حاصل گشت [illegible]
[illegible] تا [illegible] محمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

که ادای [illegible] حضرت اسحاق پس از [illegible] ایشان
مدتی [illegible] و [illegible] را [illegible] فرزندگی حضرت یعقوب
[illegible] حضرت یعقوب علیه السلام [illegible] و حضرت عیص [illegible] مایل بود
[illegible] حضرت یعقوب [illegible] از زوجه [illegible] حضرت عیص تولد شده بود حضرت اسحاق
[illegible] که در درجه نبوت حضرت عیص رسید روزی بجناب الهی عرض نمودند که الهی از فرزندان بهشت
[illegible] الهی گردان [illegible] که دعا کنی مرتبه نبوت با و ارزانی دارم
ایشان حضرت عیص را گفته که [illegible] خود [illegible] دو کاسه طعام
آورده [illegible] ایشان یعقوب برادر
بزرگ خود را [illegible] حضرت اسحاق
[illegible] الهی فرزند
[illegible] مرتبه نبوت [illegible]
[illegible] یعقوب حاضر است [illegible]
[illegible] حضرت اسحاق [illegible]
از خدا خواسته [illegible] الهی
اسحق عرض کن [illegible] اراده الهی [illegible] طریقه
دعا [illegible] الدعا ادا کرده بجناب الهی دعا کنند [illegible]
آنچه [illegible] بسیار [illegible] المقبول است از [illegible]
حضرت یعقوب علیه السلام چون بدرجه نبوت فایز گشتند [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible]
[illegible] حضرت یوسف علیه السلام بودند که حضرت یعقوب ایشان را
دوست میداشت چون برادران ایشان را از راه حسد از نزد پدر گرفته بچاه
[illegible] بمصر [illegible] عزیز [illegible] حضرت [illegible]

و تا [illegible] ایشان حزنی و الی که در دل او سستی از جانب است حتی که از شدت گریه

[illegible] چشمان او [illegible] سپیدی طاری گردید [illegible]

از جانب یعقوب گشت و ایشان را کلمه بر زبان گذشت یا اسفا علی یوسف [illegible]

چون [illegible] دیگر [illegible] یوسف علیه السلام [illegible] یوسف [illegible]

برادران دیگر یعقوب علیه السلام [illegible] که یا ابانا [illegible]

[illegible] قال انما اشکوا بثی و حزنی الی الله فرمود که [illegible]

[illegible] خدا [illegible]

که [illegible] این قمیص را [illegible] قال ابوهم انی لاجد

ریح یوسف [illegible] یعنی یعقوب [illegible] که می یابم بوی یوسف را تا

وقتی که قمیص را آورده بر چشمان مبارک [illegible]

فرزندان گفتند یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین یعنی ای پدر ما

طلب مغفرت کن [illegible] سبحانه [illegible] گناهان [illegible]

[illegible] و گناه ایشان [illegible] شد [illegible]

[illegible] همچنین [illegible] برای استعانت [illegible]

دوم آنکه [illegible] برای استعانت [illegible]

میکنند سیوم آنکه [illegible] انما اشکوا بثی و حزنی الی الله [illegible]

معلوم شد که برای بیان غم و الم خود خدا تعالی بس است چهارم [illegible] فرزندان

ایشان استغفار خواستند [illegible] برای استغفار [illegible]

پس دریافت شد [illegible] استعانت [illegible] جایز است و اثر ان [illegible]

[illegible] سابق [illegible] آنکه [illegible] را علم غیب [illegible]

که [illegible] افضل از [illegible]

[illegible] یوسف علیه السلام [illegible] کنعان [illegible]

چون یوسف علیه السلام ایشان را اطلاع نشد پس [illegible]

متعرض آن نخود و اگر در توقف باشد هیچ اطلاعات که ترجیح موت بر حیات لازم می
علاوه لطافت حصه مالعراق را هیم باشد که بین ما از آن [illegible] علی معاش
نه خیر او میباشد صالحه حضرت [illegible] یوسف بر وقت انکار مشید الهی بر این گونه
گروه [illegible] این سلسله بود [illegible] که ای اهم بالا معلوم پس با حرم [illegible]
[illegible] حالی حرب چون اطلاع [illegible] دیگری گیت که [illegible] و متعرضان در [illegible]
تا به [illegible] (15) [illegible] یوسف علیه السلام پس [illegible] ایشان را
[illegible] آن [illegible] نگاه [illegible] معتقد [illegible] افتی [illegible] کتاب [illegible] ایشان
دست [illegible] همین [illegible] در این خود [illegible] بجای رحم [illegible] میکردند چون
[illegible] را تا چیزی که [illegible] باشد [illegible] و [illegible] انسان [illegible]
[illegible] و دختری باشد که از [illegible] آن دیار [illegible] و رای خود ایشان
و [illegible] انسان [illegible] می شد [illegible] ایشان [illegible] و [illegible] میکرد
[illegible] آورد [illegible] خود [illegible] ... [illegible] ان از ارتکاب آن اجتناب [illegible]
در قلب [illegible] نهایت بر هم شده و ایشان را متهم ساخته [illegible] پدر را ایران آورد که حضرت یوسف را
گزندی رساند [illegible] را [illegible] فاسده عزیز [illegible] طفل [illegible] گواره [illegible] شده از حکم الهی [illegible]
گواهی او [illegible] آن [illegible] طفل [illegible] پیراهن [illegible] یوسف را از پس [illegible]
چنانچه از [illegible] یوسف [illegible] گذشت و زلیخا را [illegible] در دست [illegible] کرد و زلیخا را چون
[illegible] یاس [illegible] حاصل گشت و زنان مصر زبان طعن بر زلیخا [illegible]
[illegible] است [illegible] او [illegible] آورد [illegible] او را [illegible] زلیخا [illegible]
مطلع شده [illegible] روزی [illegible] اطلاع کرد و یوسف را [illegible]
گفت که [illegible] یوسف [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] دست های خود را [illegible] گفتند که [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] گفتند که [illegible] زلیخا [illegible]

مشتاق و مشتری البته ترا خواهند بود پس ایشان [illegible] که [illegible] این [illegible]

زندان اول بیرون [illegible] ایشان [illegible] زندان فرستاده و آنجا [illegible] از

شدبان خوابها دیده از یوسف علیه السلام تعبیر [illegible] پس هر دو ایشان یکی را [illegible]

دار زدند و دیگری را بشارت به قربت و مصاحبت پادشاه دادند و گفت که اگر

بحضور پادشاه [illegible] مرا [illegible] که [illegible] در زندان محبوس [illegible]

ماند چون بحضور [illegible] آن [illegible] را فراموش کرد تا وقتیکه

پادشاه مصر خوابی دید که در تعبیر آن همه عاجز آمدند [illegible]

تعبیر [illegible] را [illegible] پادشاه [illegible] اجابت [illegible] مخصوص

برای حفاظت [illegible] یوسف مقرر کرد و آیتی [illegible] از کلمات [illegible]

قرآن [illegible] واتبعت ملة آبائی ابراهیم واسحاق ویعقوب [illegible]

پیروی کردم دین آبای خود را که ابراهیم و اسحاق [illegible] بودند ما کان لنا ان نشرک بالله

[illegible] من شیء ذلک من فضل الله علینا [illegible]

ولکن اکثر الناس لا یشکرون [illegible]

[illegible] یا صاحبی السجن ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار [illegible]

[illegible] متفرق بهتر اند یا خدای یکتا [illegible] ازین [illegible]

یوسف علیه السلام [illegible] آنکه بر وقت [illegible]

کسی [illegible] استعانت [illegible] آبای کرام خود [illegible]

استعانت کرد دوم آنکه [illegible] ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار یعنی خدای یکتا [illegible]

میکنند سوم آنکه [illegible]

[illegible] چهارم آنکه [illegible]

[illegible] یوسف [illegible]

حضرت موسی [illegible] علیه السلام پس حکایت ایشان

[illegible] الاختصار آنکه چون فرعون دعوی خدایی نمود و از [illegible]

[illegible] در قوم بنی اسرائیل طفلی [illegible]

و فرعون [illegible] اوباش [illegible] بنی اسرائیل را قتل نمود
و دختران ایشان را زنده می‌گذاشت [illegible] تا آنکه
حضرت [illegible] که طفلی [illegible] از جهد
[illegible] تا آنکه آسیه [illegible] فرعون [illegible]
[illegible] طفل [illegible] آسیه [illegible]
[illegible] موسی علیه السلام [illegible] آسیه [illegible] طفل [illegible]
[illegible] در آسمان [illegible] کرد [illegible]
[illegible] فرعون [illegible] موسی علیه السلام [illegible]
[illegible] و محبت [illegible] که خداوند [illegible]
[illegible] دریا [illegible]
فرعون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دیدند که طفلی [illegible] صندوق [illegible] طفل است که
موجب زوال دولت [illegible] آسیه [illegible]
[illegible] گفت [illegible] فرعون را هم محبت [illegible]
که در حق موسی [illegible] و القیت علیک محبة منی [illegible]
[illegible] کرد [illegible]
طفل [illegible] شیر [illegible] مادر موسی [illegible]
[illegible] شیر [illegible] مادر [illegible]
[illegible] شدند و فرعون [illegible] مادر [illegible]
[illegible]
مادر موسی علیه السلام [illegible] فرعون [illegible]

که از حضرت موسی [illegible] جا و رفتند که روز دیگر [illegible] شخص [illegible]
[illegible] بحضور موسی [illegible] کرد [illegible] قبطی [illegible]
مردم که [illegible] کرد [illegible] شخص [illegible] قبطی [illegible]
[illegible] این قبطی را [illegible]
خواهند [illegible] که [illegible] قتل کنی [illegible] قبطی را قتل کرده
[illegible] این قبطی [illegible] موسی [illegible] خبر کرد که [illegible]
[illegible] فرعون [illegible] برای موسی [illegible] موسی [illegible]
کرد [illegible] این خبر را از شهر [illegible] موسی امد و گفت که [illegible]
شهر [illegible] برای قتل تو [illegible] مشورت میکنند [illegible] از
قصه موسی صورت [illegible] لیکن مختصر کلام را [illegible] سابق [illegible]
[illegible] قال رب نجنی من القوم
الظالمین [illegible] موسی [illegible] میکرد [illegible]
گفت ای پروردگار [illegible] قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل
گفت که امید دارم که [illegible] بماء مدین [illegible]
قومی را دید که چهارپایان خود را اب میدهند و دو دختران [illegible] ایستاده اند و
قوم از اب دادن [illegible] خود فراغت کردند سنگی عظیم بر دهن چاه نهاده میرفتند
حضرت موسی از ان دختران پرسید ایشان گفتند که تا مواشی خود را اب [illegible] تا
دیگر القوم از اب دادن فارغ میشوند حضرت موسی [illegible] ابر [illegible]
[illegible] ان ایشان اب داد دختران [illegible] پیش حضرت شعیب [illegible]
گفتند ایشان دختری خود را فرستاد تا موسی را بیارد [illegible] دختر برای طلب ایشان
امده گفت که پدر ما ترا برای اجرت میخواند ایشان گفتند [illegible] اجرت میگیرم
دختر گفت که اجرت [illegible] ما [illegible]
[illegible]

گفت حضرت شعیب [illegible] نبی [illegible] یک نفر را از حضرت موسی
[illegible] حضرت [illegible] حضرت موسی [illegible]
و حضرت [illegible] عصای [illegible] حضرت [illegible] که در راه
[illegible] ایشان برای [illegible] از [illegible]
[illegible] آمد [illegible] موسی [illegible] و در [illegible] عصا [illegible]
[illegible] از [illegible] در [illegible] چون [illegible] ایستند

۱۷

[illegible] عصای او [illegible] دست خود را [illegible] چون [illegible] را [illegible] از [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] حضرت
[illegible] رسالت [illegible] فرعون رفته دعوت [illegible]
[illegible] فرعون [illegible] چون فرعون و قوم او [illegible] ایشان
[illegible] بنی اسرائیل [illegible] البحر [illegible] فرعون [illegible]
[illegible] غرق کرده [illegible] قارون [illegible] ایشان [illegible] حضرت
موسی [illegible] حضرت موسی [illegible]
[illegible] قوم خود [illegible] ایشان سامری [illegible] ایشان
[illegible] گفت که هذا الهکم و اله موسی [illegible] قوم [illegible] عبادت گوساله [illegible] حضرت
[illegible] حضرت موسی [illegible] تورات را آورده [illegible] قوم [illegible]
[illegible] خشمناک شده [illegible] ایشان [illegible] فرمود
[illegible] قوم را [illegible] آورد [illegible]
[illegible] قتل کنند چون [illegible] اختلاف [illegible] قتل
[illegible] موسی [illegible] استغفار [illegible] حضرت
موسی [illegible] استغفار کردند [illegible] تعالی [illegible] بعد از آن قوم حضرت
موسی [illegible] قوم [illegible] محبوس شدند در آن جا خدا تعالی بر ایشان
[illegible] حضرت موسی علیه السلام من و سلوی نزول [illegible] عصای [illegible] ایشان
[illegible] بعد از آن [illegible] قتل کردند و اختلاف کردند

قصهٔ گاو دیگری منسوب می‌دارند حتی که از حضرت موسی سؤال کردند که قال انه یقول انها بقرة لا ذلول [illegible]
فرمودند که خدا تعالی امر فرموده که گاوی را ذبح کنید قالوا الآن جئت بالحق [illegible]
بسیار از تکرار بسیار گاو دیگر ذبح کردند و [illegible] آن گاو را [illegible] مرده [illegible] زنده گردید
قاتل خود را بیان کرد و ازین قصه حضرت موسی در یافت شد که خطای ایشان [illegible]
[illegible] واقع [illegible] اعمال و [illegible] استغفار و [illegible] و [illegible] آنکه [illegible] زنده [illegible]
[illegible] برای [illegible] نبوت [illegible] خود [illegible] کردند و [illegible] قوم [illegible]
[illegible] کردند که [illegible] [illegible] کردند سیم [illegible] [illegible]
[illegible] قتل [illegible] بنی اسرائیل [illegible] قبطی را قتل [illegible]
[illegible] و رجوع بجناب الهی آوردند [illegible] [illegible]
[illegible] هارون را [illegible] [illegible]
[illegible] موسی علیه السلام [illegible] تعالی [illegible] روز شنبه [illegible]
[illegible] شهر متصل دریا بود و برای [illegible] ماهی [illegible] از قدرت [illegible]
ماهیان [illegible] روز شنبه [illegible] ماهی [illegible] آب از
[illegible] شهر [illegible] و چون روز شنبه
[illegible] ماهیان [illegible] در شهر [illegible] بسیار [illegible]
[illegible] از اسباب [illegible] حضرت
داود [illegible] شرعی نیست [illegible]
[illegible] حضرت داود و [illegible]
خود [illegible] خود [illegible] روزی از حکم الهی بر ایشان عذاب نازل شد که جمله
[illegible] روز دوم [illegible] روز سیوم [illegible]
حضرت داود [illegible] امر بالمعروف [illegible]
[illegible] عذاب الهی معذب [illegible] امر بالمعروف میکردند
ایشان را از جناب الهی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بجناب الهی مناجات کردند [illegible]

شده بود که [illegible] حضرت را دیده و [illegible] استعانت نمودند با ازواج و [illegible]
[illegible] که [illegible] ادریا [illegible] عظیم [illegible] که در آن [illegible]
شد [illegible] نمودن [illegible] حرکات [illegible]
[illegible] مستغنی [illegible] ملک حقیقی [illegible] نماید که
[illegible] (۱۰۵) حضرت سلیمان علیه السلام نیز [illegible] ایشان را
[illegible] که [illegible] ایشان [illegible]
توان داشت که فرمود رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب یعنی ای پروردگار
من ببخش مرا ملکی که سزاوار نباشد هیچ کس را بعد از من بدرستیکه توئی بسیار عطا کننده [illegible]
[illegible] از [illegible] عطا [illegible] آمده که
[illegible] استعانت [illegible] افضل [illegible]
[illegible] الوهاب [illegible] عطا کنند
[illegible] حضرت [illegible]
علی [illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible] التعلیم [illegible]
[illegible] مردم را از [illegible] شد [illegible]
[illegible] حفاظت [illegible]
[illegible] من غیر الله [illegible]
[illegible] استعانت از [illegible] من دون الله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حکم الهی از حضرت [illegible] استعانت [illegible]
چون [illegible] ان [illegible] شدند و اگر کسی [illegible]
[illegible] جایز نباشد [illegible] ملایک [illegible]
[illegible] باشد حضرت [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] قوم ایشان را ابتلا بمرض طاعون [illegible]

[illegible] ... ایشان را امر کرد ... قوم ... [illegible] ... مردن [illegible]

بعد شستند و بمکانی دیگر اقامت کردند فقال الله موتوا پس کف خدا تعالی [illegible] سبب عبرت

سیوم آنکه الله تعالی دو [illegible] ... شده [illegible]

حضرت ... [illegible] ... ایشان [illegible]

[illegible] ... تسبیح و تحمید ... [illegible] ... ایشان [illegible]

حزقیل ... اجابت رسید ... زنده گردیدند ... [illegible]

برزبان ... [illegible] ... معلوم شد ... آنکه حضرت ... دعا

برای زندگی ایشان ... از خدا تعالی کرد و این دعا مستجاب از روح و [illegible]

[illegible] ... دوم آنکه دعا از زنده کردن ... آنکه حضرت حزقیل [illegible]

سیوم آنکه ... مردند ... زنده شدند

چهارم آنکه از ... موجب ... [illegible]

حضرت ... عزیر علیهما السلام ... حضرت ارمیا از ... [illegible]

خدا تعالی ... [illegible] ... عذاب ... [illegible]

[illegible] ... در بیت المقدس ... [illegible]

[illegible] ... حضرت عزیر

[illegible] ... حضرت ارمیا ... [illegible]

بخت نصر ... [illegible] ... بیت المقدس ... حضرت عزیر [illegible]

سوار شد از بیت المقدس ... [illegible]

[illegible] ... بیت المقدس

را ... استعجاب ... که یا رب چگونه این شهر را آباد ... [illegible]

... درخت تکیه کرد ... فاماته الله ... قبض روح ... صد سال ... [illegible]

کرده ... فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... یک روز ... بلکه صد سال ... [illegible]

[illegible] ... تازه ... [illegible]

[illegible] ... العظام ... [illegible]

باشد که تا بیست جمیع اشیا مخصوص بقدرت ذات است که فوق آنکه بیک مقدار رسیدن [illegible] و حکم شود
بعضی بسال تمامه نامند و خیال کنند این همه وجود و ابتدا بسال تقسیم میباشد جز آنکه آن رسیده هیچ نماند
[illegible] و هر آنکه در حیات حضرت علم از احوال [illegible] در نیابند بلکه علم ذات خود هم نیابند
چنانکه حضرت [illegible] از وقت مرگ تا وقت زنده شدن هیچ یاد نمانده که پیش صد سال را اگر
یا کم یک روز [illegible] احتیاط [illegible] یاد باید داشت [illegible] این رساله نگارنده [illegible]
[illegible] اما [illegible] بیت است من اهل تعبیر این سرود و منکران یعنی [illegible]
حضرت عزیر علیه السلام نکردند (۲۹) حضرت زکریا پیغمبر صاحب نشان در ایام
پیری [illegible] بدین توحید [illegible] منصور بودند پسر [illegible] نیا پیری رسیدند
[illegible] رسیده بود [illegible] پروردگار [illegible] جهان قال رب انی وهن العظم
منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا گفت ای پروردگار من برانیده
شده است استخوان من [illegible] از پیری [illegible] ای پروردگار من محروم
[illegible] سن [illegible] رسیده [illegible]
[illegible] من [illegible] یعقوب [illegible] یک خود و ارث
که میراث کند از من [illegible] و از اولاد یعقوب واجعله رب رضیا و لکن ای [illegible] (۱۹)
[illegible] رسیده [illegible] ایشان را [illegible] داد و تولد یحیی [illegible]
[illegible] رسیده چنان پیدا شود از من طفلی [illegible] زن من نازا [illegible] کلات
سالی نهایت ضعف رسیده ام گفت وعده پروردگار تو همین است [illegible] زمین [illegible]
است و هر آینه پیدا کردم ترا پیش از این که نبودی گفت ای پروردگار من معین کن
برای من نشانی گفت نشان تو آن است که سخن نتوانی گفت با مردمان سه شبانروز
چون نطفه انسان در رحم [illegible] انسان قرار گرفت [illegible] انسان [illegible] کلام نکردند
[illegible] بعد از گذشتن مدت حمل حضرت یحیی تولد شدند حضرت یحیی را [illegible] سالگی
منصب نبوت عنایت شد چنانچه فرمودند که یا یحیی خذ الکتاب بقوة وآتیناه الحکم صبیا
یعنی ای یحیی بگیر کتاب را [illegible] دادیم او را حکم در حالیکه طفل بود [illegible] در ایام طفلی
[illegible] ایشان [illegible] برای بازی [illegible]
[illegible] نفس و کمان [illegible]

چو آمدند [illegible] حیاء الاصفیاء میگوید که زانید به عیسی [illegible] جدو [illegible] علیه السلام
علیه السلام [illegible] موت و [illegible] است [illegible] اسلام [illegible] است [illegible] متوطن شود در [illegible]
بمیرد در روزیکه [illegible] زنده [illegible] یحیی علیه السلام پادشاهی بود [illegible] نام [illegible]
زادی [illegible] حسینه [illegible] و [illegible] در خراسانی [illegible]
استفسار این مسئله از یحیی [illegible] و ایشان منع فرمودند که برادر زاده حرام است و نکاح
او [illegible] جایز نیست [illegible] بود [illegible] علیه السلام
بر روز [illegible] منع [illegible] برادرزاده [illegible] یحیی
[illegible] پادشاه [illegible] افتاده است [illegible] روز [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] میدان خالی [illegible] گفته [illegible]
یحیی علیه السلام [illegible] حضرت یحیی علیه السلام [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] خود [illegible]
جرئت [illegible] روز [illegible] گرفت [illegible] حال خود [illegible]
پادشاه [illegible] دیده [illegible]
چون [illegible] یحیی [illegible] گشت [illegible]
پادشاه گفتند [illegible] یحیی [illegible] بود [illegible] اکنون [illegible] دعای [illegible]
[illegible] چون این حقیقت بسمع مبارک حضرت زکریا [illegible] رسید از [illegible] فرمود
[illegible] سواران [illegible] ایشان [illegible] سواران
[illegible] در [illegible] درخت
[illegible] درخت [illegible] ایشان [illegible] درخت
[illegible] درخت [illegible] گرفتن ایشان [illegible]
به [illegible] سواران [illegible] چون [illegible] زکریا علیه السلام [illegible]
[illegible] در این اثنا شیطان آمده گفت [illegible] زکریا در میان این درخت [illegible]
[illegible] مولوی عبد العزیز در [illegible] که [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] معلوم شد [illegible] گرفت

بیان آنست که چون حضرت شمارت جشید ... استکانت از قربانی ... العبید اشیا خود [illegible]

اکه برای ... از ... استجابت ... این امراز ازواج ... [illegible]

ازو ... با اجابت ... جستند ... که از جان گذشته معلوم ... [illegible]

حکم ... استجابت نیابد ... حضرت ... که ... وحی از ... [illegible]

این است مرحومه ... حضرت ایوب علیه السلام ... او فرموده و ایوب

ابن آموص ابن رزاح ابن عیص ابن اسحاق ... الی مسمی الفردوس ... [illegible]

... ذکر ایوب ... خود را ... رسید ... مهربان ترین مهربان ایوب

با سعادت ... محفوظ بودند چنانکه سه هزار قلعه و ... و مال و ... چهار

فرزند ... و غیره بسیار ... حق ... عبادت ...

ایوب ... حسد شیطان ... و حضرت عزت عرض کرد که ایوب

اینهمه عبادت از آن میکند که ... فراغ خاطر ... دولت نعمت ... اگر اسباب

اسباب ... سلب کرده شود ... عبادت ... اسباب او مسلط

کردیم ... مال و زراعت ... شد ... [illegible]

... شیطان ... گفت که اگر ... [illegible]

حقیقت ... فرزندان ... [illegible]

... را از دست ... همه فوت شدند ... اخلال

... شیطان ... حضرت عرض کرد که

... از راه ... باشد ... زبان و دل ... [illegible]

... جسم ... کردم ... [illegible]

... جسم ایوب ... [illegible]

... از ایشان ... [illegible]

... این را ... [illegible]

... مردم ... ایوب ... [illegible]

... راحت ... [illegible]

... صبر از دست ... زبان ... خداوند ... [illegible]

[illegible] خدا [illegible] صعب است یا ایوب [illegible] ارادت خویش [illegible] [illegible]
[illegible] فراموش [illegible] و خویش و [illegible] [illegible] الا [illegible] [illegible] بیابان
تا به اینجا رسید که مردم شهر متنفر شده ایشان را بر کنار شهر انداختند [illegible] ایشان [illegible] تمام
که از اجداد و یوسف علیه السلام بودند [illegible] نزدیک ایشان می آمد [illegible] [illegible] شهر
شهر [illegible] و [illegible] [illegible] آنچه از طعام و غیره با ایشان پیدا [illegible] ایشان آورده
[illegible] می نهادند و [illegible] ایشان می [illegible] شیطان را [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] مردمان هیچ متحمل گشته [illegible] [illegible] مردم شهر گفت که غیرت شما را چه [illegible]
که این صورت را [illegible] آمدن [illegible] این [illegible] ایوب [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] از [illegible] صاحب [illegible] زن [illegible] و مردم [illegible]
لاچار زن را از آمدن خانه های خویش منع کردند [illegible] روزی [illegible] [illegible] [illegible]
بریده [illegible] چون پیش ایوب علیه السلام آمد و رسید که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] من [illegible] [illegible] ایشان حال [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
ایشان [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] رسید که [illegible] [illegible] یک [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] این [illegible] [illegible] که این شخص شیطان [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] رسید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] این [illegible] [illegible] اگر از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مرتبه [illegible] رسید [illegible] [illegible] کار بر ایشان از حد گذشت [illegible]
[illegible] روزی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] که رب انی مسنی الضر و انت ارحم [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] اجابت رسید و حکم شد که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] جسم [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

خوابیده و چنین که شد آنجا یکی حکیم محمد [illegible] روزی [illegible] تا یافت [illegible] زد [illegible]
[illegible] و معما را [illegible] شما [illegible] انوات [illegible] دقایق [illegible] مشرقند
بعضی جمله [illegible] این اعتبار کردند [illegible] مکان و در آن صحرا [illegible]
گفت [illegible] دید که مکان از آن [illegible] مناسب شد که [illegible]
[illegible] و اطراف آن صحرا [illegible] مرتضی سکونت [illegible]

21

جزئی از [illegible] یافته گفت تو با او چه علاقه [illegible] گفت که زوجه [illegible] جواب
[illegible] که این مرتضی [illegible] شهر در مکان خود [illegible] و اسباب [illegible] مال
[illegible] سعید از مسالک عنایت کرده و برکت دعای ایشان هم فرزندان زنده
شدند و یازده فرزند دیگر متولد شد که [illegible] و چهار فرزند رحمت شده و ما
[illegible] صبح [illegible] بالای خانه [illegible] یک [illegible] برون خانه [illegible]
[illegible] برای گرفتن او [illegible] نهایت [illegible]
[illegible] مرتضی [illegible] رحمت [illegible] شد از دست [illegible] عهد
[illegible] صد شاخ [illegible] یک [illegible] قطعه [illegible]
از فواید [illegible] آنکه [illegible] صفات که [illegible] از آن [illegible] حضرت
[illegible] استغاثت [illegible] دوم آنکه حضرت [illegible] از خدا تعالی گفت که رب
انی مسنی الضر و از دیگری کشف کرد [illegible] سوم آنکه [illegible] حرف
[illegible] حضرت ایوب و سلیمان و یوسف
علیهم السلام [illegible] از خدا تعالی دعا کرده
[illegible] یونس علیه السلام [illegible]
[illegible] عذاب الالیم [illegible]
[illegible] قوم یونس را [illegible] عذاب [illegible]
[illegible] قوم یونس [illegible]

... از ... قدری ... فلما کشفنا عنهم العذاب الخزی فی الحیوة الدنیا و متعناهم
الی حین یعنی باز گردانیدیم از ایشان همه عذاب دنیا و بهره‌مند ساختیم ایشان را تا وقت. بعض اهل قصص حکایت کرده‌اند که یونس
علیه السلام چنان بود که در زمان ... شعیا ... انبیای آن زمان شعیا علیه السلام
بودند چون مردم موصل ... بیت المقدس که مسکن و مقر شعیا علیه السلام
... ساختند ... از آنجا ... سلطان ایشان ... شعیا علیه السلام
رفتند ... اصلاح ... که یونس را باید فرستاد که آن مردم از ظلم ... باز آیند
... حضرت یونس ... عذاب الهی ... درخواست عذاب خواهد کرد ... آن قوم هلاک خواهند شد
پس سلطان مذکور ... یونس آمده گفت که حضرت شعیا ... فرموده ... گفتند که نمی‌دیگر ... از ... کار
... رفتن ... جواب داد ... رفتن ... است
... ایشان ... موصل ... رفتند ... آنجا ...
رفت ... سلطان ... ای مردم ... و ...
... بنی اسرائیل ... شما ... عذاب الهی
... هلاک ... این کلام ... مردم ایشان ... مجنون ... رفته ...
... پادشاه ... فرمودند که ... ما را ...
... بنی اسرائیل ... محبوب خدا ... ایشان ...
... عذاب الهی ... شما ... هلاک
... پادشاه ... که مردم ... رفته ... از زبان شما
... دعای ... ده‌بار ... کردند ... که ... الحال ...
... عذاب آسمانی خواهد
پادشاه و اهل شهر سخن ایشان را ... یونس علیه السلام ... درخواست عذاب
برای هلاک ایشان کرد چون ... صبح ... برآمد دانستند که ... است
... اطفال و ... ابر ... سیاه ...
... شد ... شهر را فرا گرفت پادشاه و اهل شهر ...
... که این نشان عذاب است ... ندامت ... و ...
... یونس علیه السلام نیافتند ... از ... یونس ... مأیوس گردید پادشاه
... تمامی خلق از شهر ... بیرون ... را ...
... فریاد و افغان ... حضرت ... علیه السلام ...
... ایشان امان از عذاب درخواست ... اجابت ...

امثال این معانی [illegible] همه مخلوق را اجابت کرده و یوم جمعه روز عاشورا [illegible]
عذاب نجات حاصل گشت یونس علیه السلام [illegible] و [illegible] خروج یونس معلوم شود
[illegible] شخصی در [illegible] شد که [illegible] از عذاب [illegible] ماندند
[illegible] اطفال ایشان را [illegible] حاصل [illegible] ازان [illegible] کردند که [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] شد [illegible] رفت [illegible] شدند
[illegible] رفاقت کرده [illegible] اطفال [illegible]
[illegible] شدند [illegible] دو طفل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اطفال [illegible] شدند [illegible]
[illegible] از [illegible] دو طفل [illegible]
[illegible]
[illegible] طفل [illegible] اطفال [illegible]
[illegible] طفل [illegible] شدند [illegible] طفل [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] انسان [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] از [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] ایشان [illegible] کشتی [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] است
[illegible] حال [illegible]
[illegible] حکم [illegible]
[illegible] انسان [illegible] این سخن [illegible]
[illegible]
[illegible] کشتی [illegible]
[illegible] این را [illegible]

[illegible] اقوال چهل روز تمام مدتی باشد چه زبان در انقطاع رحمت [illegible]

و رحمت باقی مانده بود و درختی کدو رویانید تا بر سر او سایه کرد و [illegible] دیده می‌آید [illegible]

[illegible] میداد تا آنکه حرارت [illegible] اسباب [illegible] درخت کدو از حرارت آفتاب خشک شد چون [illegible]

افتاد که او بدید محزون شد [illegible] که از خشک شدن کدو و حرارت آفتاب ملول گشتی و از ما [illegible]

که چنین [illegible] خود را هلاک کنیم [illegible] رحمت خویش از سر ایشان بر داریم [illegible] این همه [illegible]

که هنوز [illegible] ایمان باقی است [illegible] که اکنون شده [illegible] حکم است [illegible] فرمود [illegible]

و [illegible] حسب الحکم [illegible] شدند [illegible] زراعت نموده اند [illegible]

ایشان زراعت خود را بسوزانند چون گفتند جواب دادند که الهی ترا چه چیز شده است

که بایستی [illegible] چیزی [illegible] اگر از دست خود ما [illegible] نموده ایم از [illegible] حاصل [illegible]

اند که ای یونس [illegible] زراعت را [illegible] باشی [illegible] یاد نموده اند [illegible]

ما را [illegible] انقلابات [illegible]

[illegible]

[illegible] از آنجا [illegible] ایشان را پادشاه زاده [illegible]

[illegible] کرده که [illegible] والی [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible] از [illegible] را [illegible] که مقاومت کند

[illegible] استقبال [illegible] و ما را [illegible]

[illegible] یونس [illegible] ایشان را نزدیک [illegible]

[illegible] اکرام [illegible] ایشان را [illegible] و در حق [illegible] دعا [illegible]

دعای یونس [illegible] شفا یافت پس از آن [illegible] که ایشان [illegible]

[illegible] اطراف [illegible] رفتند [illegible] رفته [illegible]

[illegible] اطفال [illegible]

و اهل اطفال را [illegible] اطفال [illegible]

[illegible] افتاد [illegible]

[illegible] در صحرا [illegible] یونس [illegible] پادشاه را

خبر کرد [illegible] یونس [illegible]

[illegible] این [illegible]

[illegible] اکرام در شهر [illegible]

یونس را از [illegible] بود و [illegible] از لطایف این روایت یکی آنکه یونس علیه السلام
[illegible] صلوات [illegible] از پیغمبران ناشکیبی نکرد دوم آنکه در
شکم ماهی هم تسبیح خدا خواسته و استغفار از حق تعالی نمود مخصوص قرآن است سیوم آنکه
قوم ایشان [illegible] نزول عذاب به توسل [illegible] یونس در دعاهای خود بود مقبول
شدند و معلوم شد که توسل جایز است چهارم آنکه قوم ایشان [illegible] از خدا دعا خواستند
[illegible] از اهل [illegible] که بودند و امت محمد رسول الله که افضل امم اند چرا بجز خدا تعالی [illegible]
[illegible] محتاج شوند و الا افضلیت [illegible] از امت یونس [illegible] ایشان [illegible]
و هر [illegible] خلاف الاجماع [illegible] قصه عیسی علیه السلام اول آنکه حال ما در ایشان که
مخصوص کلام الله است [illegible] که جز از قرآن نمی‌دانستند و قصه از حمل حضرت
مریم حامله شده بودند نذر کرده بود که اگر این بار ولد خواهد شد برای خدمت بیت المقدس خواهم
گذاشت چون مریم تولد شد مادر ایشان [illegible] انی وضعتها انثی و [illegible]
خود در بیت المقدس [illegible] و در آنجا [illegible] و عجب بزرگ [illegible]
حال مریم شد و [illegible] زکریا [illegible] کفالت [illegible] مریم [illegible] کلما
دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا [illegible] و هر که ذکر [illegible] نزد مریم می‌یافت
چون می‌رسید [illegible] از کجاست [illegible] از نزد خداست [illegible] مریم [illegible] جوان
گردید [illegible] جبرئیل علیه السلام بصورت
بشر نزد ایشان آمد حضرت مریم گفت انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا [illegible]
[illegible] قال انما انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا گفت [illegible]
من [illegible] تا عطا کنم ترا طفلی پاکیزه مریم گفت چگونه طفل شود و [illegible]
[illegible] گفت که [illegible] این آسان است [illegible]
بر آسان است و لنجعله آیة للناس و رحمة منا و کان [illegible] تا که گردانیم این طفل را نشانی
برای مردمان و [illegible]
[illegible] روایات آمده در توصیف [illegible] گفت [illegible]
[illegible] عیسی علیه السلام [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] مریم [illegible] بر کنم یوسف گفت [illegible]

با من تکلم میکنند و وقتی که عیسی علیه السلام با مادر خود سخن میگفت و در شکم او می‌بود [illegible]

[illegible] بیت المقدس [illegible] گفته [illegible] یوسف [illegible]

منتقل میشد [illegible] صحیح [illegible] شد که مریم را [illegible]

پس [illegible] سوار کرده [illegible] مریم [illegible]

که [illegible] رسید [illegible] آب [illegible]

و از جناب الهی درخواستند که خداوند این چیز را از نظر مردم غایب [illegible]

حق از آن میوه و چشمه از نظر مردم غایب شد حضرت مریم از بیت المقدس [illegible]

در شهر ایلیا به بیت اللحم که فاصله [illegible] میل واقع است [illegible]

چون [illegible] روزه [illegible] حضرت مریم [illegible]

بجنبانید [illegible] رطب [illegible]

[illegible] دنیا [illegible] که من نذر کرده ام برای خدا

روزه را [illegible] امروز با هیچکس [illegible] چون عیسی متولد شد ملائکه او را

فرا گرفته [illegible] بهشت [illegible] مریم [illegible]

عیسی را گفتند ای مریم [illegible] مادر [illegible]

پس مریم اشاره [illegible] گفتند [illegible] سخن گوییم با کسی که در گهواره [illegible] عیسی علیه السلام گفت

من بنده خدایم داده است مرا کتاب [illegible] ساخته است هر جا که باشم

و مرا برای نماز و زکوة حکم فرموده است [illegible] نیکوکار [illegible] و مرا [illegible]

کشی نکرده است و سلام بر من است روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده

شوم [illegible] حضرت عیسی [illegible] حضرت مریم [illegible] یوسف که [illegible] مریم بود حضرت عیسی را

گرفته [illegible] طعام [illegible]

[illegible] مریم [illegible]

[illegible] عیسی علیه السلام [illegible]

[illegible] طعام و شراب [illegible]

[illegible]

[illegible] طعام و شراب [illegible] طعام و شراب [illegible]

جمیع الوان طعام بوده از آن شخص پرسیدند که از کجا معلوم شد که این طعام ها [illegible] نمود نشانده
[illegible] گفت که [illegible] همان ساعت [illegible] این طعام ها معجزه [illegible] ساخته شده
پادشاه مشتاق ملاقات حضرت عیسی شده مطلبید بعد از ملاقات از ایشان عرض کرد که
فرزند من که [illegible] و پادشاه من بود فوت کرده اگر به [illegible] شما زنده شود ممنون شوم
گفتند که [illegible] زنده [illegible] پادشاه [illegible] عظیم رسید پادشاه گفت [illegible] ایشان
[illegible] کردند پسر پادشاه زنده شد [illegible] تمامی امرا مصروف شدند و [illegible]
[illegible] رسید پادشاه کشته شد و [illegible] از [illegible] تقریب [illegible] پادشاه زاده [illegible] حواریین [illegible]
فاضل [illegible] معجزه حضرت عیسی [illegible] مرده را زنده گردانید دوم [illegible] حضرت
و باذن [illegible] زنده [illegible] سوم [illegible] چهارم ابرص را شفا میداد پنجم [illegible]
[illegible] خود کلام [illegible] آورده اند که روزی [illegible] یهودی [illegible] گفتند که [illegible]
ایشان [illegible] دعا [illegible] بصورت خنزیر شدند [illegible] یهود [illegible] قتل عیسی
[illegible] کردند ایشان [illegible] کفار [illegible] اضطرار کردند [illegible]
مقام توقف [illegible] روزی [illegible] و ایشان [illegible] که [illegible]
[illegible] ماهی میکردند ایشان پرسیدند که چه قدر شکار کرده اید گفتند که امروز ماهی [illegible]
[illegible] ما شکار [illegible] گفت [illegible] و [illegible] انگشت [illegible]
شکار شده [illegible] ایمان [illegible] جای رفتند که [illegible]
[illegible] پرسیدند [illegible] گفت [illegible] عیسی که [illegible] ایمان آورده
ایشان [illegible] کردند [illegible] معجزه که حضرت عیسی [illegible]
[illegible] میخوانند [illegible] رنگ میکنند [illegible] حواریین [illegible]
دوازده کس بودند [illegible] قتل عیسی [illegible] ایشان
[illegible] حواریین [illegible] عیسی [illegible] که یکی از
[illegible] ایشان کفار را آگاه کرده [illegible] خود را خبر داده
[illegible] یکی از شما [illegible] خواهد [illegible] آمد که آن [illegible]
گرفته [illegible] عیسی علیه السلام را نشان داده کفار [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] که خدا [illegible] شد [illegible]
[illegible] حضرت عیسی علیه السلام کشته [illegible] که عیسی [illegible]
حواریان خود را که در [illegible] بودند گفت که شما [illegible] من [illegible]
[illegible] و عطایا خواهم کرد چون خبر قتل حضرت عیسی [illegible] مریم [illegible]
با حضرت عیسی [illegible] که حضرت عیسی [illegible]
آورده با ایشان [illegible] و [illegible] رفتند که [illegible] فلان روز در [illegible]
کوه [illegible] بیائید که [illegible] در این کوه [illegible]
معهود عیسی علیه السلام بر آن کوه تشریف آورده از حواریان و داده خود [illegible]
و با اطراف عالم حواریین را برای تعلیم دین خود [illegible] و تبلیغ آن تأکید نمودند
از آنجمله [illegible] بملک شام رفته دعوت دین عیسوی کرد [illegible] و شاه شام [illegible]
[illegible] خود برای [illegible] پادشاه بیت المقدس [illegible] کرد و از
پادشاه بیت المقدس [illegible] شام [illegible] کشته شد [illegible]
کس [illegible] یحیی علیه السلام [illegible]
[illegible] بود [illegible] و دفن کردند و تعظیم و تکریم [illegible] اول
[illegible] رواج [illegible] تا مدت [illegible] شاه شام [illegible]
[illegible] حضرت عیسی [illegible]
[illegible] عیسی [illegible] بیت المقدس [illegible] مسیح [illegible]
[illegible] مسیح [illegible] امراض [illegible] یا [illegible] مسیح [illegible]
[illegible] کننده [illegible]
[illegible] عیسی [illegible]
[illegible] عیسی علیه السلام [illegible] شد اول
[illegible] که [illegible] شدند [illegible]
[illegible]
[illegible] شد [illegible]
[illegible] زنان [illegible]

[illegible]

میان ایشان [illegible]

بنیاد [illegible]

[illegible]

[illegible]

طلب [illegible]

و در [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

امر [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رسول الله صلی الله علیه و سلم [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible] ولادت [illegible]

ولادت [illegible]

که تفصیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مکان [illegible] که نوشته [illegible]

[illegible] چرخ را [illegible] اخوت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] که امامت [illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible] الی [illegible] حسنین [illegible] فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible] امامت [illegible] باشد [illegible]

می بود آنجناب [illegible] این امر اقدام [illegible]

[illegible] برای قتل آنجناب [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنجناب [illegible]

[illegible]

[illegible] طبیعت [illegible] آنجناب از فاطمه علیها السلام پرسید فاطمه [illegible] عرض کرد [illegible]

[illegible] طبیعت [illegible] آنجناب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرمودند

وجه مشابهت ملاحظه کرده این حضرات [illegible] بعضی [illegible] مناسبت تمام [illegible] اگر چه
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حوادث
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] از
[illegible] [illegible] این رساله [illegible] [illegible] [illegible] انجاب [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رسالم
یکی آنکه حضرت پیغمبر صلعم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] انجاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
هم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و معلوم آنکه حضرت [illegible] اول [illegible]
[illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انجاب [illegible]
و برای [illegible] این [illegible] از ازواج [illegible] [illegible] سیوم آنکه حضرت انجاب [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چهارم
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
حضرت
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ششم آنکه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] جناب الٰهی و سبب [illegible] از [illegible] شد [illegible]

با [illegible] شنیدم که حضرت [illegible] علیه السلام را در [illegible]

ابیات از کلام [illegible] خود که با حضرت [illegible] [illegible]

[illegible] که در [illegible] خود با جمعی از یاران شراب خواری میکردند از [illegible] شراب

[illegible] و آمده [illegible] علی [illegible] انجیل [illegible]

را [illegible] کرده [illegible] شد [illegible] ایشان را [illegible] آورده [illegible] برهان [illegible] کرده و با [illegible] جهت [illegible]

[illegible] حضرت علی [illegible] اتفاق [illegible] حضور آنحضرت آمده [illegible] عرض کرده [illegible]

[illegible] آمده گفت که این چه حرکت [illegible] ایشان از [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] را [illegible] خود [illegible] نوشته [illegible] کتاب [illegible]

نگاه کردند [illegible] که [illegible] الاسم الاعظم [illegible] از آیات [illegible] در کتاب [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] که از جناب الهی حکم [illegible] در [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] خدا و [illegible] نازل شد [illegible]

[illegible] از آن روز [illegible] شد و در این [illegible] از خدا دعا [illegible]

[illegible] روایح [illegible] در [illegible]

[illegible] آنحضرت دعا [illegible]

[illegible] چند سال [illegible] ایمان [illegible] را [illegible]

[illegible] با این [illegible]

[illegible] را [illegible] کرده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] فرزند خود را [illegible]

[illegible] مبارک آنحضرت [illegible]

با رسول الله [illegible] وورود که
این که [illegible]
[illegible]
[illegible] از ازواج [illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] الاول [illegible]
[illegible]
[illegible] را [illegible] تفصیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

غزوه

[illegible]
[illegible]
[illegible] الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بیعت

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] دیگر آنکه [illegible] رسید [illegible] حضرت [illegible]

و سلام رسید [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] شد [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] که در جنگ خندق [illegible]

[illegible] گرسنگی بود و چنانچه یکی از صحابه به حضور آن حضرت [illegible]

[illegible] از غایت گرسنگی سنگی بر شکم بسته ام آن جناب [illegible]

[illegible] بر شکم خود دو سنگ بسته ام و [illegible]

[illegible] گفت [illegible]

[illegible] آواز [illegible] اجازت خواست

آن حضرت [illegible] حضرت حمزه [illegible]

[illegible] حضرت علی علیه السلام [illegible]

[illegible] استعانت از پروردگار خود طلبید [illegible]

[illegible] غزوات اختلاف است بعضی [illegible]

[illegible] سرایا و غزوات جمع کنند

[illegible] سرایا و غزوات [illegible] صحیح و ضعیف

[illegible] استعانت [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

[illegible] آن جناب [illegible] ملک الموت [illegible]

[illegible] آمده [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] شروع کرده [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] اللهم اعنی علی سکرات الموت [illegible] تا آنکه آن جناب [illegible]

[illegible] شد [illegible]

[illegible] الباب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

والحمد لله علی ذلک

چون سرور عالم صلی الله علیه وسلم از قفس [illegible] الاعلی گشت و صحابه را روز وفات

[illegible] چه [illegible] وآم [illegible] در حال [illegible]

[illegible] حیرات [illegible]

منبر [illegible] ابوبکر صدیق رضی الله عنه در مسجد نبوی بالای منبر

[illegible] خطبه خوانده که من کان یعبد محمدا فانه قد مات ومن کان یعبد

الله فان الله حی لا یموت [illegible] این کلام [illegible] صحابه [illegible]

[illegible] باشد [illegible] صحابه رضی الله عنهم [illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن مجید را جمع

[illegible] تمام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

تیرم [illegible] لا اله الا الله است و ربنا محمد رسول الله [illegible] این تسبیح بگفته جاری است

خاصیت [illegible] نوشته [illegible] استغاثت با بلای گرانی ملک العلام کرده

از این جهت ذکر کرده چون حال [illegible] تول [illegible] استغاثت [illegible]

باشد در [illegible] جا بجا حالات [illegible] هم آنکه مشتمل بر [illegible]

و آنکه [illegible] برای تسخیر ملک کافه در عراق فرستاده عقب آن لشکر دیگر [illegible]

متوجه [illegible] خالد بن الولید را مامور کرده به عراق فرستاده و مشتمل [illegible]

که با خالد بن الولید [illegible] معاون باشد چون خالد به نواحی حیره فرود آمد

اهل شهر در حصار متحصن شدند خالد به زیر دیوار قلعه رفته گفت که مردی را از

عقلای و اکابر خویش بفرستید تا با وی سخن کنیم ایشان یک مرد پیر را که

عمرش به صد و پنجاه سال رسیده بود و مرد عالم [illegible] بنظیر خود [illegible] نامش

عبد المسیح نزد لشکر اهل اسلام فرستادند چون عبد المسیح به خانه خالد در نشست

هر چند سخنهای صلح میان ایشان [illegible] میسر نباید لاجرم از صلح مایوس شده

خود [illegible] که همراه آورده ام [illegible] شیشه را [illegible] خالد

که در این شیشه چه چیز است گفت که در این شیشه زهر است اگر یک قطره از آن به هر که

رسد [illegible] بمیرد و این را برای آن آورده بودم که اگر سخن

من در حق قوم من قبول نکنی [illegible] خود بخورم [illegible] قوم خود [illegible]

نکردم خالد آن شیشه را از دست وی گرفت و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله

خیر الاسما بسم الله رب الارض و السما بسم الله خالق الخلیقه [illegible] بسم الله

الذی لا یضر مع اسمه شی و هو السمیع العلیم و زهر تمام چون شربت [illegible]

بنوشید [illegible] رسید و در [illegible] عرق کرد [illegible] استجابت [illegible]

از اول [illegible] و [illegible] سوم آنکه چون ابوبکر صدیق [illegible]

[illegible] با شاه روم [illegible] مقابله [illegible] خالد [illegible]

[illegible] گفت [illegible] مصلحت این است

که [illegible] هر یک این کلمه را که لا اله الا الله [illegible] الله اکبر [illegible]

از فضل ملک الوهاب مظفر و منصور شدند و در عهد [illegible] بجز ذات او [illegible] بود
چند هم آنجا در جنگ اهل [illegible] که مقابله لشکر شد خالد دست خود بجانب
آسمان [illegible] و گفت [illegible] شهر [illegible] و طلب
[illegible] که جنگ [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] کفار [illegible] ساختند و در این حرب [illegible] استعانت از خدا کردند [illegible]
[illegible] آنکه دوازده طایفه [illegible]
[illegible] شدند [illegible] لشکر فرستاد [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] ساخت و [illegible]
[illegible]
[illegible] از خدا [illegible]
[illegible] آنکه در اوایل اسلام [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایمان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از خدا [illegible]
[illegible]
[illegible] از خدا [illegible]
[illegible]

صلی الله علیه وسلم بود ... حضرت عمر رضی الله عنه ایشان را بجماعت جمع کرد و [illegible]

بدعت اگرچه [illegible] گفته است حقیقتاً [illegible] نبود [illegible] و مسئله [illegible]

فرض [illegible] اینکه اصلاً [illegible] و عقل سلیم [illegible] العناية [illegible] اولی آنکه چون [illegible]

تشیع [illegible] بعضی [illegible] قرار [illegible] و [illegible]

جهت کار است [illegible] برای این امر قیام میکردیم [illegible]

با [illegible] نبوت [illegible] عقوات [illegible]

[illegible] ادا میکند تا کار [illegible] را [illegible] حاصل شود [illegible]

حکم کرد [illegible] بدعت [illegible] و [illegible] بر آمده [illegible] سوم

آنکه چون در عهد خلافت آنجناب قحط شد بجای نماز استسقا صحابه کرام [illegible]

بعد [illegible] آنکه [illegible] نماز بوقت [illegible] حضرت عباس را گرفته و گفت اللهم

انا کنا نتوسل الیک بنبیک و الآن نتوسل الیک بعم نبیک فاسقنا [illegible]

[illegible] معلوم [illegible] که توسل [illegible] که در شرع [illegible] توسل

احیا [illegible] توسل اموات [illegible] است و [illegible] توسل [illegible]

[illegible] و کسیکه چنین باشد [illegible]

از [illegible] چون در عهد خلافت وی [illegible] حضرت عمر

[illegible] اختلاف روایات [illegible] و چون [illegible]

[illegible] خود [illegible]

[illegible] چهارم

آنکه [illegible] در خلافت [illegible]

[illegible] تکبیر [illegible]

[illegible] الله اکبر [illegible]

[illegible]

[illegible] در خلافت [illegible]

[illegible]

نشده که بخود دانست هوا شریان اختلال منکرات خود و عزم مراد دانسته مستبد او رجیع

آورده [illegible] آنحضرت [illegible] که با صدع کردگی با حضرت [illegible] او بود و چون

خروج بلوا [illegible] لشکر [illegible] ترکیب گویان مسجد و اضطرار شدند گفار و زحام

[illegible] که با بلد بود [illegible] کرده پنجشنبه تمام [illegible] از [illegible]

[illegible] و کاغذ [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا

یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء [illegible] بسم الله [illegible] لا الله

[illegible] و هو السمیع البصیر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] در مقام [illegible] بسنت [illegible] از ذات [illegible] و اصل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] باعلای صفات [illegible] [illegible] شد [illegible]

[illegible] و چون [illegible] الا [illegible] کشف کرامات [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] که با [illegible] یا روح را [illegible] روح [illegible]

[illegible] و طول شوم [illegible] و روح پاک آن امیر المومنین [illegible]

[illegible] از [illegible] حاجات بوده استغاثت از [illegible]

[illegible] امیر المومنین عثمان رضی الله عنه پس در عهد خلافت [illegible] [illegible]

[illegible] و اراو [illegible] [illegible] [illegible] کتابی از کتب [illegible]

[illegible] که [illegible] لشکر [illegible] و [illegible] لشکر او [illegible] و [illegible]

و اهل [illegible] برای استغاثت [illegible] باشد و چون عثمان [illegible] اهل بلوا [illegible] کردند

[illegible] ایشان [illegible] الحاح کردند که با [illegible] اهل بلوا را [illegible] معلوم [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] زبیر بن العوام برای اعانت [illegible]

[illegible] و [illegible] شمشیر [illegible] اهل اسلام نکشند و [illegible] امری [illegible]

[illegible] در [illegible] مفصل [illegible] در کتب مبسوط موجود است [illegible]

از دست بلوائیان [illegible] شهادت چشید [illegible] رضوان خرامید و [illegible]

این آیه را تلاوت میکرد و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل و در روایتی آنکه از قطع آیت
خون او بر [illegible] فسیکفیکهم الله [illegible] بر دیوار [illegible] کرم حسبنا الله [illegible]
مشوره [illegible] استعداد فرمود [illegible] حضرت علی علیه السلام [illegible] از [illegible]
[illegible] مذکور است استغفار [illegible] قصید [illegible] را که حضور
حق تعالی در این مرتبه باشد او را با استعانت [illegible] صاحب [illegible]
در اهل [illegible] چون [illegible] حرب های بسیار و جنگ های بسیار [illegible]
مهم و [illegible] حضرت استعانت از
اهل مشورت فرموده [illegible] اصحاب [illegible] بوده [illegible]
[illegible] و [illegible] حضرت ذوالفقار [illegible]
پروردگار [illegible] الله اکبر [illegible] پروردگار [illegible]
[illegible] استعانت [illegible] ملعون
[illegible] فتح [illegible] حسین [illegible]
بوده [illegible] هر چند [illegible] نموده [illegible]
نرسید [illegible] گاهی اصحاب [illegible] استعانت از مشورت فرموده
[illegible] چون در خلافت خود امیر المومنین عمر رضی الله عنه از حضرت علی علیه السلام برای فتح
[illegible] نهاوند خواست که خود حرکت نماید و از حضرت علی مشوره کرد [illegible]
مشوره داد [illegible] که ان هذا الامر لم یکن نصره ولا خذلانه بکثره ولا بقلة وهو دین
الله الذی اظهره وجنده الذی اعزه الخ ازینجا دریافت کرده که آنحضرت [illegible]
احیا [illegible] جایز است نسبت به استعانت خدا [illegible] والحمد لله
حضرت امام حسن رضی الله تعالی عنه [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] حتی که اسما اصحاب [illegible] حضرت امام
علیه السلام اوصیا [illegible] در حق [illegible] دعا [illegible]
[illegible] هرگز [illegible] از اهل [illegible] ازخدا
بوده [illegible] حضرت امام حسین [illegible]
[illegible] کربلا [illegible] معلوم [illegible]

اگر چه بن صدقان یاران آن امام همام [illegible] مقام [illegible] چندی اختیار قبله حاجات

خود فرمود [illegible] ذات [illegible] رسول الله [illegible] روایتی اهل [illegible] نسبت نبوت

[illegible] حرم [illegible] و این کلمات [illegible] آیات انتخاب رسیده چه این ابواب [illegible]

[illegible] و [illegible] مناسب [illegible] شریف [illegible] و [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible] آنحضرت [illegible] و [illegible] دعا [illegible] مبارک [illegible]

31

[illegible] بر اعدا [illegible] چون زخم [illegible] حضرت [illegible]

این رسول الله [illegible] آن جناب [illegible] رسید [illegible] او را بدست مبارک خود [illegible]

می آورد و [illegible] تا آنکه [illegible] قصه [illegible] می خواند

و [illegible] بعنوان [illegible] و در بعضی [illegible]

[illegible] این [illegible] از [illegible] از اینجا [illegible]

[illegible] جناب فاطمه [illegible] فرموده [illegible]

بل [illegible] رسول الله [illegible] یا ابن رسول الله

او در کتی [illegible] از [illegible] آن امام [illegible] بود از [illegible]

استغاثت نموده تا بان امام [illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

که روزی [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] فاطمه [illegible] و دعا [illegible]

میکنند [illegible] این [illegible] ایشان [illegible]

ان [illegible] اطاعت [illegible] این دعا

[illegible] از [illegible] طلب

بکند از [illegible] استغاثت از اهل [illegible] استجابت از [illegible]

حضرت [illegible] و جناب [illegible] العون [illegible]

نموده [illegible]

عبد [illegible] حضرت [illegible] روایت از [illegible]

[illegible] فلان الفرقی اما حضرت [illegible]

[illegible] این رسانه رسیده که [illegible]

استغاثت از [illegible] و اهل آن نموده باشند حضرت [illegible]

فرمان او را در حضرت [illegible] روایت در آن حالتی بود که [illegible] از [illegible] السابقین [illegible]

باشد و ایشان همین میگفتند که [illegible] علی المصطفین و ترک نکنند

دعای ایشان [illegible] فلان [illegible] خدیجه کبری از ابو هریره رضی الله عنه روایت

است که روزی جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله

این خدیجه است که برای تو ظرفی پر از طعام می آرد و چون بیاید بگو که از من و از پروردگار

خدیجه سلام برسان و او را بشارت ده که خدای تعالی او را در بهشت خانه از یک لؤلؤ [illegible]

ساخته است [illegible] چون حضرت این بشارت و سلام که خدیجه رسانید

خدیجه گفت ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام

و رحمة الله و برکاته و علی من سمع السلام الا الشیطان و ظاهر است که کسی را مخاطب سلام

خدا و جبرئیل خدا باشد او را باستعانت اهل قبور چه احتیاج باشد و در حقیقت

همین حال است جمیع انواع [illegible] را در وسیله و [illegible] اما [illegible]

[illegible] سعد ابی وقاص مروی است

که او را حق تعالی [illegible] مستجاب الدعا نموده [illegible]

که [illegible] چون [illegible] شده بود چون مردم گفتند که چرا برای [illegible] خود

[illegible] گفت رضا [illegible] احسن [illegible] که هر که

[illegible] رضای خدا تعالی [illegible] او را از استمداد اهل قبور چه کار

حضرت بلال رضی الله عنه روایت [illegible] حال ایشان [illegible] و در کتب سیر و حدیث مسطور است

که در ابتدای اسلام حال ایشان [illegible] امیه ابن خلف هر روز

[illegible] مرده [illegible] سنگی [illegible]

[illegible] سینه ایشان [illegible] رازوش محمد

[illegible] بشدت [illegible] ایشان [illegible] و ایشان

[illegible] احد احد [illegible]

[illegible] و [illegible] فلان [illegible]

[illegible] حال [illegible]

رسیده بعضی از اهل فتور [illegible] که ایشان [illegible] جهت
و [illegible] جمیع صحابه [illegible] پس [illegible] صحابه [illegible] از فتور
کرده [illegible] استحقاق [illegible] اول آنکه صحابه [illegible] و ازان
[illegible] امور [illegible] و [illegible] و [illegible]
معتقدین این [illegible] کتاب [illegible]
گرفته [illegible] است [illegible] این کتاب [illegible] در ان
و روایات خطاب [illegible] است [illegible] قال الله تعالی [illegible] و [illegible] در ان کتاب
و معانی [illegible] قوله [illegible] الفضل [illegible] است [illegible]
در اتباع و [illegible] اصحاب [illegible]
و فتوح [illegible] تا به [illegible]
و [illegible] است [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] حضور [illegible] گفت [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible]
و حضرت [illegible] کتاب [illegible]
از طرف [illegible] که [illegible] به [illegible]
[illegible] و [illegible] گذاری [illegible] صدیق [illegible]
[illegible] از [illegible]
اول این [illegible] انبیا علیهم السلام [illegible] کرامت [illegible]
از فتور و اهل این گروه [illegible] صحابه [illegible] تفضیل [illegible] سابقه
[illegible] لازم [illegible] استحقاق [illegible] است [illegible]
[illegible] استحقاق [illegible] است که قائل
[illegible] تفضیل [illegible] است [illegible]
[illegible] لازم [illegible] است [illegible]
خلافت [illegible] و [illegible] در
وقت [illegible] و [illegible]

مزارات جمع استغاثت بخدا عز اسمه می‌ورزند و با شکوه او مشهور و اهل آن [illegible] خاصه
بعض اولیا [illegible] اند. و در مجالس [illegible] متعدد [illegible] اند و اکثری از آنها در کتب مبسوطه متفرق
پس چون نقل تابعین و سایر کتب صحاب استقراء معهود شده باشد تا به [illegible]
بعض [illegible] واحد اند

امام حضرت زین العابدین ابن [illegible] در واقعهٔ کربلا شریک رنج و درد حیات
[illegible] صعوبتی که بر آن جناب گذشته [illegible] ان
[illegible] کربلا [illegible] چون با همراهان اهل بیت و [illegible]
بخدا می‌نالید [illegible] رنگ روی مبارکش زرد گشتی چون
از سبب این پرسیدند فرمود شما میدانید که می‌خواهم که بایستم در درگاه خدا مشغول شدی
نیز [illegible] ایشان را [illegible]
که [illegible] استغاثت اهل [illegible]

امام باقر علیه السلام ابو جعفر [illegible] حکایت کند [illegible]
دست [illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اصلی [illegible]
[illegible] داری [illegible]
کردم [illegible] دعا [illegible] آن جناب [illegible] مذکور نمود

امام جعفر صادق ابن جوزی در کتاب صفوة الصفوة از [illegible] سعید
روایت کرده که روزی در ایام حج آن جناب بر کوه ابو قبیس رسیدم که دعا میکرد
که الهی [illegible] گرسنه شده و اشتها انگور دارم هنوز این سخن تمام نکرده بود
[illegible] انگور [illegible] حاضر شد و [illegible] انگور [illegible]
استغاثت و دعا از خدا [illegible] از اهل [illegible] و مشهور

امام موسی کاظم [illegible]
[illegible]
کرد [illegible] از آن جناب استغاثت کنم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

می‌آورند که امام بر بستر بیمار بود که [illegible] شب بود [illegible] گردید [illegible] که از اعاظم [illegible]

اهل سنت [illegible] امام [illegible] شیخ [illegible] محمد ابن [illegible] عرض کردند که [illegible]

از [illegible] که سلسلة الذهب [illegible] فرمای امام علیه السلام [illegible] که لا اله

الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی [illegible]

[illegible] الترجمه [illegible] صدهزار [illegible] شد از اهل قبور [illegible]

[illegible] امام محمد تقی [illegible] علیه السلام چون معتصم بالله عباسی

را مسموم ساخت در وقت نزع [illegible] در جلیس مشغول بود

[illegible] نشد که استغاثت از اهل قبور [illegible] باشند امام

ابوالحسن علی نقی علیه السلام گویند جوانی [illegible] بحضور امام [illegible]

[illegible] دفع این مرض [illegible] خدا [illegible] از اهل قبور [illegible]

[illegible] حضور امام [illegible] روز

از صورت مرض [illegible] انتقال کرد [illegible] امام [illegible]

از اهل قبور [illegible] امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام در زیارات الاولیا [illegible]

احوال الجناب [illegible] ان کتاب می‌نویسد که عزیزی را زن حامله بود برای [illegible]

آنکه پسر تولد خواهد شد با خبر حضور امام آمد امام فرمود اعظم الله اجرک [illegible]

[illegible] پسر [illegible] دعا فرمود [illegible]

شیخ عبد القادر جیلانی قدس سره نیز دعا [illegible]

اهل [illegible]

اللهم اعزنا بالطاعت ولا تذلنا بالمعصیه واشغلنا بک عمن سواک واقطع

عنا کل قاطع یقطعنا عنک والهمنا ذکرک وشکرک وحسن عبادتک لا اله الا الله

[illegible] لا قوت الا بالله العلی العظیم [illegible]

[illegible] استغاثت [illegible]

سواک واقطع عنا کل قاطع یقطعنا عنک یعنی [illegible]

[illegible] تا استغاثت اهل قبور [illegible]

[illegible] گویند [illegible]

اقفا تکذیب ... از اسود عنسی آن عظیم ... ابومسلم را در آتش انداخت ... در نار
ابراهیم . فی حق هذا المسیح از فضل الهی ... ابومسلم ...
که آتش بروی ... چون و او را از یمن اخراج شد و چون ... خلافة ... عمر
رضی الله عنه ... او ... فضل ... ابوبکر ... گفت
وقفت ... الحمد لله الذی لم یمتنی حتی ارانی فی امة محمد صلی الله علیه وسلم من فعل
به کار ... با ابراهیم خلیل الله در ... ابومسلم الامام ... علی ... المستقیم گفت
و ... از اهل ... است   عبد الله بن المطرف از تابعین بود
روزی در مجلس نشسته ... که ناگاه ... در آب ... با خود
... از این آب باز ... فی ... و ... ابیت
بسته برای حل ... مشکل ... با اهل ... شمرده .   خواجه حسن
بصری گفت که در بصره ... کسی ... از ...
... این دعا کرد ... یا علی یا عظیم یا حلیم یا علیم
... از خدا ... از اهل ...   اویس قرنی
چون حضرت علی و حضرت عمر رضی الله عنهما ... موجب وصیت ... اویس
اویس ... او را ... گرفته ... مشغول گشت و گفت
که الهی ... تا ... امت ... نبخشی ... که چندین ... بخشیدم گفت
... نبخشی ... چندین هزار ... بخشیدم چون علی کرم الله وجهه ... گفت
... اگر ... تا ... بخشید ... بر ... آن صالحان
از خدا ... از اهل ... بود   سفیان ثوری از اعاظم اولیای کبار
بود در کتاب کرامات الاولیا می نویسد که چون ... بصره وفات یافت بر جسد او
نوشته یافتند ... الله ...
خواجه حبیب عجمی رحمة الله علیه در احوال خود می نویسد که وقتی در راه
توکل در ... مسافر بودم که در کوهی غاری بود ... در آن غار
دیدم او را ... مشغول باطن یافتم و در خاطرم گذشت ... این عزیز ...
... و در ... و در ... بودم که ... طعام حاضر

[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
رحمة الله علیه شیخی در ایام زمستان [illegible] حکایت بخاطرش گذشت که [illegible]
پوستینی بودی چه خوش بودی ناگاه از بالا [illegible] پوستین خوبی را دیدند و
گرفت و در بر کرد [illegible] تا آنکه از فرط [illegible] خوابش در ربود و چون بیدار شد [illegible] اژدهایی [illegible]
[illegible] گفت الهی [illegible]
[illegible] بالید [illegible]
[illegible]
[illegible] و گفت اللهم احفظ [illegible] و دیگر آنکه [illegible]
[illegible] غرق شدن [illegible] الهی ما را غرق کنی [illegible]
[illegible]
[illegible] ذوالنون مصری [illegible] که ذوالنون روزی
با جمعی اصحاب [illegible] میگذشت که اهل طرب بر کشتی سوار [illegible]
یاران [illegible] عرض کردند که دعا فرمایید که کشتی غرق گردد گفت
الهی [illegible] چنانکه درین جهان عیش بخشیده در آنجهان نیز [illegible]
[illegible] دعا [illegible] کردند درین حال کشتی بکنار رسید [illegible] چشم ایشان بر خواجه افتاد
[illegible] شکستند و توبه نمودند خواجه [illegible] گفت [illegible]
[illegible] حاصل شد [illegible] مراد رسیدند و [illegible]
[illegible] خواجه ولید سقار رحمة الله علیه از مریدان

[illegible] کوشد [illegible] الله [illegible] صبح [illegible]
[illegible] از [illegible] کفت [illegible]
[illegible]
[illegible] را [illegible]
[illegible] از حکایات [illegible]
[illegible] بر [illegible]
[illegible] شما [illegible]
برای [illegible] ازو [illegible] خدا استعانت [illegible] باید کرد برهای درد [illegible]
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و بالحق انزلناه و بالحق نزل
بسیار گریستم و حال گفتم و بجان کردم [illegible]
[illegible] گفتم [illegible] استعانت از [illegible]
[illegible] ابا یزید بسطامی را پرسیدند که برای [illegible] خدا [illegible]
[illegible] از حضرت [illegible] از آن حکایات [illegible]
مادرم آب طلبید چون کوزه آب نزد او بردم دیدم که در خواب است [illegible]
[illegible] تا نصف شب بیدار ماندم بعد از آن بیدار شد کوزه از دست من گرفت [illegible]
[illegible] تا اندازه صبح [illegible]
[illegible] چون صبح رسید [illegible] امیدواران بودم از
[illegible] استعانت بفضل [illegible]
[illegible] رحمه الله چون بعد وفات او بزرگی بخواب دید پرسید که ترا حال چیست
فرمود [illegible] پرسیدند که چه آوردی گفتم [illegible] که درگاه پادشاهی [illegible]
که چه آوردی [illegible] خطاب [illegible]
[illegible] شیر خورده [illegible]
شیر خورده بودم شکم درد کرد [illegible] اگر چه [illegible]
شرک [illegible] حسنات الابرار سیئات المقربین [illegible]
[illegible] استعانت [illegible]

ابو الفوارس شاه شجاع کرمانی رحمة الله علیه پادشاه زاده بود و کامل صفات

نقل است که شاه شجاع دختری داشت دختر خوب بکمال بود پادشاه کرمان خواستگاری کرد

سه روز مهلت خواست بر مسجدها می گشت تا درویشی را دید که نیکو نماز کرد صبر کرد تا از نماز فارغ شد گفت

قدم من اهلیت خواهی گفت خواهم از کجا سه درم دارم گفت من دختری دهم

گفت یکی را از آن نان و گلاب خریدم که دختر شاه با چون من درویشی نسازد

گفت پدرش من نه از بی درویشی تو بلکه از ضعف یقین تو بر تافتم

درویشی را فرا گرفت تا سر خفته و از انتها در دل ... را شکوه از عجز

که ندام ... گر ترا پرهیزکار دیدم و ... خدا

... نقد ... خواست ... طعام

اکنون ... عطا ... و ... از صفا

... تا ... اهل ایمان بود

عبد الله ... رحمة الله علیه ... که سوار بود ... و ...

گفت ... این ... تا آنکه ... است

... جایی ... را ...

تو ... ... و ... ... که ...

... دعا ... از خدا ... از ...

اهل آن جنید بغدادی رحمة الله علیه روزی شخصی پیش جنید آمد با اضطرار

گفت که دعا کن که باز آید گفت برو دعا کن و بگو که

اللهم ... ای المضطر اذا دعاه ... این دعا ... باز ... و ...

... رسید ... اصحاب پرسیدند که ...

بکو ... جنید ... قول خدای عز و جل که امن یجیب المضطر اذا دعاه

هم ... المضطر ... از خدا ... از اهل ... ابو حمزه خراسانی

نقل است ... که ... در چاهی ... سه روز ... بودم

... تا ... خواستم تا ... از ... خدا

... برای ... و از مخلوق استعانت خواهم ... ان

[illegible] در راه واقع است بیابانی بی آب و گیاه [illegible] سنگی [illegible]
[illegible] شدند چون شطری از شب گذشت ابتدای [illegible]
[illegible] رو به راه نهادند آوازی آمد که ابوحمزه چه نیکوست که ترا [illegible]
دیدیم [illegible] از معلومست خود استعانت از زنده [illegible] غایت
[illegible] شیخ مکارم رحمة الله علیه روزی در مجلس کلام [illegible]
[illegible] تعریف بیان کردند شخصی انکار کرد [illegible]
[illegible] رفت [illegible] بعضی مردم متغیر شدند
شیخ [illegible] ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون فی الفور اضطراب آن مرد به
تسکین مبدل شد [illegible] دعای انکشاف عذاب [illegible] اهل آن
حضرت شیخ عبدالکریم [illegible] منقول است [illegible] قدس الله سره
روزی شیخ عبدالکریم از مولانا علاء الدین پرسید که معنی ظلم چیست گفت وضع الشی
فی غیر موضعه گفت پس [illegible] هرکه غیر حق را [illegible]
[illegible] استعانت [illegible]
اهل آن [illegible] خواجه عثمان [illegible] روزی [illegible] خواجه حسن الدین حسینی
که روزی [illegible] بخدمت خواجه عثمان [illegible]
[illegible] برای استمداد بحضور شما آمده‌ام ایشان سوره اخلاص و فاتحه خواندند
گفتند که من دعائی کنم شما آمین گویید همین که دعا تمام شد گفت که [illegible]
رسید [illegible] استعانت [illegible] سوره اخلاص و فاتحه که [illegible] توحید اند [illegible]
[illegible] خواجه حسن الدین حسینی
منقول است از فرید الدین که [illegible] در خدمت خواجه معین الدین بودم
[illegible] شیخ علی نامی
که یکی از [illegible] قرض خواهی [illegible] خواجه [illegible]
در [illegible] شد [illegible] اللهم [illegible]
زر شد [illegible]
[illegible]

بعد از آن کرامت [illegible] نه از جمله رجال اولیاء ان [illegible] خواجه [illegible] علاء الدین معروف است

از قوم الدین کشتی گیر که با خواجه قطب الدین [illegible] بر لب دریای سون رسیدیم [illegible] نمی گذاریم

گفتم کشتی [illegible] خواجه [illegible] خان [illegible] شمس الدین [illegible] کشتیم

[illegible] استعانت [illegible] همت [illegible] از نظر [illegible] ولایت شیخ [illegible]

نور الدین کشتی گیر گویند در احوالی [illegible] بود که دست شیخ الاسلام صدر الدین عراقی

درست [illegible] ایشان [illegible] شهاب الدین [illegible] عراقی

گفت که ما را بزرگی شما [illegible] که از کسان حاکم [illegible] باشیم و دان

وقت [illegible] بر زمین زند [illegible] اللهم اقتله

از [illegible] بر زمین [illegible] می آوردند

که در راه [illegible] استغاثت از خدا بود نه از اهل صورت شیخ جمال الدین

هانسوی رحمة الله علیه چون [illegible] شد [illegible] دعوت ایشان

به تکلف تمام [illegible] شیخ [illegible] تا [illegible] عالی قدر

عرض [illegible] حضرت [illegible] بار [illegible] از خدا [illegible] خواستند که ما را [illegible]

در رسید و تمام آن ولایت را [illegible] شیخ جمال الدین [illegible] تبرک

خبر [illegible] سلطان المشایخ نظام الدین اولیا رحمة الله علیه آورده اند

که چون سلطان قطب الدین مبارک شاه بر سریر سلطنت جلوس کرد [illegible]

هر روز دو هزار [illegible] در مطبخ نظام الدین خرج میشد [illegible]

سلطان [illegible] سلطان [illegible]

در [illegible] سلطان المشایخ [illegible] این سخن بحضرت ایشان رسید [illegible]

خرج مطبخ [illegible]

از [illegible] چون چند روز بگذشت این خبر سلطان

رسید [illegible] برای طلب خرج روز مره استعانت [illegible]

و اهل آن دیگر مرتبت کتاب اسرار الاولیا نقل کرده که روزی سلطان قطب الدین

[illegible] سلطان المشایخ نظام الدین [illegible] سلطان

[illegible]

دور گرفت و عطای الهی را [illegible] و اخلاق [illegible] جهانگیر [illegible]

و [illegible] دعا خواست [illegible] را در کار زمانه از [illegible] فضل [illegible]

از صحبت [illegible] مصاحبه او [illegible] که سلطنت [illegible]

مناصب [illegible] عام [illegible] حال [illegible]

شیخ [illegible] اقبال سلطنت [illegible]

[illegible] صحبت باشد [illegible] کرامت

[illegible] مستجاب [illegible] اول آنکه [illegible] از خدا [illegible]

[illegible] مقام [illegible] نظام [illegible]

سیوم آنکه [illegible] فضل [illegible] اقبال سلطنت

هندوستان [illegible] استقامت [illegible]

[illegible] حضرت شاه اشرف جهانگیر قدس سره روزی [illegible]

جهانگیر [illegible] اصحاب [illegible]

از [illegible] ماه را [illegible]

حضرت شاه [illegible] اصحاب

[illegible] چوپان [illegible] حال [illegible]

[illegible] حضرت شاه [illegible]

[illegible] واقعه از [illegible]

[illegible] حضرت شاه [illegible]

چه دعا کنم [illegible] الهی [illegible] را و اولادش را [illegible]

[illegible] استقامت از خدا [illegible]

شیخ [illegible] ضیاء الدین عبد القاهر سهروردی [illegible]

که خضر علیه السلام [illegible] شیخ [illegible] شهاب الدین [illegible] خضر [illegible]

[illegible] وقت [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] استقامت [illegible] شود

حکایت شهاب الدین سهروردی [illegible] روایت کنند که حکیمی [illegible] آنچنان آمده
پرسید که حرکت فلکی طبیعی است یا قسری [illegible] گفت که [illegible] حکیم از استماع این سخن
[illegible] گرفته از حجره [illegible] بیرون آمده [illegible]
[illegible] حکیم [illegible]
[illegible] شهاب الدین [illegible]
خوارق عادات [illegible] از اهل [illegible]
احرار حکایت کنند مولانا محمد [illegible] که از [illegible] حضرت [illegible]
زیارت [illegible] الدین [illegible]
[illegible]
[illegible] کردم [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible] محمد [illegible] زنده [illegible] مرده [illegible]
عبدالله [illegible] علما و فقرا زنده [illegible] زیارت اولیا
[illegible] شیخ احمد [illegible] رحمة الله علیه
[illegible] روزی [illegible]
[illegible] یا حافظ یا الله [illegible]
[illegible]
چون [illegible] از [illegible]
[illegible] ارشادات و [illegible]
[illegible]
[illegible] این رساله [illegible]
[illegible] جمیع [illegible]
[illegible] ذات [illegible]
[illegible] این [illegible]

حال ایشان خاص باشد که غفلت از یاد حق را که [illegible] بالعمر
محو کرده اند و اکثری از اهل سکر حال که بعض کلمات اولیا را بر اینها حمل میکنند
مثل [illegible] انی انا الله رب العالمین و انا الحق و سبحانی ما اعظم شانی [illegible] شنوند
گویا ایشان بزبان حال خاص حق حرف تکلم میکنند ازین [illegible] که [illegible] احیانا
که ذوات [illegible] استغاثه وارد فوقع استغاثة من اهل القبور [illegible] فانه
منفعت ایشان شدن است و [illegible] منفعت ایشان بودن و [illegible]
نامه

امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمة الله علیه صاحب کتاب کرامات الاولیا در ذکر ان
امام می فرماید که هرگاه [illegible] را مسئله مشکل شدی برای حل ان چهل قران ختم
فرمودی تا از فضل الهی حل گشتی ازین فعل ان امام ظاهر شد که برای حل مسئله
استعانت بکتاب الله میفرمود و استعانت باهل قبور نمی نمود و نیز از ان امام [illegible] از
تعظیم مفرط نسبت با اهل قبور احتیاط میکرد چنانچه قرأت قران را نزد قبر مکروه
دانسته اند پس اگر را درین امر تردد باشد در کتاب [illegible] بنگرید امام محمد
رحمة الله علیه پس احتیاط ایشان در مسئله [illegible] و بعض [illegible] که کرده [illegible]
تعظیم قبور المخلوقین خشیة الفتنة [illegible] کذا فی الفتاوی قاضی خان و ظاهر است
که هرگز دیگر از اجلاس [illegible] حکم کند [illegible] مرتکب استعانت شود [illegible]
[illegible] بالبر و تنسون انفسکم داخل گردد و [illegible] الله [illegible] امام مالک
رحمه الله پس احتیاط ایشان نیز درین مسئله ازینجا قیاس توان کرد که منع تاکید
کرده مالک رحمه الله الا [illegible] علی القبور [illegible] الطین کذا فی مختصر الخلیل
المالکی وذکر [illegible] الفقه و الحدیث [illegible] مالک رح [illegible] سلم
علی النبی صلی الله علیه وسلم قال و ما ینبغی له ان یقول [illegible] و لکن ان تم
اراد ان یدعو فانه یستقبل القبلة و یجعل الحجرة عن یساره امام احمد حنبل
رحمه الله مولف کتاب کرامات الاولیا در ذکر [illegible]
[illegible] مشکل [illegible] خواستی [illegible]

بعد ازین [illegible] از فضیل ابن [illegible] کسی [illegible] ابن الامام [illegible]

و [illegible] ابا لعبد [illegible] طلب استعانت [illegible] امام محمد غزالی رح

در [illegible] که مسمی بیان [illegible] التفصیل است در تفسیر والذین [illegible] من دون الله [illegible]

[illegible] عبادا امثالکم [illegible] والذین [illegible] فتهم [illegible] جمله

ای [illegible] امثالکم [illegible] الله تعالی [illegible] امام [illegible]

[illegible] تفسیر [illegible] او را [illegible] شکسته شده [illegible]

[illegible] امام [illegible] [illegible]

[illegible] شد در آن حال [illegible] اضطرار سوره یٰسین را [illegible]

[illegible] خواندن [illegible] [illegible]

خواندن [illegible] آن [illegible] امام بیرون [illegible] کفن [illegible]

چون دید [illegible] امام [illegible] از آن [illegible] زنده بود [illegible]

[illegible] مرا [illegible] [illegible]

گویند [illegible] واقعه [illegible] اول آنکه امام غزالی

که [illegible] استعانت من الاموات [illegible]

[illegible] والذین تدعون من دون الله [illegible] دوم آنکه چون امام [illegible]

[illegible] که زیاده از آن [illegible] در قبر [illegible] سوره یٰسین [illegible]

قدرت [illegible] خواندن [illegible] و این هم [illegible] حدیث نبوی [illegible]

در حدیث آمده [illegible] سوره یٰسین را [illegible] تلاوت کند [illegible]

[illegible] استعانت [illegible] اهل قبور را [illegible]

[illegible] استعانت [illegible] اهل قبور

شیخ عبد الحق [illegible] ترجمه مشکوة باب زیارت القبور نقل [illegible]

من اهل القبور [illegible] بسیاری از فقها منکر اند [illegible] زیارت [illegible] دعا برای [illegible]

و استغفار [illegible] بلسان [illegible] دعا و استغفار [illegible]

[illegible] قاضی خان [illegible] عند القبر لم یعهد من السنة والمعهود منها

لیس الا زیارتها والدعاء عندها قائما کذا فی البحر الرائق [illegible] و مولوی شاه ولی الله

دهلوی قدس سره در تفسیر عزیزی می‌نویسد که من نسب الی غیر الله ما هو من خصائص [illegible]
انتساب الامر مستقلا و غافل عن الله تعالی لما و الحاجة مکانه عبد الغیر و [illegible]
[illegible] از ایشان حال و اولیاء و مقتدیان دیگر [illegible] در این مسئله مستحق [illegible]
حسنه و امام محمد ابن رازی در تفسیر کبیر در ذیل آیه والذین اتخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم
الا لیقربونا الی الله زلفی یعنی این مشرکین می‌گویند که ما نعبدهم حتی ثابت
[illegible] انهم یعبدون هذه الاصنام و یعبدونها اعتقادا و انه یکون لهم شفیعا لهم
[illegible] از کثرت اقوال علما مذهب شد که استعانت من اهل قبور
منفی است که بفعل مشرکین شباهت تام دارد چون فعل زیارت و اعتنا و [illegible]
اولیاء و علما درین هر چند رباب در مسئله استعانت معلوم شد حالا کلام
اجمالی در فاتحة الکتاب می‌کنیم تا ناظر این رساله را از ملاحظه این [illegible]
استعانت من اهل القبور بصیغه کامل التفسیر که در و ما لیس الا استعانت [illegible]
باید دانست که خدا تعالی در سوره فاتحه که تلاوت و قرائت آن
در صلوة بر ذمه هر مسلمان واجب کرده است می‌فرماید که ایاک نعبد و ایاک
نستعین بموجب مضمون همین است حدیث صحیح آنحضرت است که و اذا استعنت
فاستعن بالله و دیگر آیه و حدیث که دلالت صریح دارد که [illegible] حال کرده
بعد از آن تعیین آیه و حدیث با آیات و احادیث دیگر مخصص یا [illegible] و آیات
و احادیث مخصصه آنها چند چیز اند اول آنکه در مورد وقت تعیین ای الی الله [illegible]
معلوم شد که استعانت بغیر خدا تعالی از صحیح زنده بهم [illegible] [illegible]
نزد آن یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین یعنی ای نبی کفایت
می‌کنند ترا خدا و کسی که پیروی تو کنند از مومنان برای اعانت و اعانت [illegible]
از اینجا دریافت شد که استعانت از زنده هم [illegible] مأمور است و برای جواز [illegible]
از احیا قصص انبیا علیهم السلام و صحابه رضی الله عنهم و اولیاء و کبار رحمهم الله و علما
اخیار رضوان الله علیهم اجمعین کفایت می‌کنند سوم آنکه اشیا [illegible]
و انتفاع بدانها در شرع جایز است از قسم رکوب و لباس و ماکول [illegible] و ما [illegible]
و [illegible] و غیره منتفع شدن و مستقل بودن از آنها ما [illegible] [illegible] [illegible]

من [illegible] از [illegible] و [illegible] کل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مشرکان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر کسی گوید [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از مشرکان [illegible]

[illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible] قال

[illegible] قل لمن الارض ومن فیها ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل افلا تذکرون

[illegible] زمین [illegible]

[illegible] قل من رب السموات السبع ورب العرش العظیم سیقولون

[illegible] قل من بیده ملکوت کل شیء وهو یجیر ولا یجار علیه ان کنتم تعلمون

سیقولون لله قل فانی تسحرون [illegible]

[illegible]

قل [illegible]

[illegible] ز سید [illegible] که [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible]
و [illegible] ایشان را مالک [illegible] نگاه [illegible]
[illegible] احسان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] کنند [illegible]
[illegible] خدا تعالی ایشان را [illegible]
[illegible] ازان [illegible] مخلوق شده [illegible]
[illegible] برای [illegible]
[illegible] چون [illegible] اهل [illegible]
لطائف این [illegible] که انبیا و صحابه و اولیا و علما علیهم السلام اند به ثبوت نرسیده بلکه
آن از خلافت [illegible] ارشادات ایشان ثابت شده پس [illegible] از صوفیه را قول و عمل
این جماعه موافق [illegible] شریعت تمام دارد در افعال مشرکان مشابهت تمام [illegible]
آیات قرآنی و [illegible] کلمات [illegible]
[illegible] استقامت [illegible] ثابت [illegible]
[illegible] قوله تعالی قل ان کنتم
تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم یعنی بگو ای
محمد صلی الله علیه و سلم اگر دوست میدارید شما خدا تعالی را پس پیروی من کنید که دوست
دارد شما را خدا تعالی و بیامرزد گناهان شما را و خدا آمرزنده مهربان است
از این آیه مفهوم شد که محبت خدا تعالی بدون متابعت پیغمبر [illegible]
کسی که [illegible] پیغمبر را صلی الله علیه و سلم [illegible]
[illegible] محض و محجوب خواهد بود که [illegible] استقامت از [illegible] ثابت است
که [illegible] صحیح [illegible] اهل [illegible]
باشد [illegible] محبت خدا را جواب دادن آیت
ولله ملک السموات والارض والله علی کل شیء قدیر یعنی [illegible] ملک آسمانها و
زمین و خدا بر همه چیز قادر است یعنی توانا ست [illegible]
خدا تعالی است و بر همه چیز توانا است و کسی [illegible]

و قدرت بر هر خیر و شر [illegible] باشد او را فرشته برای [illegible] و حجت [illegible]

[illegible] که بر نفس خود مالک است و نه هم [illegible] و قدرت نیست او را [illegible]

[illegible] مالک [illegible] کردن [illegible] نفعت [illegible] باید که [illegible]

مالک [illegible] کسی [illegible] نفس [illegible] از

[illegible] مالک حقیقی [illegible]

[illegible] استعانت [illegible] حکم فرموده [illegible] قل لا املک لنفسی نفعا ولا

ضرا الا ما شاء الله ولو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر وما مسنی السوء

ان انا الا نذیر وبشیر لقوم یؤمنون یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه وسلم من مالک نیستم

برای ذات خود که نفع و ضرر رسانم [illegible] چیزی که خدا خواهد و اگر میدانستم غیب

[illegible] نیستم من مگر ترسانند از عذاب و بشارت

دهنده [illegible] اخروی برای قومی که ایمان می آرند [illegible]

[illegible] محمد صلعم [illegible] نفع و ضرر [illegible] تا دیگران [illegible] و این تعلیم

[illegible] نفع و ضرر [illegible]

[illegible] اشارت است باین که اصل [illegible] نفع و ضرر [illegible]

دارنده نفع و ضرر اضافی است [illegible] نفع و ضرر [illegible] قدرت او تعالی

[illegible] نافع و ضار حقیقی [illegible] دیگران [illegible]

[illegible] نافع و ضار حقیقی [illegible] او تعالی [illegible]

[illegible] طلب نفع و دفع ضرر [illegible]

قل ما یکون لی ان ابدله من تلقاء نفسی ان اتبع الا ما یوحی الی انی

اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم یعنی بگو ای محمد صلعم نیست مرا سزاوار

که بدل کنم قرآن را از [illegible] نفس خود و من متابعت نمیکنم مگر آن را که وحی کرده شده

[illegible] من [illegible] اگر گناه کنم پروردگار خود را از عذاب روز بزرگ

دریافت [illegible] از احکام قرآنی [illegible] از [illegible]

نفس [illegible] صلعم [illegible] از تلقای نفس [illegible]

[illegible] حالا استعانت [illegible]

[illegible] از [illegible] اجماع صحابه [illegible] است [illegible]
معلوم شد که امری از ملتقا و نفوس جهلا [illegible] جون چیزی باید [illegible] حقیقی
بنا کردن چیزی را اعتبار نمیتوان یافت [illegible] جهال [illegible]
اعتبار [illegible] قائلین [illegible] - - ویعبدون من دون الله ما لا
یضرهم ولا ینفعهم ویقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله یعنی می پرستند [illegible]
غیر خدا چیزی را که نه ضرر میرساند و نه نفع می بخشد ایشان را و میگویند [illegible]
[illegible] شفیعان ما هستند نزد [illegible] خدا تعالی از [illegible] این آیه معلوم
گردید که مشرکان [illegible] و مقصود ایشان [illegible] نافع و ضار حقیقی نمی [illegible]
مقصود [illegible] کسانی [illegible] خود [illegible] استشفاع میکنند [illegible]
[illegible] استعانت [illegible] عبادت است و [illegible] و [illegible]
دون الله [illegible] شرک گردیده [illegible] این [illegible] امر [illegible]
استعانت اهل قبور [illegible]
[illegible] من یطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک علیهم
حفیظا یعنی کسیکه اطاعت رسول میکند پس تحقیق [illegible] خدا را [illegible]
که [illegible] نفرستاده ایم [illegible] نگهبان [illegible]
[illegible] خدا تعالی [illegible] اطاعت رسول [illegible] اگر حکم حاکم
بجا [illegible] حاکم حکم [illegible] آن [illegible] و چون این [illegible] گردید پس
میگویم که [illegible] از استعانت [illegible]
[illegible] از اهل قبر استعانت خواستن [illegible] الکتاب [illegible]
و کنایة موجود نیست تا [illegible] چه [illegible] پس [illegible] خدا و
رسول خدا امر کرده باشد [illegible] اقدام نمودن اطاعت خدا
و رسول خدا را [illegible] والعیاذ بالله قل افاتخذتم من دونه
اولیاء لا یملکون لانفسهم نفعا ولا ضرا یعنی بگو ای محمد صلعم آیا گرفتید شما
سوای خدا [illegible] کسانی را که مالک [illegible] نفع و ضرر [illegible] ذات خود [illegible]
مدلول این آیه [illegible] شد که [illegible] کسانی را که نفع و ضرر [illegible] ذات خود

الملون

را ایشان نمی‌خوانند کار مشرکان جهت آنها نیست که مگر کسانیکه خدا و غیر خدا را از روی

محبت بخوانند قرآن ایشان را از راه التماس می‌پرستند زیرا که احیا و اشیا و مجالس از مضمون آیات

دیگر مستثنی اند و موافق مضمون جمع آیت و حدیث تخصیص یافته اند و هو ظاهر جدا

والذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب یعنی کسانیکه

ایمان آورده اند و اطمینان میگیرند دلهای ایشان بذکر خدا یعنی تو ای آگاه شو که بذکر خدا اطمینان

میگیرند دلها الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب یعنی چنانکه آیات

آورده و کردار نیک کردند بشارت بهشت برای ایشان و نیک است بازگشت ایشان

و جهت شده که خاصه دلهای مومنین حاصل است که بجز ذکر خدا و تلاوت قرآن مجید یا مشغول

شدن دیگر اطمینان نمیگیرند و ظاهر است که اطمینان مرتبت از مطلق اطمینان قرآن حاصل

میشود بلکه این صفت موصول الفاظ کلام الله است که مدلول کلام الله را اطمینان

خاطر و تصویر دیده بان رجوع آرد و کمال نجات و صلاحیت اعمال نصیب او میگردد و هو

زود جای نیک رسد برت از حسب است بروزی او حرمت از حضور رب العزت غایت میشود

چون مدلول کلام الله مستحق است را منحصر بذات خدا و صحیح و صلوة و احیا موجود ر نیز

از حکایت بکلام بحکم من الله موجود از اطمینان نتیجه در دنیا و حسن مآب آخرت قطع کرد

است و هو الاستقامت من اهل العبودیة من الاعتقادات و الاعمال الکثیرة و ارتکب

و الرحیم ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا و لو اجتمعوا له الخ

مرتبت کسانیکه می‌خوانند سوای خدا ایشان پیدا نمیکنند مگسی را اگرچه جمع شوند همه برای

پیدا کردن آن از مضمون این آیه درست شد که دعا کردن بدرگاه که قدرت پیدا کردن

مگسی ندارند کار مشرکانست اگر کسی گوید که زندگان هم طاقت خلق مگسی ندارند لازم

که زندگان بایت دیگر تخصیص یافته اند که دعا دادن او و نیز اگر کسی گوید که والذین تدعون

اند گوییم که مقصود مرتبت آن کار رسانند و غیره نمیباشد کسی از ایشان دعا نمیکند بلکه از تصورات ایشان

که غرض ارواح اند که در عالم برزخ موجود اند و دعا میکنند و درین صورت دعا از دیگری اهل

میشود مقصود آن احکام چون مرتبت کلا لا یخفی علی من له ادنی فهم ام من یجیب المضطر

اذا دعاه و یکشف السوء یعنی کیست که قبول کند مضطر را وقتیکه دعا کند و می‌کشاید بدیها را

در ضمن استفهام انکاری است که قبول دعا و رفع هر بلا متعلق بحضرت حق است و الوهیت [illegible] صفت
مخصوص اوست که گویا حضرت با آنکه قبول دعای مضطر و حل مشکل او [illegible] مخصوص
سزاوار نیست و این کار خدا استقلالیست و در عقب [illegible] [illegible]
که در هر اضطرار و هر مشکل استمداد از او [illegible] بکار خود نمایند و [illegible]
نیست در حل مشکل بندگان [illegible] که اینچنین حلال مشکل [illegible]
با اهل [illegible] استعانت بمشکلات خود رجوع او [illegible] از عقلا [illegible]
[illegible] نیست والذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئا وهم
یخلقون اموات غیر احیاء وما یشعرون ایان یبعثون یعنی کسانیکه میخوانند بجز
خدای تعالی را پیدا نمیکنند چیزی را و آنها خود پیدا کرده شده اند مردگانند و [illegible]
زنده و نمیدانند و شعور ندارند که کی برانگیخته خواهند شد از [illegible] که کسی که مخلوق
باشد و چیزی خلق کردن نتواند و مرده باشد زنده هم نباشد و شعور [illegible]
خود ندارد و لیاقت دعا و عبادت ندارد و هر که او را خواند مثل [illegible]
[illegible] [illegible] خدا [illegible] عصیان [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible] اصل [illegible] استعانت اموات [illegible]
که عاقل [illegible] بعد [illegible] استعانت اموات افتد
[illegible] طریق [illegible] کلام الله ترجیح دهد [illegible]
کامل الایمان [illegible] والذین تدعون من دونه ما یملکون
من قطمیر ان تدعوهم لا یسمعوا دعاءکم ولو سمعوا ما استجابوا لکم ویوم القیامة یکفرون
بشرککم ولا ینبئک مثل خبیر یعنی کسانیکه میخوانید سوای خدا اینها را که مالک نیستند
از پوست تخم خرما اگر بخوانید شما اینها را نمیشنوند خواندن شما را و اگر بشنوند قبول
نکنند برای شما و روز حشر انکار کنند [illegible] شما [illegible] مانند خبیر [illegible]
[illegible] خواندن کسانیکه مالک پوست خرما هم نباشند و خواندن اینها را نمیشنوند
و اگر بشنوند قبول نکنند [illegible] [illegible] ثابت [illegible]
اهل قبور نیز ثابت است و اگر مالکیت [illegible] میباشد [illegible]

ثابت این هم ثابت میگردد که با ایشان بعبادت مالک چیزها [illegible] چیزهای دنیایی [illegible]

[illegible] که اگر کسی نذر ایشان چیزی از ایشان میگوید و در عوض حاجات خود [illegible]

[illegible] و ذکر [illegible] با کمال [illegible] برگزار [illegible] عرض عارض را قبول

میکنند [illegible] این هم استعانت کردن [illegible] جلی است زیرا که از [illegible] کلام مجید

یعنی [illegible] العبادت [illegible] صاحب [illegible] است که استعانت [illegible] شرک

است والا اینها را [illegible] شرک و [illegible] خود [illegible] حشر [illegible] تعالی

اینها را بطرز اخبار بالغیب در کلام مجید ارشاد [illegible] از انکار [illegible] خبر نمیداد

التی ۱۲

والذین لا یدعون مع الله الها آخر ولا یقتلون النفس [illegible] حرم الله الا بالحق

[illegible]

ولا یزنون ومن یفعل ذلک یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیامة [illegible]

[illegible] کسی را [illegible] خدا [illegible]

[illegible] روز قیامت [illegible]

[illegible] زیرا که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

متفرع نشدن کار مسلمین نیست تا مصنف رعین النواصب گمان کرده‌اند

فمنها قوله علیه السلام انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً احدهما

اعظم من الآخر کتاب الله و عترتی اهل بیتی پس معلوم شد که کتاب الله را جناب محمد صلعم

پیش آمده و خواست که رفیق [illegible] دوات [illegible] امراله [illegible] القدر

[illegible] حالا هم عادت شاگردان است که هر آنچه خواهد که بسفر رود و عازم [illegible] دیگر

گردد [illegible] و کودکان خویش ضعاف خود را تفویض کسی می‌باید که با کسی او را [illegible]

[illegible] بعد از رسیدن [illegible] مثل [illegible] و این اطفال [illegible]

خود را هم وصیت میکنند که شما را تفویض فلان و فلان میمایم اگر شما حسب انها [illegible]

[illegible] اگر چه شما که [illegible] کرده‌ام [illegible] [illegible]

من خارج خواهد شد گویم اگر بعد بعدت و فراق [illegible] این اطفال و ذکر آن [illegible]

[illegible] سفر مشهور میشد و از ولایت دور دور و از انتظام ریاست و ما یتعلق بها

کرد [illegible] تفویض نمودن این اطفال و ذکر آن عجب [illegible] خواهد بود [illegible]

[illegible] که از آن [illegible] مسافت [illegible] مرحله [illegible]

[illegible] امور زندگی مثل تعلیم و ارشاد و اعانت کردن [illegible] و هر حادثه و مشکل [illegible]

[illegible] میسر خود [illegible] جناب پیغمبر مثل [illegible] حیات خود [illegible]

میکرد در [illegible] تفویض با دیگری می [illegible] و چون [illegible] حالا در تحقیق باید

[illegible] کلام الله در هر مسئله استمداد من اهل بیت [illegible] ارشاد میکنند و اهل بیت

الکتاب در [illegible] [illegible] اما حکم قرآن [illegible] در هر [illegible]

[illegible] و کلام [illegible] [illegible] و اما اهل بیت [illegible] افعال [illegible]

آنحضرات [illegible] [illegible] این رساله علی سبیل التحقیق تحریر کردیم

چنانچه ناظران رساله را [illegible] رسیده باشد که [illegible] که علام اهل بیت [illegible]

اهل [illegible] [illegible] تا بان حضرات [illegible] رسول [illegible] و حضرت

[illegible] بوده‌اند و [illegible] الکتاب [illegible] جناب [illegible] بوده‌اند

و از [illegible] حرف قرآن [illegible] مضمون این حدیث [illegible]

[illegible] اهل [illegible] شدن از تمسک قرآن و اهل بیت [illegible] کردن [illegible] [illegible]

ومنها [illegible] سلام [illegible] [illegible]

عبادت این شخص نیست بلکه استقامت است در دین حق [illegible] با شرک [illegible]

فضیلت بسیار ما قرآن [illegible] حضرت [illegible] تکرار [illegible] کلام خدا [illegible]

و متشابهات را موقوف دارد [illegible] دو سه عقیده است و دیگر هست اول آنکه روایت

کرده‌اند که اعرابی آمد به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عرض کرد که یا رسول الله [illegible]

[illegible] پس [illegible] آنجناب [illegible] که [illegible]

[illegible] از حضرت امیر المؤمنین [illegible] پس [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] گفت که الکیس الکیس [illegible] دانای [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] که حضرت [illegible] استقامت [illegible]

می باشد و حضرت عمر [illegible] الکیس الکیس [illegible] و معنی این [illegible] که [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] حضرت عمر [illegible] که [illegible]

[illegible] باشد و [illegible] باشد [illegible]

[illegible] و حضرت امام زین العابدین [illegible]

[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و سلم [illegible]

[illegible] محض [illegible]

اند که شخصی [illegible] آنجناب آمد و گفت که یا رسول الله [illegible]

پس دید که آنجناب [illegible] از آن [illegible]

[illegible] باقی مانده [illegible] جواب [illegible] آنکه [illegible]

[illegible] این سؤال اگر [illegible] باشد و این فایده [illegible] آن حضرت [illegible]

[illegible] عمل [illegible] باشد [illegible] صحابه [illegible]

[illegible] آنجناب [illegible] سؤال [illegible]

و اگر [illegible] آنجناب [illegible] که [illegible] آنجناب [illegible]

[illegible] آنجناب [illegible] آن حضرت که

[illegible] فرموده [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] الجناب [illegible]

[illegible] استغاثت ناشی است از نا قدر شناسی خدا تعالی [illegible]

حق عبده [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب الجناب [illegible] الی سبیل الحق [illegible]

[illegible] استغاثت [illegible] اولیاء [illegible]

[illegible]

احادیث [illegible] فاتحه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الاستغاثة [illegible]

[illegible] عبادت المشرکین [illegible] الاستغاثة من الاموات [illegible]

[illegible]

[illegible] الکبری [illegible]

[illegible]

[illegible] الاستغاثة من الاموات [illegible] المشرکین [illegible]

[illegible] المشرکین [illegible] الاستغاثة [illegible]

[illegible] الکبری [illegible] فی کتب الاصول [illegible] الکلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت [illegible] ارباب [illegible] خیال [illegible] دعا نه ها ی محبت او آمیخته

و دیگر [illegible] را [illegible] بجا [illegible] زنان از زیارت [illegible]

[illegible] مرقوم [illegible] یا معنی العقل [illegible] مرتکب [illegible] شده حکم

همین حرکت [illegible] این زبان میکنند و پس حالا دعا [illegible] تضرع و زاری از

جناب حضرت باری چنین است که هر احیای از این رساله خواند مقصود [illegible] ناظران

در حضره عطا فرماید و اگر خطایی هر دانشا و تحریر [illegible] قلمی و خطی [illegible]

[illegible] مرتکب الذنوب واقع شده باشد به ذیل عفو خود بپوشند و در دعا

و آخرت هر آن استقامت کنند ربنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل

فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رئوف رحیم و آخر دعوانا ان الحمد [illegible] نعم الوکیل

نعم المولی ونعم النصیر تمام شد

کتبه [illegible] المخلص به وفا [illegible] و [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الملک العزیز العلام والصلاة والسلام علی سید الانام محمد خیر الانام وعلی آله واصحابه الذین متبعین
نسبتهم و الی الاسلام اما بعد میگوید فقیر اضعف عباد الله الصمد ابو محمد که اندرین ایام اکثری
از اصحاب کرام که در مسلک اسلام راسخ الاقدام اند این نعوذ بالله با مراد اسباب
استعداد بسیار دارند آنچه بعضی از علمای دار الخلافه احیان ابا و [illegible]
قلبی و جمیع مباحثات سعی را با حقی التفات میرسانند معتقد خود را مفصل [illegible]
و از اجتهاد هر بدعت رافع سنت است ابدا بمقتضای شمس سنت نبی مختار [illegible]
دوست دارند و از قبایح شریعت را بموجب کلمه سید ما صلی الله علیه وسلم الی [illegible]
نه انکار میکنند و دفع بدعت بر چشم قدر التفات نموده بر رد و مخالفت بدعتی که محیط بسیر
در ورطه کفر و شرک صغیر و کبیر این امت را می اندازد و می پردازم و آن استعانت
اهل قبور است با نظر بعضی بزرگان رفته با مکانی دنیا بارواح ایشان متوجه شده
که این قباحت و از خود روا فرمایند یا استفسارش من از خدای عز و جل فرموده
را برآورده و بهیه محقیقه را از حریر این رساله بحر الفخار علمیه الحق عرضی دیگر
نشان اهل فن ممنوع بودن استعانت مذکوره الصدر و نیز بودن آن فردی از
افراد شرک هم از روی دلایل عقلی و نقلی کالشمس فی نصف النهار عیان الابصار
ساختم و این مختصر را العبد از فوق سوم ساختن بعروة الوثقی و نصب نمودن

الوهابیه

هر صاحب عقلی از خبر فوق آشنا است که ابدال معنی الموت [illegible] مقتضی
تبعیض است خبر ضعیف [illegible] این خبر [illegible]
زیرا که [illegible] خود از مرگ ما موات [illegible] است و عمل [illegible]
مستبعدات زندگان در [illegible] ممتنع است [illegible] وجه اول آنکه [illegible]
خواهید نعمت [illegible] و در تمام [illegible] و عبادت [illegible]
و بدنیم [illegible] را از آنها [illegible] دنیا [illegible] از مرگ [illegible]
یابیم [illegible] از فضل [illegible]
مرگ ما [illegible] و راحت بخشید ما را از دست زندگان در این [illegible]
نجات [illegible] یابیم و راحت [illegible]
برادران حاجات خود را تکلیف تا [illegible] راحت [illegible]
[illegible] و تکلیف دنیا را [illegible] دوم آنکه اجساد [illegible]
[illegible] ارواح [illegible] را برای [illegible]
حضرت آدم و موسی علی نبینا و علیهما الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] در شب معراج در مسجد اقصی و [illegible] های مختلفه [illegible]
ملاقات [illegible] اند از اینجا دریافت شد که برای [illegible]
بر القیاس ارواح دیگر ابرار [illegible] مختلفه [illegible]
[illegible] بوده [illegible] اهل ارض [illegible]
[illegible] این دعوی [illegible] اهل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والاستیه [illegible] فی السماء [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible]
خود را خواستن و [illegible]

الی

نظیر صفین و نزدیک با خیال مخالفین است و چنین گفتن حضرت موسی علیه السلام ازو [illegible]
[illegible] که با [illegible] و [illegible] کلام [illegible] آنحضرت صلعم از [illegible] و از [illegible]
[illegible] بودن [illegible] عقود [illegible] از [illegible] روشن و [illegible]
[illegible] از [illegible] اصحاب [illegible] که ما را و صحبت آن [illegible] اگر
کسی از صحابی [illegible] همه این [illegible] کرامات را [illegible] و [illegible]
چه [illegible] آنکه [illegible] حقیقه [illegible] آنجا [illegible] خاصه [illegible]
[illegible] حوادث [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]
است [illegible] و [illegible] آمده [illegible] وجود [illegible]
[illegible] عقل [illegible] دعا کردن
[illegible] خردمندان [illegible] که با وجود [illegible] که
[illegible] حالی [illegible] و اگر کسی [illegible]
[illegible] سوالات [illegible] [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] کامل [illegible] منقطع [illegible] اند و عقل سلیم [illegible]
[illegible] از کسی که از [illegible] هیچ تعلق [illegible] باید [illegible]
و در [illegible] پیروی خردمندان [illegible] عقل [illegible]
[illegible] علیهم السلام اند [illegible] عقل [illegible]
[illegible] قرآن مجید [illegible] مرتکب بودن
[illegible] صحابه [illegible]
[illegible] آن اصحاب [illegible] علیهم السلام [illegible]
[illegible] و [illegible] و تعظیم [illegible]
از صحبت [illegible] نشده [illegible] صحبت [illegible] نموده باشند [illegible]
از صحابه [illegible] جمیع [illegible] اصلا [illegible] [illegible]
[illegible] عقل [illegible] که [illegible] عاقلان [illegible] و حکما [illegible]
[illegible] عاقل [illegible] میکنید با [illegible] و ارشاد

عاقلان کار کنند و از مقابل و مزاحمات ما اتکال [illegible] بهشت نخواهند [illegible]

اولوالابصار   در بیان آنکه تا کار [illegible] امورات [illegible] لازم خرد

عاقل را باید که برای انصرام این امر از پرداختن به شهوات و شوق از خوشیهای حیوانی گرانه

گیرد چنانکه سعدی علیه الرحمه در باب حکمت گلستان میفرماید حیف است [illegible]

تا کار از دست برنیاید عاقل در فکر [illegible] [illegible] [illegible]

مقصود [illegible] است [illegible] که [illegible] از اهل [illegible] برای [illegible] عاقل [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] عاقل [illegible] [illegible] [illegible] است از [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] الاکثر [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] خانه [illegible] معلوم شود [illegible] از [illegible]

[illegible] شود [illegible] معلوم [illegible] است و [illegible] [illegible]

و توقع فلاح [illegible] پس برای انصرام کار [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از عقل [illegible] [illegible] را

از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] و دوام [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] بحضرت انسان که [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]

دیده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و بهنگام [illegible] [illegible]

برای منفع [illegible] از خود [illegible] اکراه [illegible] و این امر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است   در بیان آنکه اگر پادشاهی

صادق الوعد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ملکت [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] جمیع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

طلب [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

به تخمین سالکی [illegible] طاعت [illegible] طلب [illegible]

[illegible] کسانی [illegible] [illegible] شاغل [illegible] [illegible]

[illegible] ازان [illegible] [illegible] پادشاه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] برای [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] پادشاه [illegible] [illegible] [illegible]

سلطان [illegible] وزیر [illegible] اجازت سوال کرد [illegible] [illegible]

[illegible] مثل صریح تفاوت نبودن [illegible] از اشتغال [illegible] [illegible]

[illegible] از سلطنت [illegible] تو سلطانی [illegible] [illegible]

[illegible] هیچ عاقل [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]

حاتم طائی [illegible] [illegible] [illegible] حاتم [illegible] [illegible] روزی

[illegible] [illegible] [illegible] بیت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غیرت [illegible] استغنا [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تعالی است [illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible] صریح عقل [illegible] [illegible] انبیا [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] کالنور [illegible] فی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] تعالی [illegible] [illegible] [illegible]

یکی از [illegible] پادشاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سوال میکند [illegible]

[illegible] دیگر که مفسرین زبان پادشاه [illegible] سابق [illegible]
جمیع الصدور [illegible] بر آن آنکه عقلا [illegible]
و [illegible] همین تحقیق نیست که [illegible] عقلا [illegible] کلام [illegible]
و [illegible] موجود است [illegible] تحقیق [illegible]
از [illegible] عقلا [illegible] در بار پادشاه [illegible] العلم [illegible]
ملازمت او مخصوص [illegible] از حس [illegible] خود مردم [illegible] با وجود [illegible]
و حرکت [illegible] این [illegible] حرکات [illegible] و [illegible] از احوال
مجانین و شاید [illegible] ملائکه [illegible] مجنونان هم [illegible] اند زیرا که
مخیله و متوهمه ایشان بسبب [illegible] مرض [illegible] صور عجیبه و اشکال غریبه را ترتیب
داده پیش چشم ایشان میکند [illegible] از باعث فقدان عقل در میان صور
مرتسمه واهمه و اشکال مادیه حسیه امتیاز نکرده از همه [illegible] تکلم میکنند [illegible] مستحق
[illegible] با وجود سلامتی حواس ظاهره بعضی [illegible] میکنند [illegible]
اصوات [illegible] و از [illegible] عاقلان [illegible] و [illegible]
[illegible] خلاف [illegible] مبالغات [illegible]
[illegible] شنیدن [illegible] شنیدن [illegible]
کرامات است که عقل [illegible] عاقل امتناع این امر [illegible] زیرا که کلام ما [illegible]
است نه بر معجزه و کرامات [illegible] نزد [illegible]
که علم [illegible] است [illegible] بر همه عاقل پوشیده نیست [illegible]
عقلا [illegible] خردمندان عظیم الشان است و معنی علم و تعریف آن همین است که
[illegible] صفت خالق را در مخلوق اعتقاد
کردن بحیثیتی که آن صفت در ذات خالق است ظلم صریح است و [illegible]
[illegible] سمیع و بصیر [illegible] بآن حیثیت که سمع و بصر او [illegible] شنیدن اصوات دور و
نزدیک [illegible] قریب و بعید [illegible]
یکسان کار میکند پس اعتقاد کردن سمع و بصر [illegible] مخلوق [illegible]

یعنی

بهمین جهت حقیقت شرک عبارت [illegible] است [illegible] خاص و عام است که شرک هم
ظلم عظیم است [illegible] این گناه [illegible] و فضل [illegible]
با خبر که [illegible] خود را [illegible] از ارتکاب هیچ گناه و شرک [illegible]
و [illegible] اهل [illegible] با [illegible] ایمان [illegible] قائل [illegible]
و اکثری [illegible] خود [illegible] اعتقاد و سماعت [illegible] حقیقت [illegible]
پیش [illegible] خدا میکنند و عرض حاجات خود [illegible] اعتقاد [illegible]
و [illegible] مشارق و مغارب [illegible]
[illegible] باشند و این [illegible] یا [illegible]
[illegible] آورده [illegible] باشد و بعضی از ایشان
[illegible] برآوردن حاجات خود [illegible]
[illegible] اینچنین [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] خواهد کرد و خدا تعالی [illegible]
[illegible] تعالی غالب [illegible]
[illegible] خدا تعالی است [illegible]
[illegible]
[illegible]
میکنند [illegible] است که در ذات [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] شرک است [illegible]
[illegible] از معجزات و خوارق عادات [illegible]
[illegible] و مثال [illegible] که [illegible] برای ملاقات [illegible]
از طائفه [illegible] اندکی راه [illegible] راه را دید [illegible]
هر دو راه [illegible] شده اند متحیر [illegible]
[illegible] هر دو کدام راه [illegible] از

[illegible] رسیدن [illegible] شناخته [illegible]

منو کرد بحق برای رسیدن بمقر [illegible] از [illegible]

راه بیست راست [illegible] و بعضی برای [illegible] جانب حب [illegible]

[illegible]

حب [illegible] فلان [illegible] که [illegible]

[illegible] حب [illegible] که اگر [illegible] راه [illegible] رهنمایان [illegible]

[illegible] دارد [illegible] و دیگر از دست [illegible]

[illegible] جان شیرین خود را [illegible]

و او ره نمایان جانب حب [illegible] که ما [illegible] این راه [illegible]

ایم که شما [illegible] از این ره نمایان جانب حب گفتند که شما در این راه [illegible]

که ما [illegible] را رهبری [illegible] هیچ مخاطره [illegible] شنیده [illegible] گفتند

[illegible] گفت [illegible]

نام [illegible] در فلان وادی [illegible] برای [illegible]

[illegible] از [illegible] راه [illegible] در آن [illegible]

که آن راه [illegible] شده است [illegible] در راه [illegible] راه [illegible]

[illegible] و تجربه خود هم [illegible] راه [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] از [illegible] از رفتن راه [illegible]

[illegible] دامن [illegible]

راه [illegible] تا [illegible] رفتن این راه [illegible]

شد که [illegible]

[illegible] از این راه [illegible] راه [illegible]

اهل [illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible]

در [illegible]

چنا

خیابانی از خیابانهای باغ این پرورده درخت را خیابان غیر خیابانی که از دو طرف درختان
نشانده شود و [illegible] که بنهال دیگر را نیز به پهلوی آن جا دهند که در [illegible] و این عمل [illegible]
دیگر [illegible] و اصلاح و ساختن [illegible] ارض منظر خوب [illegible] زمین باغ را [illegible]
زمین باغبانان [illegible] لطافت [illegible] و درخت [illegible]
[illegible] در علاوه [illegible] چنین [illegible] و از باغ فلان [illegible] آورده [illegible]
خیابان [illegible] و دیگر را نیز [illegible] که متصل [illegible] درخت [illegible]
چنین ممکن که در [illegible] خیابان [illegible] که [illegible] بعد چندی [illegible]
اتفاق [illegible] با [illegible] در فلان [illegible]
خیابان [illegible] در فصل [illegible] هجوم حشرات [illegible]
درختان را [illegible] شده [illegible]
[illegible] باغبانان درخت [illegible] فصل [illegible]
درخت [illegible] در خیابان [illegible] باغبان [illegible] نشانیده
[illegible] درخت [illegible] خیابان [illegible] در [illegible] متصل
[illegible] باید [illegible] درخت [illegible] شده [illegible]
و چون [illegible] فصل [illegible] حشرات الارض [illegible] درخت هجوم آورده
باغبان [illegible] باغبان دیگر که اصلاح این درخت را [illegible] شده بود [illegible]
[illegible] میان [illegible] این [illegible] درخت [illegible]
در هر فصل [illegible] حشرات الارض [illegible]
کرده [illegible] باغبان [illegible]
[illegible] درخت [illegible] کشیدند [illegible] کرده [illegible]
[illegible] شده [illegible] بعقب [illegible]
[illegible] این درخت را [illegible] چشم [illegible]

او تصرف کرد و باقی را نیز از این درخت [illegible] باشد است [illegible] تا نگاه [illegible]

بر کسی نزرده شدن رفت و خشک شدن [illegible] باغبان از [illegible]

حال از منافع حسن خود [illegible] باغبان وقت و [illegible]

باغبان [illegible] باغ [illegible] درخت [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] که [illegible] در این زمین [illegible] و سلامتی [illegible]

در [illegible] و [illegible] از هوا و عاصف در آمد و درخت [illegible] صدمه [illegible]

[illegible] و [illegible] گردید و درخت و [illegible] سبز و [illegible] بماند و بار [illegible]

[illegible] را اصل دارد و بنا باید [illegible] و در [illegible] را اصل اهل دنیا

[illegible] را [illegible] اعمال [illegible] باید [illegible] معنی [illegible] عاصف را مانند دارو [illegible]

[illegible] و [illegible] بودن اهل دنیا [illegible] که [illegible] آن [illegible]

[illegible] درخت [illegible] از [illegible] و [illegible] و [illegible]

عاصفت [illegible] قیاس باید [illegible] و باغبان [illegible] درخت [illegible]

[illegible] محرومان [illegible] و استنتاج باید [illegible] و [illegible] درخت [illegible]

[illegible] قیاس کند که [illegible] خود را از جمیع [illegible] محفوظ میدارد

حشرات الارض خورنده [illegible] را [illegible] و [illegible]

دانه میدارند که [illegible] هیچ [illegible] و [illegible]

[illegible] درخت [illegible] اعمال و [illegible]

عاصف و امین [illegible] از عذاب و دخول [illegible] باید [illegible]

باغبان دیگر را [illegible] آمد [illegible] او [illegible]

[illegible] و استنتاج کنند و [illegible]

[illegible] و [illegible] کدام [illegible] اهل [illegible]

[illegible] خود و اجتناب از [illegible] الا [illegible]

[illegible] اهل [illegible] و الله اعلم [illegible]

و حقیقت واحد اختلاف باشد بعضی از علما حکم به حرمت آن [illegible] و بعضی از آنها
به حلیت آن [illegible] و کلام در حرمت آن به دلایل [illegible] شارع [illegible]
اگر به صحت این جزئیه خاص در آن دلالت باشد مگر [illegible] شارع [illegible]
که [illegible] هم [illegible] حاصل است [illegible] در بعضی از کتب معتبره [illegible]
[illegible] باشد [illegible] بعضی از [illegible] حرمت [illegible]
[illegible]
از دقایق اسرار [illegible] علما [illegible]
[illegible] که از [illegible]
[illegible] حکم [illegible] تحریم این
چیزها [illegible] اعتقاد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] شد و این همه
[illegible] حکم به حرمت آن چیزها [illegible] از [illegible]
[illegible] ادراک [illegible] آن چیزها [illegible] حال [illegible]
ضعیف [illegible] شارع [illegible]
[illegible] بودند [illegible] صحابه [illegible]
[illegible] دلایل [illegible]
[illegible] رساله [illegible] دلایل
[illegible] بیان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مشکلات [illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] الدین [illegible]

[illegible] ایران [illegible] الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اینست که [illegible]

ایران [illegible] و دیگر [illegible]

بعضی از [illegible] خوشنودی [illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] اینست که ایران [illegible]

[illegible] عقل [illegible]

از میان [illegible] تسلیم کرده

[illegible]

و قاعده علم اصول [illegible] عقل [illegible] از جمیع [illegible]

[illegible] والمؤمنات [illegible]

و در [illegible] مستغنی [illegible]

[illegible] و حسن اعتقاد [illegible]

[illegible] کدام [illegible] کدام [illegible]

[illegible] الاحترام [illegible] مستغنی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کلام الله و کلام رسول [illegible] و وجود [illegible]

[illegible]

و از عدم [illegible]

را مشروع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل [illegible]

مشکل سخت [illegible]

[illegible]

[illegible] مشکل [illegible] و اگر کسی منع کند [illegible]

[illegible]

جامع [illegible]

[illegible]

[illegible] این کتاب [illegible]

[illegible]

کرده [illegible]

و رسول را [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] که گفته شد [illegible] را [illegible] [illegible] شد [illegible]
[illegible] استغاثه را [illegible] کنند و انکار نمایند [illegible]
[illegible] کفر [illegible]
[illegible] این [illegible] است [illegible] [illegible]
مستغیثان [illegible] [illegible] [illegible]
انبیا و ائمه [illegible] بعضی از افراد [illegible] مستغیثان اهل [illegible]
[illegible] بهنگام [illegible] اندرین مسئله بر زبان می آرند [illegible] که [illegible]
که نزد پادشاهان [illegible] و سلاطین [illegible] بی استغاثت او را [illegible]
نمی توانند و [illegible] حاجات [illegible] اگر [illegible] بحکم [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] و وزیر سلطان را [illegible] وسیلت [illegible]
نمی [illegible] ایشان [illegible] الفارق است که پادشاهان [illegible]
[illegible] کاینات [illegible] ایشان را [illegible]
[illegible] از [illegible] خود [illegible]
[illegible] مثل پادشاهان [illegible]
کردن [illegible] خود [illegible] محتاج باستغاثت و شفاعت [illegible]
شفاعت دادن است و استغاثت [illegible] استغاثت [illegible] قیاس [illegible]
[illegible] نقل کنند [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] استدلال است [illegible]
[illegible] اطلاق [illegible] الفاظ [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

اندر بیت [illegible] است که [illegible] از [illegible] ابن [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] اهل [illegible] عالم [illegible] باکرام [illegible] و علامه [illegible]

[illegible] است [illegible] [illegible]

[illegible] الایل [illegible] [illegible]

[illegible] لازم است که [illegible] صواب شده [illegible]

[illegible] مستعملات [illegible] مستعمله [illegible] است که [illegible]

بسیار مجزه اند [illegible] شده و چهل از [illegible] مستعملات [illegible] بودن [illegible]

[illegible] بود [illegible] [illegible] ورسالی [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible] عظیم و

[illegible] و [illegible] از [illegible] سنه [illegible] جمهور

[illegible] سلطان [illegible] از [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible] است که [illegible]

[illegible] سلطان عرض [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] کرده [illegible]

[illegible] [illegible] اسکندر [illegible]

[illegible] بود [illegible] [illegible]

[illegible] عرض [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] بجا [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حکمت عملی [illegible]

[illegible] اختلاف میان المتقدمین [illegible]

[illegible] را از روی عقل ترتیب داده اند [illegible] الکلام

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] محمد صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الرسل [illegible]

[illegible] لان تمسكوا [illegible]

[illegible] والزام الحجة لا وجود [illegible]

[illegible] المحاكمة الشرطية بالحجية التي [illegible]

ان تحصيل الرسل [illegible]

[illegible] الرسل [illegible] ان تحصيل [illegible]

[illegible] على المعتدين [illegible]

ومن [illegible]

[illegible] الاسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(512)

انفاذ دعوت کسی چنانچه روایت کرده اند که ایزد تعالی [illegible] از [illegible] مخلصات [illegible]
[illegible] نفس [illegible] که [illegible] [illegible]
[illegible] اجابت این [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] از [illegible] ایوان [illegible] اجابت [illegible]
[illegible] صحت [illegible] این دعوت [illegible] را [illegible]
[illegible] اثر موثر حقیقی [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] از صفات [illegible] [illegible]
قرآن و حضرت مجیب ارزو است این دعا که در حق سلطان اسلام خوانده میشود
که [illegible] [illegible] لازم می آید تا نیز
[illegible] صحت [illegible] الدعاء مخ العبادات والدعاء هو العبادة [illegible]
[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] عبادت [illegible] لازم [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] عبادت [illegible] [illegible]
[illegible] اما [illegible] [illegible] عبارت [illegible]
[illegible] [illegible] اول آنکه [illegible] [illegible]
این دو کلام [illegible] دوم آنکه این [illegible] سوال [illegible] [illegible]
عبادت و اصل [illegible] سیوم آنکه در این [illegible] دعا سوال [illegible] [illegible]
اجابت [illegible] از غیر [illegible] چهارم آنکه داعی [illegible] [illegible]
کننده [illegible] [illegible] [illegible] چون اعتقاد [illegible]
[illegible] این [illegible] [illegible] این [illegible] [illegible]
[illegible] آنکه اگر [illegible] [illegible] کار کند [illegible]
[illegible] این [illegible] [illegible] اصل [illegible] ششم آنکه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عن ابن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قال رسول الله صلی الله علیه وسلم قال الله تعالی انا اغنی الشرکاء

عن الشرک من عمل عملا اشرک فیه معی غیری ترکته وشرکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible] از اقسام شرک [illegible] پیغمبر صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... صلى الله عليه وسلم ... كما روي عن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد وعن أنس قال جاء ثلاثة رهط إلى بيوت أزواج النبي صلى الله عليه وسلم
يسألون عن عبادة النبي فلما أخبروا كأنهم تقالوها فقالوا وأين نحن من النبي صلى الله عليه وسلم
قد غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر فقال أحدهم أما أنا فأصلي الليل أبدا
وقال الآخر أنا أصوم الدهر ولا أفطر وقال الآخر أنا أعتزل النساء فلا
أتزوج أبدا فجاء النبي صلى الله عليه وسلم فقال أنتم الذين قلتم كذا وكذا أما والله
إني لأخشاكم لله وأتقاكم له لكني أصوم وأفطر وأصلي وأرقد وأتزوج النساء
فمن رغب عن سنتي فليس مني [illegible]

[illegible] ... از انسان ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... گناه ... [illegible]

[illegible] ... حرام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... ارشاد ... [illegible]

[illegible] ... خدا تعالی ... محمد صلی الله علیه وسلم ... [illegible]

[illegible] ... الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام

دینا ... [illegible] ... رب العالمین ... [illegible]

[illegible] ... نقصان ... خدا تعالی ... [illegible]

[illegible] ... نقصان ... اصلاح و تکمیل ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... نقصان ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... نماید ... [illegible]

اتحاد ... [illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible] که ذات ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... تصریح ... ارشاد ... [illegible]

[illegible] ... تعلقات ... [illegible]

اند که ... [illegible]

منتهی ... [illegible] ... الا فرد ... [illegible]

[illegible] ... القاب ... [illegible]

[illegible]

در تحقیق ... اکثر ... مستقبان اهل ... [illegible]

[illegible] بعضی از ارشادات صوفیه در باب ... توحید ... [illegible]

وداریم تا کیفیت حال صوفیه ... [illegible]

آنکه امام فخر الدین رازی در تفسیر کریمه و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا

یحبونهم کحب الله ... اقوال فی تفسیر ... و قال الثالث فی تفسیر الانداد

قول الصوفیة و العارفین و هو ان کل شیء شغلت قلبک به ... [illegible]

فی قلبک ندا لله تعالی و هو المراد من قوله افرایت من اتخذ الهه هواه ... [illegible]

نقل قول صوفیه ... [illegible] ... کرده ... [illegible]

[illegible] ... از وهم و خیال ... بیرون ... شرک انسان از

[illegible] ... کتاب کرامات الاولیا مضمون این بیت

[illegible] ... خواجه عبید الله احرار قدس سره ... [illegible]

[illegible] ... از مضمون این بیت ... [illegible]

[illegible] ... زنده ... [illegible]

تا مسلم نیست که اینجا چه رسد سوم آنکه جناب غوث الثقلین حضرت شیخ عبد القادر
جیلانی قدس سره در کتاب غنیة الطالبین در باب فیما یجب على المبتدی فی هذه الطریقة
[illegible] آداب المرید
علیه [illegible] الذی یجب علی المبتدی فی هذه الطریقة الاعتقاد الصحیح الذی
هو الاساس فیکون علی عقیدة السلف الصالح اهل السنة القدیمة سنة الانبیاء
والمرسلین والصحابة والتابعین والاولیاء والصدیقین [illegible]
[illegible] والکتاب فعلیه التمسک بالکتاب والسنة والعمل بهما امرا ونهیا
اصلا وفرعا [illegible] الطریق الواصل الی الله عز وجل [illegible]
[illegible] علیه الرحمة [illegible] بالکتاب و
[illegible] ان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ان [illegible]
[illegible] اهل
[illegible] آن از کتاب و سنت چه رسد و معلوم است که اهل
[illegible] ورع [illegible]
[illegible] که قال یحیی ابن معاذ
الرازی رحمة الله علیه الورع علی وجهین ورع فی الظاهر وهو ان لا تتحرک الا لله
[illegible]
[illegible] و این امر را طریقه صوفیه
[illegible] آنکه مولانا عبد الرحمن جامی قدس
سره [illegible] حال حضرت را [illegible] نقل میکند [illegible]
[illegible] صلی الله علیه وسلم را در خواب دید که آنحضرت [illegible]
[illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible] الله

آمیختن چون آن بود که ثبت حجت او نماید بالله عزوجل در اثنای [illegible] ثابت کرد

موجب غلط‌های بالیک شده‌اند و از ایشان ترجمه استعانت [illegible] نموده

جمیل و ملامت بر روی [illegible] نمودن [illegible] حضرت علی رضی الله تعالی عنه که

باب مدینه علم و فاتح باب ولایت است و معتقد اند جمیع طوایف را السداد [illegible]

کفی بی فخرا ان اکون لک عبدا وکفی بی شرفا ان تکون لی ربا اللهم انی وجدتک

الها کما اردت فاجعلنی عبدا کما اردت پس انجناب بر عبادت او تعالی فخر نموده

و سایر ملبوس [illegible] در اعذر که استعانات اهل قبور عبادت من دون الله است و

ظاهر پرست گرفته [illegible] این معانی را گذاشتن که علی رضی الله عنه بعبادت این فخر میکند

و بر ربوبیت آن شرف خود [illegible] پس چرا [illegible] این بزرگی علی رضی الله عنه را

از دست خود داده است معاذ الله منها و نعوذ بالله [illegible] ما را ازین [illegible] باید که

فاعلام ادنی استقامت [illegible] بالمعروف الخیاب [illegible] بیان [illegible]

[illegible] بطور شرط [illegible] ما [illegible] که استعانت [illegible] [illegible] برای

انجاح مرام مستعیان [illegible] که دارد [illegible] [illegible] استعانات اهل قبور

ثبوت شده [illegible] و چون درین فایده ذکر عقیده [illegible]

درباب استعانت اهل قبور [illegible] بیان شده حالا [illegible] که تحقیق

المقام این امر استعانت در زیارت اهل قبور [illegible] عقیده [illegible]

همگنان ظاهر و آشکار سازیم که احدی را از فرقه اهل سنت [illegible] بزرگی

او [illegible] محال [illegible] باقی نماند [illegible] نموده

زیارت [illegible] درین [illegible] خود [illegible] انکار و تحقیق [illegible]

واسم از کتاب غنیة الطالبین [illegible] فی باب دخول المنزل والکلب [illegible]

والواحده [illegible] فصل [illegible] قال [illegible] ما [illegible] فی

[illegible] العزیز [illegible] والسلام [illegible]

[illegible] علی محمد وآل [illegible]

[illegible] لا [illegible]

١١٥

والاولى بما يقوم من الفتح من [illegible] لا ينفعه فانما [illegible] ولا [illegible] في البيه لا

الاول ان [illegible] ذلك كلها ما يلتفت [illegible] و[illegible] الا كلمن [illegible]

[illegible] القرآن [illegible]

[illegible] القبر [illegible] يقول الامام الى كنت [illegible]

[illegible] هذا القبر ثم لسان الارشاد [illegible] ولا [illegible]

[illegible] فان الحق الى ذلك وافضل فليستمع [illegible] انتهى كلام [illegible]

المبارك از اينجا دريافت گرديد كه در مقابر [illegible]

و[illegible] گورستان دعاهاى ماثوره بجا آيد [illegible]

[illegible] كه [illegible] اگر هم نكنند [illegible] كنند و يا

با [illegible] احترام قبر مومن [illegible] نزديك [illegible]

ارزى [illegible] احترام [illegible] نزديك [illegible] بجان [illegible]

قرآن بخوانند و ثواب آن [illegible]

كنند [illegible] استمداد [illegible] لسان الارشاد [illegible]

[illegible] حاجت خود [illegible] از خدا [illegible] سوال [illegible]

از اهل [illegible] از انسان براى برآمدن كار خود [illegible]

[illegible] رحمت [illegible]

خود خواسته [illegible]

[illegible]

[illegible] كار مومن [illegible] الايمان [illegible]

حالا [illegible] التعلين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از کسانیکه سجده را از اهل اسلام مشاهده میشود در هر عهد [illegible] از قسمی [illegible]
[illegible] خیال [illegible] که [illegible] حقایق [illegible] سوال [illegible]
هم [illegible] درین زمان [illegible]
[illegible] بوقت [illegible]
[illegible] اسامی اولیا و کبار [illegible] و در [illegible]
[illegible] تضرع و زاری مشاهده [illegible] و در [illegible]
[illegible] قبول میکنند که آیت [illegible] که خدا تعالی عباد
الله را در قرآن مجید [illegible] که اذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له
الدین فلما نجیهم الی البر اذا هم یشرکون و امام فخر الدین رازی در تفسیر این
آیه [illegible] الله [illegible] قال
فی الجواب من وجوه احدها ان الذین آمنوا لا یفزعون الا الی الله [illegible]
مشرکین فانهم یفزعون الی الله عند الحاجة [illegible] الی الالهة [illegible]
الی الانداد کما قال الله تعالی و اذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له
الدین الخ الی غیر ذلک من الآیات الکثیرة التی لا یمکن احصاؤها [illegible] اکثری
از زنها [illegible] را [illegible] خود [illegible] اهل [illegible]
[illegible] تضرع میکنند [illegible] امام فخر الدین رازی در
تفسیر آیه و ما اهل به لغیر الله [illegible] انما قال [illegible] مسلما
[illegible] التقرب الی غیر الله [illegible]
[illegible] عبد العزیز دهلوی [illegible] تفسیر [illegible] جمیع اطعمه
[illegible] حکم [illegible]
[illegible] علیه [illegible] اهل
[illegible] ذکر [illegible] اسلام
[illegible] اهل [illegible]

حید

عبادت است [illegible] علاوه و طلوع

مشکل [illegible] و سمت [illegible]

[illegible] مشتغلات [illegible] از اهل [illegible]

[illegible] از اداء [illegible]

[illegible] و تعبد [illegible]

غیر [illegible] استعمال [illegible] عبادت [illegible]

امر [illegible] و مستعینان [illegible] اهل [illegible] سبحان الله

از خوان نعمت و انعام [illegible] و مشکور [illegible] شدن [illegible]

[illegible] اعمال [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] این را [illegible]

[illegible] تا [illegible] از [illegible]

[illegible] این [illegible]

[illegible]

[illegible] و ذکر [illegible]

[illegible] این [illegible]

[illegible]

[illegible] و امثال [illegible]

[illegible]

[illegible] و از ذکر [illegible]

[illegible] و از ذکر [illegible]

[illegible] و چنین است حال اکثری از

[illegible] تعالی و عبادت او [illegible]

[illegible] بعضی [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible] از قلب [illegible]

روایت کرده [illegible]

جامع البیان [illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه و سلم [illegible]

بنی قال قال لی رسول الله صلی الله علیه و سلم یا بنی ان قدرت ان تصبح و تمسی و لیس

فی قلبک غش لاحد فافعل ثم قال یا بنی و ذلک من سنتی و من احب سنتی فقد

احبنی و من احبنی کان معی فی الجنة از [illegible] این [illegible] رسول الله صلی الله علیه و سلم

[illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اولیا [illegible]

[illegible]

[illegible] انسان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بالقصاب حکم مخصوصیست [illegible] خواهد [illegible] تجاوز [illegible]

[illegible] اصول [illegible] است که [illegible] الا [illegible]

[illegible] نستعین [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] استعانت [illegible]

[illegible] ان [illegible]

[illegible] اشارات [illegible] فی [illegible]

[illegible] امام [illegible] تفسیر کبیر [illegible] ایاک نعبد و ایاک نستعین

استعانت [illegible] استعانت [illegible] ترجیح [illegible]

حیث قال [illegible] ان نقول الاشارات [illegible] قبل الرجوع فی العمل [illegible]

ذکره [illegible] بعید [illegible] وایاک نستعین قال [illegible] الرابع ایاک نستعین

[illegible] لا نستعین [illegible] لان ذلک الغیر لا یمکنه اعانتی الا اذا اعانه علی

تلک الاعانة فاذا کانت اعانة الغیر [illegible] الا باعانتک [illegible]

[illegible] تفسیر کبیر [illegible] فی ترجیح استعانت [illegible] تعالی

وقال [illegible] الواجب لذاته یکون ممکنا لذاته [illegible] ممکنا لذاته کان

محتاجا [illegible] فیحتاج [illegible] الحاجة لغیره فلا یمکنه القیام برفع الحاجة عن غیره والشیء

ما لم یکن غنیا [illegible] انه لم یقدر علی دفع الحاجة عن غیره والغنی لذاته هو الله تعالی [illegible]

[illegible] قال ایاک نعبد وایاک نستعین از اینجا معلوم شد که تحلیل قدرت [illegible] مخصوصات

الله العظیم [illegible] قرآن کریم [illegible] زیرا که از حدیث متواتر و مشهور زیادت [illegible]

[illegible] است [illegible] اصول [illegible] ثابت است [illegible] مجتهدی خواهد که

بدون [illegible] نص [illegible] حکم مخصوصه خدا و رسول خدا را [illegible] خود تعمیم فرماید [illegible]

[illegible] امر [illegible] لازم [illegible] اجماع

[illegible] حقیقت [illegible] بسیار [illegible]

و ان [illegible] بدون حکم خدا و رسول [illegible] گرفت زیرا که [illegible]

ضرورت [illegible] لازم [illegible] سابقه

تحقیق [illegible] بعلاوه [illegible] که [illegible]

تألیف کرده و در فوائد [illegible] بفضل الله تعالی که [illegible] مرتب [illegible] شده [illegible]

[illegible] از حضرت یعقوب علی نبینا و علیه الصلوة والسلام و در مفارقت یوسف علیه السلام [illegible]

المستعان علی ما تصفون [illegible] و [illegible] خود [illegible]

علیهم السلام [illegible] مطلب [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] را از اهل [illegible] برای حل [illegible]

[illegible] حاضر اند [illegible] از [illegible] استعانت

[illegible]

[illegible] حیوانات [illegible]

مصطفویه [illegible] در فوائد سابقه کرده ام و در فوائد آینده ان شاء الله تعالی

[illegible] در خاطر [illegible] اینجا [illegible]

[illegible] اختصار [illegible]

استفاده [illegible] که به بشارت ان [illegible]

محمد رسول صلی الله علیه و سلم [illegible] تعالی [illegible]

ان [illegible] حاضر [illegible]

[illegible] محتاج و [illegible] المشکلات [illegible]

برای حل مشکلات [illegible] علوم [illegible] است [illegible]

[illegible] عشیره

اولی الالباب   در انکشاف حقیقت [illegible] که اکثری از [illegible]

[illegible] آیات قرآن [illegible]

خیر الانام [illegible] در [illegible] کتاب [illegible] الانبیاء

و [illegible] حضرت نوح علی نبینا و علیه الصلوة والسلام [illegible] حضرت ادریس علیه السلام

[illegible] خدا [illegible]

[illegible]

ادریس را از سنگ تراشیده و بر سر تربت [illegible] نهاده قوم ادریس را گفت که [illegible] شما

این تصویر پیغمبر شماست قوم آن صورت حضرت ادریس را [illegible] نهاده [illegible] معارف ادریس را

گوش داده ایشان [illegible] و بعد از آن صورت [illegible] چون [illegible] وفات یافتند

بعد از آن قوم تعظیم آن صورت بجائی رسانیدند که بصورت آن سجده کردند و عبادت نمودند

چون [illegible] قوم از [illegible] حضرت ادریس بودند و از اولاد [illegible] حضرت ادریس [illegible]

[illegible] نمودند نام ایشان ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر بود و چون ایشان هم وفات یافتند

قوم ایشان صورت ایشان را از سنگ تراشیده عبادت نمودن آغاز کردند تا آنکه حضرت

نوح علیه السلام در آن ایام مبعوث گردید و این قوم را [illegible] از پرستش اصنام [illegible] امتناع

[illegible] حضرت [illegible] ایشان ممتنع نشدند تا آنکه طوفان قهر الهی در رسید و همه را

نابود ساخت و از [illegible] باقی ماند [illegible] صورت [illegible]

[illegible] صورت شخص بزرگ تراشیده میشود و در عهد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خانه کعبه تصویر

لات و عزی و [illegible] و هبل و ابراهیم و اسمعیل [illegible] را نصب کرده [illegible] مشرکان عرب [illegible]

[illegible] متعال [illegible] در زمان [illegible] ذکری از [illegible]

خود [illegible] از مشرکان عرب و غیره در زمان سابق و حال معتقد [illegible] قائل

[illegible] مشرکان عرب [illegible] حکایت عقیده ایشان در کلام

مجید میفرماید [illegible] قال [illegible] قل لمن الارض ومن فیها ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل

افلا تذکرون قل من رب السموات السبع ورب العرش العظیم سیقولون لله قل من بیده

ملکوت کل شیء وهو یجیر ولا یجار علیه ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل فانی تسحرون پس از مفهوم

این کلام [illegible] معلوم گردید که مشرکان عرب معبودان ماسوی الله و واجب الوجود

[illegible] در آن آیت [illegible] انسان [illegible]

[illegible] معتقد [illegible] چنانچه از مضمون [illegible] سیقولون [illegible]

مذکور شده و [illegible] مشرکان [illegible] معلوم میشود که ایشان [illegible]

خدا [illegible] صورت [illegible] تعظیم و [illegible]

[illegible] فلا تجعلوا لله اندادا [illegible]

و اشرکتهم ... فمن مات منهم رجل کبیر یعتقد فیه [illegible]
الشهادة عند الله تعالی اتخذوا اصناما من صورته و یعبدونها علی اعتقاد ان ذلک یکون
شفیعا لهم یوم القیامة عند الله تعالی علی ما اخرجه الدر منثور [illegible]
لله شفعاؤنا عند الله ما بین [illegible] التشریح نموده و اما [illegible] زمان ما که [illegible]
هند [illegible] قوم [illegible] با [illegible] فقرا [illegible] [illegible]
با [illegible] همین [illegible] میکنند که [illegible] [illegible]
مصوران [illegible] صورت [illegible] و صورت [illegible] نزد [illegible] که عبارت
از واجب [illegible] تعالی ام و تصویرات [illegible] های خود را [illegible] که مصوران آنها
از تعظیم [illegible] راضی شده [illegible] مشکلات [illegible] می [illegible]
امیان که [illegible] از کشف [illegible] و یا جای [illegible] [illegible]
بعبادت [illegible] ما را [illegible] حاجت [illegible] و مشاهده نموده ایم و [illegible]
می بینیم که بعضی از زنان [illegible] [illegible]
[illegible] دوست می شوند [illegible] [illegible]
[illegible] استطاعت خود [illegible] فلان [illegible] نام می نهند [illegible] برای حاجت
خود [illegible] الی [illegible] و هرگز [illegible] نمی نهند [illegible]
[illegible] مهربان شده [illegible] و سفارش خود از خدا حاجت [illegible] را
برآورده [illegible] از مقتضیات شرع مصطفوی [illegible] که اگر احدی از [illegible]
[illegible] کردن خود را [illegible] کنند [illegible] برای [illegible]
خود [illegible] از ارتکاب این فعل قطع نظر از کفر [illegible] گردید یا نه اگر مشرک گردد
پس [illegible] در میان [illegible] خواه آن [illegible] و عقاید [illegible]
[illegible] الاخری [illegible] حکم محض [illegible] و اگر مشرک نگردد پس [illegible] حکم
[illegible] صلی الله علیه وسلم
[illegible]
[illegible] تعالی الی رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible] من [illegible]

بیقین [illegible] مستعد [illegible] الی [illegible] شوق [illegible] جمال

[illegible] علیه الصلاة [illegible] المعمورین [illegible] علاج [illegible]

[illegible] استقبال [illegible] محبت [illegible] مرتبه [illegible] سخن [illegible]

[illegible] اهل قبور [illegible] افراط [illegible]

[illegible] قبور [illegible] الزایرین و الزایرات ارشاد [illegible]

مسنونه زیارت قبور [illegible] صحیح کرده احادیث زیارت [illegible]

علیه السلام نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها و قال ابو هریره زار النبی صلی

[illegible] فبکی و ابکی من حوله فقال استاذنت ربی فی ان استغفر لها فلم یؤذن لی و

استاذنته فی ان ازور قبرها فاذن لی فزوروا القبور فانها تذکر الموت [illegible]

[illegible] القبور [illegible] اگر [illegible] کذا [illegible]

[illegible] القبور ارشاد [illegible] زیارت فقط [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible] صحیح [illegible]

[illegible] افراط [illegible] زیارت مسنونه [illegible]

[illegible] استعانت [illegible]

[illegible] محبت [illegible]

[illegible] انکه [illegible] نجات [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و سلم [illegible]

[illegible] اثبات [illegible] حدیث [illegible] روی عن النبی صلعم

[illegible] کان [illegible] فی المحبت [illegible]

[illegible] المحبت فی المحبه [illegible] محبوب [illegible]

[illegible] از قرآن مجید [illegible]

[illegible] من یدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار [illegible]

[illegible] التحلیل [illegible]

فلا يلائمك على المسئلة الا البطل حتى الزجيه تعينه الاية على ان صاحب الكبيرة لا يخزى

لان صاحبه مؤمن و المؤمن لا يخزى وانما قلنا انه مؤمن لقوله تعالى وان طائفتان

من المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احديهما على الاخرى فقاتلوا التي

تبغى حتى تفئ الى امر الله سمى الباغي حال كونه باغيا مؤمنا و البغي من الكبائر بالاجماع

و ايضا قال الله تعالى يا ايها الذين امنوا كتب عليكم القصاص في القتلى سمى القاتل

بالعمد مؤمنا فثبت ان صاحب الكبيرة مؤمن و انما قلنا المؤمن لا يخزى لقوله تعالى

يوم لا يخزى الله النبي والذين امنوا معه ولقوله ولا تخزنا يوم القيامة ثم قال فاستجاب

لهم ربهم و هذه الاستجابة تدل على انه تعالى لا يخزي المؤمنين فثبت بما ذكرنا ان صاحب

الكبيرة لا يخزى و انما قلنا انه لو ادخل المؤمن و ادخل النار فانه يخزى لقوله تعالى انك من تدخل

النار فقد اخزيته و حينئذ فهذا من مدين المقدمتين انتج بان صاحب الكبيرة لا يدخل

النار والجواب عنه بان قوله يوم لا يخزى الله النبي والذين امنوا معه لا يدل على نفي الاخزاء

مطلقا بل يدل على نفي الاخزاء حال كونهم مع النبي و ذلك لا ينافي حصول الاخزاء في وقت

اخر والله اعلم وغرض از ذكر حجت فرقه مرجيه و جواب انها از طرف امام [illegible] رحمه الله

همين است كه ملائكت و حوران [illegible] در حشر [illegible] وقت بودن مومنين مشغول الذنب

و ايمان هركز نخواهند شد و صحبت با غضب هر كز ميسر نشود مكر از اخلاق [illegible] مستوى الحجاب

مهذب است و بستن سنت النبي [illegible] بدل [illegible] معنى مرجع [illegible] توبه ايمان

تحويل اين مقربات ره نفس شد پس قياس بايد كرد كه استقامت اهل [illegible]

از طريقه مسنونه اجتناب حقيقت بشارت عدد فداي سالقه هم از روى [illegible]

شيخ عبد القادر جيلاني قدس سره وهم از روى حديث [illegible] صلى الله عليه وسلم در كتب

رسالت تمام [illegible] بايد [illegible] عليه [illegible] و [illegible] لائح كرد [illegible] پس [illegible] از

امت مصطفى [illegible] اخوه باشد و با اجتناب [illegible] و [illegible]

خواهد و از [illegible] روز قيامت [illegible] [illegible] باشد [illegible] الحجاب

كاينه شده و از استقامت معتبر كر هر كز از ان [illegible] صلى الله عليه وسلم

ما [illegible] شود [illegible] نمايد و اصحاب [illegible] در [illegible] ان [illegible] القدسيه

تسبيح تمام [illegible] شده [illegible] معلوم [illegible] ان [illegible]

و از اصطلاحات و رسوم اند کتاب تا این زمان [illegible] شرح [illegible] و در عرض حضرت وزرا

[illegible] [illegible] تو کل آن بود با جلال اتم کمال است و در [illegible] [illegible]

حسن [illegible] [illegible] ارزان [illegible] است [illegible] زوال [illegible] [illegible] فضائل

[illegible] [illegible] تحفة [illegible] موجب کمال [illegible] [illegible]

کتب [illegible] [illegible] باشد نوشته نمانده باشد که در صدر دیباچه آن [illegible]

[illegible] [illegible] که هرگز بمنزل نخواهد رسید محال است [illegible]

ترا آن وقت چو در پی مصطفا و در ذکر دلائل نقلی مستعمان اهل جمهور

نجوار مستعمات [illegible] و سایر [illegible] در انتهات شد دلائل ابنها را نقل کردن

در قرآن مجید و تصحیح نمودن با [illegible] ندارد [illegible] کلام خدا و رسول او برای اثبات

مطلب ما سبب است برای در باب [illegible] و [illegible] مستعمان اهل بیت [illegible] تصحیح

طبع اهل توحید [illegible] [illegible] انتهائیات [illegible] داد [illegible] ذکر کرده شد

[illegible] از ذکر انبیا [illegible] [illegible] [illegible] مستعمان [illegible] چند اسمی معهد

[illegible] قرآن مخصص [illegible] [illegible] احادیث و قصص [illegible]

که در حقیقت نامهای ایشان مناسب [illegible] انداز شده اند و انها را که در

ابطال آئین زبان بکمال فرحت و تازه روئی بیان میکنند تا السان [illegible] قدیم خو

کرده رسوم جاهلیت در زمره اتباع ایشان باشند و تمامی کلمات ارشاد هدایت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] تامل [illegible] کرده [illegible] [illegible] قاعده

جمیع [illegible] اگر با این زبان گوش [illegible] شده اند [illegible] تامل [illegible] باشند

ذکر کنیم و مفهوم صحیح آن احادیث و قصص را بیان نمائیم از انجمله حدیثی نقل کنند که

[illegible] [illegible] اعینونی عباد الله رحمکم الله و اذا اراد عونا فلیقل

یا عباد الله اعینونی یا عباد الله [illegible] یا عباد الله اعینونی و [illegible] [illegible]

گم شدن [illegible] [illegible] [illegible] بندگان خدا [illegible] [illegible]

[illegible] یا عباد الله اعینونی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

همچنین که در این لفظ عباد اطلاق کرده شود بر مانند [illegible] که تصریح است امام
فخر رازی در تفسیر کبیر و صاحب تفسیر مدارک در تفسیر آیه إن الذین تدعون من دون الله
عباد امثالکم آن را [illegible] ای انهم عباد امثالکم مخلوقون مملوکون امثالکم
فادعوهم لجلب نفع او دفع ضرر فلیستجیبوا لکم إن کنتم صادقین فی انهم آلهة
ثم ابطل ان یکونوا عبادا امثالهم فقال ألهم ارجل یمشون بها و امام فخر الدین [illegible]
در تفسیر کبیر گفته ان الذین تدعون من دون الله عباد امثالکم وفیه سؤال و
هو انه کیف یحسن وصفها بانها عباد مع انها جمادات وجوابه من وجوه الاول ان
المشرکین لما ادعوا انها تضر وتنفع وجب ان یعتقدوا کونها عاقلة فاهمة فلا جرم
وردت هذه الالفاظ علی وفق معتقدهم ولذا قال فادعوهم فلیستجیبوا لکم ولم یقل فلیستجبن
لکم وقال ان الذین ولم یقل التی [illegible] الوجه الثانی فی الجواب ان هذا اللفظ فی معرض
الاستهزاء بهم [illegible] ان ثبت ذلک فهم عباد
امثالکم ولا فضل لهم علیکم فلم جعلتم انفسکم عبیدا وجعلتموها آلهة وارباباً ثم ابطل ذلک ان
یکونوا عبادا امثالکم فقال ألهم ارجل یمشون بها [illegible] ثم ابطل ان یکونوا عبادا امثالکم
عبودیت [illegible] اگر [illegible] مشرکین اصنام است
چنانچه کلام [illegible] ألهم ارجل یمشون بها یعنی [illegible]
معنی مخلوقیت و مملوکیت [illegible] صاحب مدارک مثل شما هستند [illegible]
بر اصنام [illegible] مانند شما [illegible]
ندارند [illegible] صاحب مدارک [illegible]
بعبادت [illegible] اطلاق لفظ عباد بر اصنام [illegible]
معتبرین ثابت کردیم [illegible] قرار [illegible]
جایز باشد [illegible] خلاف الاجماع [illegible] که از لفظ عباد [illegible]
که از آنها علاقه [illegible]
شریکند [illegible] منقطع [illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible]
فرموده [illegible] اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلث [illegible] اطلاق لفظ عباد
این است که [illegible]

و نام او تا می‌دانند اگر گوید که ای آدمی یا ای جوانان و امثال آن [illegible] دری کنها
گشته ندای [illegible] اگر در اطلاع بعضا
آدمی دیگر [illegible] سند [illegible] عباد الله
یا یک [illegible] از این مقوله حضرت علی رضی الله عنه که
گفتی یا محمداه [illegible] از شنیدن لفظ عباد الله در حق خود ازین
قابل [illegible] در حال این متکلم رحم آورده [illegible]
[illegible] او جواب [illegible] نقل کنند که من کان له حاجة الی الله او المخلوق
فلیصل رکعتین ثم یدعو اللهم انی اسألک واتوجه الیک بنبیک محمد نبی [illegible] یا محمد انی
اتوجه بک الی ربی فی حاجتی هذه لتقضی اللهم فشفعه فی [illegible] این حدیث [illegible]
[illegible] نقل ترجمه این حدیث
معتبر شیخ عبدالحق [illegible] قدس سره کرده [illegible] ترجمه این حدیث چنین [illegible]
که اول دو رکعت نماز گذارد [illegible] سوال [illegible]
[illegible] ای محمد صلعم [illegible]
همراه تو [illegible] در حاجت خود [illegible]
شفیع گردان محمد صلی الله علیه وسلم را در حاجت من [illegible] استدلال [illegible]
[illegible] حضرت محمد صلعم است [illegible] از قسم سوال است [illegible] سوال
کردن از [illegible] [illegible]
[illegible] و هو المطلوب [illegible] از قسم این [illegible]
[illegible] از [illegible] خطاب حضرت
[illegible] خطاب [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] کلام
[illegible] السامع لازم [illegible]
حاضر فرض کرده [illegible] کلام [illegible] دعا برای طلب نفع و دفع ضرر [illegible] لازم [illegible]
[illegible] و عادت این [illegible] از [illegible]
نقل [illegible] ما [illegible] لطف [illegible]

نکنند الم تسمع بمن الیشر پس غرض شاعر اظهار اشتیاق خود برای شنیدن است چون عما
شنیدن با هوا انا اصوات است و اما نقل پیر در حدیث وارد است که چه بسیار
بوقت دخول در مسجد السلام علیک یا رسول الله تکلیف بنفسه و غیر یک در صلوات جمعه
در اثنای تشهد میخواند که السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و این خطاب
صلات ذهنی و ذهنی است والا لازم آید که در یک آن واحد قول ساکنان مشارق
و مغارب را برتبه استقبال بفهمد حدیث مذکور را هم توقف در آمدن مسجد خواندن
تشهد را مگر بنت بشنود و در صفت احاطه سماع الحضرت شرکتی باری تعالی لازم
در صفت است قطع نظر از این همه کلام ما در استعانت است بطرزیکه در صدد این رساله
مذکور شده ای اسعد از این حدیث مناسبتی ندارد و ورود استعانت و استغاثه یا محمد
من همراه تو متوجه میشوم بخشنود پروردگار خود برای رفع این حاجت و ای خدا شفیع
گردان محمد صلی الله علیه و سلم را در حق من هیچ محذوری ندارد و سوال الطلب
و دفع ضرر صرف از حضرت حق است حتی که طلب اعانت سفارش هم از خدا
نه از پیغمبر صلعم و بعض مطلوب است نیز قصه شب معراج را نقل کنند و گویند که حضرت
موسی علی نبینا و علیه الصلوة والسلام مشورت خود در باب تخفیف نماز اعانت پیغمبر صلعم
نمود و از اینجا خوش فهمی این صاحبان را تماشا کردنی است که کلام ما در این است
که از اهل برزخ خود استعانت نکنیم و اگر احدی از اهل قبور در باب یا بطور دیگر
اعانت ما کند مضایقه ندارد زیرا که این اعانت در تخفیف از جانب حضرت باری
واجب است که از اهل قبور که از ما منقطع العلاقه اند استمداد نکنیم و الحال آنکه
ملا اعلی از حضرت موسی علیه السلام ملاقات نمودند البته آنحضرت را از زندگی
علاقه بهم رسیده و با وجود این همه آنحضرت خود استعانت نفرموده و صرف بلحاظ
... ملت من یعقل من مستنید کرده از اهل برزخ استعانت نکنند و
گمان اعتقاد را نیز برای اثبات مدعای خود معتقد می انگارند و اصحاب
آنحضرت ... و نیز نقل کنند که در مشکوة آمده که اهل مدینه برای استسقاء طلب
باران نزد عائشه صدیقه رضی الله عنها آمدند و التماس علاج قحط کردند

زائر رسول الله صلی الله علیه وسلم سراغ نموده طلب [illegible] باید خیلی از حد
حرمت بار بیند عرابش آنکه معلوم این اعتقاد باطل است مع الیقین [illegible]
و هم مستقان معتبر عباسی خواهد اگر کسی را عائشه رضی الله عنها [illegible]
گر شما بحضور قبر این حاجت [illegible] یا رسول الله از خدا تعالی مسئلی ما فرموده نزول
باران قرا البته جای سخن بود و بعض علما نیز نقل کنند که مردم را حاجت زیارت قبر
امام اعظم رحمة الله و برای طلب حاجات خود [illegible] از طرق ما اند و مشهور است که شافعی انه
قال انی لاتبرک بقبر ابی حنیفة آتی الی قبره فادعو عرض لی حاجات [illegible]
و ما ثبت الیه [illegible] و تفصیل [illegible] در قول عبدالحق محدث دهلوی رحمه الله
نقل کنند که شیخ مرحوم در ترجمه مشکوة [illegible] امام شافعی فرموده است که برای اجابت
دعا قبر امام موسی رضا علیه السلام تریاق مجرب است و این [illegible] روایت [illegible]
ماستند و ما [illegible] مدعیان [illegible] زیرا که با اصل این روایت [illegible]
که قبور این بزرگوار [illegible] حضرت امام شافعی رحمة الله محل اجابت دعا دانسته
بزیارات آنحضرت برای طلب دعا از خدا رجوع می آورد و همچنین جای خود
اما جای انکار نیست از اینجا گوش فهمی مدعیان لی باید برد که از روی اضطرار
مضطر شده با [illegible] توجیهات رکیکه دست انداخته اند و از مقصود [illegible]
سبیل نجات نیافته مصداق مثل مشهور بوده اند که الغریق یتشبث بکل حشیش
و در ذکر اینکه [illegible] تکذیب [illegible] مدعا مستعبان مشهور از حیث
بوده است [illegible] از توجیهات دیگر قرار خود مقرری دیگر ترتیب داده
و برای انبیاء برزخ خاطر خود [illegible] نوشته اند و آن این است که
پیغمبر صلی الله علیه وسلم بالاتفاق شفیع است و معنی شفاعت همین است که
[illegible] شفاعت ما فرموده [illegible] آنحضرت در [illegible]
خود فرموده است عن انس ان النبی صلی الله علیه وسلم قال شفاعتی لاهل الکبائر
من امتی [illegible] الی وقت الشفاعت [illegible]
مجهول است پس معلوم شد که آنحضرت فی الحال [illegible] شفاعت است

... و بعضی از مردی خود سعی خواهد شفاعت او کرده عقیده مکانی او خواهد نمود
و جواب ام که میگویم هر چند در باب حضرت صلی الله علیه وسلم و در حق ... کردن و اثبات
مدعا و خود نموده اند هر چند مستلزم باین سبب که شاید از اثبات و تقریر از تلفظ بعض الفاظ
از مرتضای سر زند لیکن اول دعا از جانب علما این است که بارب خداوند
مطلب استفاده ما را از علم ایشان قلمی نکنند از پس باید دانست که شفاعت
حق است و همین است مذهب اهل سنت و جماعت مگر احدی از اسلاف اهل
سنت شفاعت بلا اذن مثبت و بجاهای بسیار بکلام علما القضاء و هم در احادیث
در صحاح مختار صحیح ... است که از اهل طلب اذن نموده بحضور او تعالی شفاعت ثابت
خود ایشان ماذون خواهد شد اما الکتاب فمنها قوله تعالی واتقوا یوما لا تجزی نفس
عن نفس شیئا ولا یقبل منها شفاعة و نیز در کریمه من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه و در
هر دو جا لفظ یقبل و یشفع که مضارع است فرموده و هم در کریمه ما تنفعهم شفاعة الشافعین
اطلاق لفظ شفع که بصیغه مضارع است کرده و در اثنای این آیات لفظ ماضی قبل از تکلم
الی غیر ذلک من الآیات الکثیرة التی یطول الکلام بذکرها پس از اینجا در ثابت شده که بعد
زمانه آینده شفاعت باذن خدا شدنی است و ما در اثبات تمام کلام الله تفحص کرده هیچ
در هیچ کسی نفرموده اند که فعل ماضی لفظ شفاعت لفظ داده ام و اما الاحادیث فمروی
عن انس ان النبی صلی الله علیه وسلم قال یحبس المؤمنون یوم القیامة حتی یهموا بذلک
فیقولون لو استشفعنا الی ربنا فیریحنا من مکاننا فیأتون آدم فیقولون انت آدم
ابو الناس خلقک الله بیده و اسکنک جنته و اسجد لک ملائکته و علمک اسماء کل شیء
لتشفع عند ربک حتی یریحنا من مکاننا هذا فیقول لست هناکم و یذکر خطیئته التی اصاب
فهی اکله من الشجرة وقد نهی عنها ولکن ائتوا نوحا اول نبی بعثه الله الی اهل الارض
فیأتون نوحا فیقول لست هناکم و یذکر ثلث کذبات کذبهن ولکن ائتوا موسی
عبدا آتاه الله التوریة و کلمه و قربه نجیا قال فیأتون موسی فیقول انی لست هناکم
و یذکر خطیئته التی اصاب وهی قتله النفس ولکن ائتوا عیسی عبد الله و رسوله و
روح الله و کلمته قال فیأتون عیسی فیقول لست هناکم ولکن ائتوا محمدا عبدا غفر الله
له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر قال فیأتونی فاستأذن علی ربی فی داره فیؤذن لی
علیه فاذا رأیته وقعت ساجدا فیدعنی ما شاء الله ان یدعنی فیقول ارفع محمد

وقل يسمع واشفع تشفع وسل تعطه قال فارفع رأسي فأثني على ربي بثناء وتحميد
يعلمنيه ثم اشفع فيحد لي حدا فاخرج فاخرجهم من النار فادخلهم الجنة ثم اعود
فاستأذن على ربي بثناء وتحميد في داره فيؤذن لي عليه فاذا رأيته وقعت ساجدا
فيدعني ما شاء الله ان يدعني ثم يقول ارفع محمد وقل يسمع واشفع تشفع وسل تعطه
قال فارفع رأسي واثني على ربي بثناء وتحميد يعلمنيه ثم اشفع فيحد لي حدا فاخرجهم
من النار وادخلهم الجنة ثم اعود الثالثة فاستأذن على ربي في داره فيؤذن لي
عليه فاذا رأيته وقعت ساجدا فيدعني ما شاء الله ان يدعني ثم يقول ارفع محمد
وقل يسمع واشفع تشفع وسل تعطه قال فارفع رأسي فاثني على ربي بثناء وتحميد يعلمنيه
ثم اشفع فيحد لي حدا فاخرجهم من النار وادخلهم الجنة حتى ما يبقى في النار الا من قد حبسه
القرآن ای وجب علیه الخلود الخ اگر در صحیح مسلم ما صلی الله علیه وسلم احادیث شفاعت [illegible]
زمان ماضی داده است تا [illegible] مورد الحضرت [illegible] این حوا [illegible] دادن [illegible]
در امر بعد اخروی [illegible] قرآن کرده [illegible] الحضرت [illegible] حاصل [illegible]
حشر چرا [illegible] و در جمیع کتب احادیث برای اثبات شفاعت نبوی محمدی معقود
کرده اند و در اکثر احادیث شفاعت بلکه در اکثر حدیث جمله فاستأذن علی ربی
فیؤذن لی را الکتاب روایت نموده اند و طرفه اینکه خود مستغیثان قبور در دلائل
خود جمله حدیث که [illegible] ذکر نموده لیکن از اینکه [illegible] را فقط نباشد مانع
قایل شده اند چون این را دانستی پس مفهوم جمله الحادیث شفاعت
را بگوش هوش باید شنید که چون هر مؤمن بحقیقة الایمان هم تصدیق وعید
الهی ایمان دارد و الکتاب را [illegible] وعیدهای [illegible] درجه [illegible] الیقین
حاصل [illegible] جهت [illegible] احادیث شفاعت مرقوم نموده اند و این را بمثالی روشن
کنیم که اگر سلطان عظیم الشان یکی از غلامان خود را ارشاد کند که ای [illegible]
[illegible] صدق وعده [illegible]
[illegible] حاضر [illegible] که از حضور پادشاه [illegible]
کرده [illegible] الصدر [illegible] کرده [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و کدام [illegible]

دنیا و عقبی صادق ... پادشاه است که گویا و سکین ... تا ... کرده بعد از عقوبت
هم ... است و ... را کافی ... ان هم ... تا ... که ... پرسید
... که تا ... عدل و من قتل ... سحفه ... منها ... جای حسین
... است شفاعت را ... و حسم ... را ... باید کرد ... حلم
... است الشفاعت است که ... ثابت ... رحمت داده ... از
... کرده است و آنحضرت شفاعت امت خود ... است ... دنیا
... شفاعت ... که ... ثابت هم ... نظر که ... است تا ... آنکه
آورده و از ظلمات کفر و شرک برآورده بنور اسلام هدایت فرموده پس هرکه بآنحضرت
ایمان آورد و محبت ایشان و خدا و رسول او عمل کرد ... مستوجب شفاعت آنجناب
گشته ... زیرا که آنحضرت او را از عذاب دار ... که نتیجه کفر و شرک است
... خود ... دوزخ ... و دنیوی ... هم شفاعتی است
که هیچ شفاعتی ... آرد و خطور این ... بخاطر فقیر در حقیقت از سوانح
... است چون معنی ... ذکر ... سید ... استماع حقیقت شفاعت
گوش دل را متوجه باید کرد که امام فخر الدین رازی در تفسیر کبیر ... من
تدخل لنا ... وما للظالمين من انصار در تفسير ... وما للظالمين من انصار
فرموده ... قوله وما للظالمين من انصار قال الكرام
من وجوه ... منها ان الشفيع لا يمكنه ان يشفع الا باذن الله قال الله تعالى
من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه واذا كان كذلك لم يكن ... المشفع ...
على الشفاعة الا بعد الاذن واذا حصل الاذن لم يكن في شفاعته فائدة
في الحقيقة ... ان ... انما حصل من الله ... الشفاعة ...
تاثير في نفس الامر فليس الحكم الا لله ... ايمان ما الشفاعة ...
که ایمان بشفاعت ... روز حشر باذن الله ... شفاعت
... و اعمال حسنه ... نماز و روزه و تلاوت قرآن
شفاعت اهل خود ... و این هم ثابت است که بعض مومنین شفاعت
دیگر ... از ابی سعید ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ان من امتی من
یشفع للفئام ومنهم من یشفع للقبيلة ومنهم من یشفع للعصبة ومنهم من یشفع للرجل

حتی بعضی اهل السنه [illegible] شفاعت [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible]

[illegible] شفاعت بیان است [illegible]

[illegible] توسع [illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] معجزه [illegible]

[illegible] بحضرت است [illegible]

[illegible]

[illegible] مشکل [illegible]

در [illegible] است [illegible] تعالی [illegible]

[illegible] بعد از ان خدا [illegible]

ان ولی [illegible] این بیچاره [illegible] بعد از ان خدا تعالی [illegible]

[illegible] این بیچاره را [illegible] است که [illegible]

[illegible] در حقیقت این طریق اسان تر است که بحضور او تعالی [illegible]

[illegible] اجابت فرماید زیرا که او تعالی را منظور [illegible] مشکل این [illegible]

این بیچاره اهل برزخ را هم از ان سفارش چرا [illegible]

بیچاره هم عقیده [illegible] این کس [illegible]

[illegible] از اهل برزخ [illegible] که تو از خدا تعالی سفارش [illegible] نموده مشکل [illegible]

فرمای [illegible] محذور [illegible] زیرا که این امر در حقیقت [illegible]

عبادت [illegible] لازم می اید [illegible] عبادت ما سوی الله

را [illegible] طرفه ماجرای است که عقل [illegible] عاقل را [illegible] حیرت [illegible]

[illegible] در حقیقت شفاعت [illegible]

۲۶

[illegible]

[illegible] رساله [illegible]

قران مجید [illegible] تفسیر [illegible]

[illegible] الكفار [illegible]
ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم ويقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله
قل أتنبئون الله بما لا يعلم في السموات ولا في الأرض سبحانه وتعالى عما يشركون
واعلم أنا ذكرنا أن القوم المشركين التمسوا من الرسول قرآنا غير هذا القرآن أو تبديل
القرآن لأن هذا القرآن مشتمل على شتم الأصنام التي جعلوها آلهة فلهذا
ذكر تعالى في هذه الآية ما يدل على قبح عبادة الأصنام [illegible]
[illegible] ثم إنه تعالى حكى عنهم أمرين
أحدهما أنهم كانوا يعبدون الأصنام والثاني أنهم يقولون هؤلاء شفعاؤنا
عند الله أما الأول فقد نبه الله على فساده بقوله لا يضرهم ولا ينفعهم وتقريره
من وجوه [illegible] إن لم يعبدوها لا تضرهم وإن عبدوها
لا تنفعهم [illegible] أن يكون أكمل قدرة من العابد وهذه الأصنام
[illegible] والكفار [illegible]
الأصنام [illegible] فإذا كان العابد أكمل حالا من
المعبود كانت العبادة باطلة والثالث أن العبادة أعظم أنواع التعظيم
وما تليق إلا بمن صدر عنه أعظم أنواع الإنعام وذلك ليس إلا الحياة و
العقل والقدرة ومصالح المعاش والمعاد فإذا كانت المنافع والمضار
كلها من الله تعالى وجب أن لا تليق العبادة إلا بالله وأما الثاني فهو أنه حكى الله
عنهم في هذه الآية أنهم قالوا هؤلاء شفعاؤنا عند الله فاعلم أن من الناس
من قال إن أولئك الكفار توهموا أن عبادة الأصنام أشد في تعظيم الله من عبادة الله [illegible]
أن من الناس من قال إن أولئك الكفار توهموا أن عبادتها أشد [illegible] فقالوا
ليست لنا أهلية أن نشتغل بعبادة الله بل نحن نشتغل بعبادة هذه الأصنام فإنهم شفعاؤنا
عند الله وذكروا فيه وجوها كثيرة أحدها أنهم اعتقدوا أن المتولي لكل إقليم من الأقاليم
العالم روح معين من أرواح عالم الأفلاك فعينوا لذلك الروح صنما معينا واشتغلوا
بعبادة ذلك الصنم ومقصودهم عبادة ذلك الروح ثم اعتقدوا أن ذلك الروح
يكون عبدا للإله الأعظم ومشتغلا بعبوديته وثانيها أنهم كانوا يعبدون الكواكب

الموكل [illegible] موقوف [illegible] العقلية ومشغول [illegible] واشتغاله [illegible] وترجيح
العبادات [illegible] المعرفة [illegible] النسبا [illegible] المشوب [illegible] على تلك الاضافة [illegible]
[illegible] لا [illegible] [illegible] [illegible] انهم ومشغولين [illegible] الا طلبا [illegible] و الا [illegible]
[illegible] الا [illegible] لا [illegible] انهم حتى [illegible] العبادة [illegible] [illegible] على [illegible]
[illegible] الا [illegible] الله تعالى [illegible] في هذه [illegible] [illegible] الاشتغال [illegible]
من [illegible] لا [illegible] انهم او [illegible] فانهم [illegible]
[illegible] لا [illegible] الا [illegible] عظيم فان [illegible] الكلام [illegible]
[illegible] الا [illegible] الاكبر [illegible] الملائكة [illegible] [illegible] وهو [illegible]
واعقول الا الله في [illegible] الا [illegible] الشريعة واعلم ان هذه الوجوه باطلة
بالدليل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] من دون الله ما لا [illegible]
[illegible] قوله تعالى [illegible] من دون الله لا [illegible] في السموات ولا في الارض والمغفرة [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
لا [illegible] هذه [illegible] لانه [illegible] [illegible] [illegible] الله تعالى [illegible] لم
[illegible] تعالى [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الكلام [illegible] الوجوب
[illegible] الا [illegible] [illegible] شي [illegible] [illegible] [illegible] المقصود
معلوم [illegible] قطعا [illegible] [illegible] [illegible]
والمقصود [illegible] الله تعالى [illegible] الشرك [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] المقصود از [illegible] [illegible]
عبادت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] احدی از [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حق تعالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
اهل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حق تعالی [illegible] [illegible] [illegible] اسان
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اهل علم [illegible]

[illegible] علما معتبرین این کمینه را [illegible]

[illegible] کسی [illegible] نهادن بعید از سیاق ایمان است [illegible]

و زنهار اگر [illegible] مدلول اینکه [illegible] از [illegible] مستشهد است [illegible]

در صحت [illegible] موجب لا [illegible] است [illegible] این [illegible]

[illegible] کفای [illegible] بجمیع استفادات اهل قصور

[illegible] اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال [illegible]

[illegible] در فواید [illegible]

[illegible] عجب است که اینچنین دلایل قویه با که همه مستنبط از قرآن و حدیث

و عقل اند ضعیف و اضمحلال می برند و احتمالات دیگر [illegible] رتبه صدق و

قبول [illegible] است [illegible] سبب [illegible] برای اثبات

خدا [illegible] از قرآن و حدیث [illegible]

و اثبات آن [illegible]

رسول خدا [illegible] بکتاب و سنت و ارشادات اهل بیت اطهار

[illegible] رسول [illegible]

و دیگر [illegible] که موجب نجات [illegible]

بزرگان [illegible] در باب [illegible]

اگر [illegible] والا [illegible] اگر حق [illegible]

گوش [illegible] آیات محکمات [illegible] نصیحت است

و بیان آنکه متابعت علما و زهاد [illegible] خدا و رسول

[illegible]

خدا تعالی می فرماید که اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله والمسیح

ابن مریم وما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون قال

امام فخر الدین رازی فی تفسیره [illegible] واعلم انه تعالی وصف الیهود و

النصاری [illegible] اتخذوا احبارهم و رهبانهم والمسیح ابن

مریم اربابا من دون الله [illegible] قال [illegible] الاحبار والرهبان

واختلفوا في [illegible] بقوله حبر [illegible] الاحبار [illegible] قال
وانا لم يقول واحد [illegible] الا غير وينكر الحبر وكان الليث وابن السكيت
يقولان حبر وحبر للعالم ذميا كان او مسلما بعد ان يكون من اهل الكتاب
قال اهل المعاني الحبر العالم الذي بصناعته يحبر المعاني ويحسن البيان عنها والراهب
الذي تمكنت الخشية والرهبة في قلبه وظهرت آثار الرهبة على وجهه ولباسه وفي عرف الاستعمال
صار الاحبار مختصا بعلماء اليهود من ولد هارون والرهبان بعلماء النصارى من
اصحاب الصوامع المسألة الثانية الاكثرون من المفسرين قالوا ليس المراد من الارباب
انهم اعتقدوا فيهم انهم آلهة العالم بل المراد انهم اطاعوهم في اوامرهم ونواهيهم نقل
ان عدي بن حاتم كان نصرانيا فانتهى الى رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يقرأ سورة
البراءة فوصل الى هذه الآية قال فقلت انا لسنا نعبدهم فقال اليس يحرمون
ما احل الله فتحرمونه ويحلون ما حرم الله فتستحلونه فقلت بلى فقال تلك عبادتهم وقال الربيع قلت لابي
العالية كيف كانت تلك الربوبية في بني اسرائيل فقال انهم ربما وجدوا في
كتاب الله ما يخالف اقوال الاحبار والرهبان فكانوا يأخذون باقوالهم وما كانوا
يقبلون حكم كتاب الله فهذا هو الربوبية [illegible] والقول [illegible] قد شاهدت
جماعة من مقلدة الفقهاء قرأت عليهم آيات كثيرة من كتاب الله تعالى في بعض المسائل
وكانت مذاهبهم بخلاف تلك الآيات فلم يقبلوا تلك الآيات ولم يلتفتوا اليها وبقوا ينظرون الي كالمتعجب
يعني كيف يمكن العمل بظواهر هذه الآيات مع ان الرواية عن سلفنا وردت على
خلافها ولو تأملت حق التأمل وجدت هذا الداء ساريا في عروق الاكثرين من اهل الدنيا فان
قيل انه تعالى لما كفرهم بسبب انهم اطاعوا الاحبار والرهبان فالفاسق يطيع الشيطان
فوجب الحكم بكفره كما هو قول الخوارج والجواب ان الفاسق وان كان يقبل
دعوة الشيطان الا انه لا يعظمه لكن يلعنه ويستخف به واولئك الاتباع كانوا
يقبلون اقوال الاحبار والرهبان ويعظمونهم فظهر الفرق والقول الثاني في تفسير
هذه الربوبية ان الجهال والحشوية اذا بالغوا في تعظيم شيخهم وقدوتهم فقد يميل

والمتقدمين على القول الاول ... [illegible] وذكر الشيخ [illegible] الا [illegible]
عن اهل بيته فقد تلقى النبي انه الامر لا [illegible] انه و[illegible] تشاجرت [illegible]
للغزو من [illegible] كان [illegible] الدين تام [illegible] وتابعه الى السجود [illegible] وكان
[illegible] انه [illegible] كان على النبي [illegible] الى [illegible] وشبها و[illegible]
بنفسه [illegible] من اتباعه قربا او على الا [illegible] فاذا كان ساجدا في غيره الا [illegible]
[illegible] في امم السابقه وحاصل الكلام ان تلك [illegible] تحتمل ان
[illegible] ومنها انهم [illegible] كانوا [illegible] حكم البدء وان يكون
[illegible] كانوا [illegible] بالسجود لهم مع ان السجود [illegible] لا يليق الا [illegible]
ويحتمل انهم [illegible] انواع الكفر و[illegible] ذلك جاريا مجرى اتخاذهم
اربابا من دون الله ويحتمل انهم [illegible] في [illegible] وبكل هذه الوجوه
[illegible] واقع في هذه الامه ازين [illegible] دريافت شد كه [illegible]
[illegible] باشد [illegible] [illegible] رشدن [illegible]
[illegible] مجتهدى كه [illegible] ان [illegible] لازم [illegible] حكمى از كتاب
[illegible] نموده [illegible] بخلاف [illegible]
[illegible] الا در [illegible] كه قرآن و حديث از [illegible] ان [illegible] باشند
[illegible] با [illegible] ان از قياس [illegible] بر حال
[illegible] ديگر [illegible] كه [illegible] مخالفت [illegible] دارد و
[illegible] ان [illegible] اورا [illegible]
[illegible] حكم [illegible] كند [illegible] قول او [illegible] حقيقت [illegible]
[illegible] علما [illegible] اين [illegible] كه [illegible]
[illegible] بگوشند [illegible] [illegible]
[illegible] كه [illegible]
[illegible] بايد [illegible] افلا [illegible]
[illegible] ما [illegible] اين زمان [illegible]
[illegible] [illegible]

[illegible] امر [illegible] شده است بعض از [illegible] مقاصد [illegible] بر زمین [illegible]

را در [illegible] و آنچه [illegible] شدند [illegible] باین امور [illegible]

در [illegible] او [illegible] اصلاح [illegible]

و [illegible] واجب است کرده است و از این فتوی [illegible] مطلب [illegible]

و از [illegible] کتاب حق [illegible] که [illegible]

[illegible] حیث قال [illegible]

و [illegible] عن المنکر و [illegible] قال الامام الرازی [illegible]

ان یکون هذه الامة لا یحکم الا بالحق او [illegible] فی هذه الامة [illegible]

بحق لا یمتنع کون هذه الامة افضل من الامة التی [illegible] بالحق [illegible]

ان یکون [illegible] الحق [illegible] ان هذه الامة لا یحکم الا بالحق [illegible]

[illegible] از فتوی [illegible] تا [illegible]

شارع است افضلیت [illegible] را فوت کردن و [illegible] امم سابقه [illegible]

[illegible] است هم از اسلاف حق [illegible] بوده با [illegible]

[illegible] اشیائی که با [illegible] آن ارشاد خدا و رسول [illegible] فتوی [illegible]

و [illegible] تعظیم اسلاف [illegible]

[illegible] خاطر دارند که حضرت ابی بکر [illegible]

[illegible] ابی بکر چون او را جمع صحابه گفتند که قرآن را یکجا جمع نمائی

گفت چگونه [illegible]

[illegible] عمر رضی الله عنه که [illegible]

ارشاد فرموده [illegible] از استسقا [illegible] عباس رضی الله عنه [illegible]

[illegible] که اللهم انا کنا نتوسل [illegible]

[illegible] توسل [illegible] رسول [illegible]

[illegible] است هم رسیده که توسل [illegible]

[illegible] مفهوم [illegible] لکن [illegible] الاشکال [illegible] اعاده [illegible]
[illegible] بیا [illegible]
کار اجر جمیع [illegible] است [illegible] رساله در تحقیق آن تالیف شده
می پردازیم [illegible] قال الله تعالی لقد نصرکم الله ببدر
وانتم اذلة فاتقوا الله لعلکم تشکرون اذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدکم
ربکم بثلاثة آلاف من الملائکة منزلین قال امام رازی فی کیفیة النظم
[illegible] الاعانة انه تعالی ذکر قصة احد [illegible] قصة بدر وذلک لان
المسلمین یوم بدر کانوا فی غایة الضعف والفقر والکفار کانوا فی غایة القوة
والعدد ثم انه تعالی سلط المسلمین علی المشرکین فصار ذلک من اقوی
الدلائل علی ان العاقل یجب ان لا یتوسل الی تحصیل غرضه ومطلوبه الا
بالتوکل علی الله والاستعانة به [illegible] از تفسیر امام رازی [illegible]
کفایت در تحصیل مطلوب [illegible] رجوع الی الله [illegible]
وکیفیت اعانت مفوض [illegible] اگر خواهد [illegible] اعانت کند [illegible]
[illegible] اعانت [illegible] الی غیر ذلک من الانواع [illegible]
[illegible] تراحم الهموم والافکار زیاده [illegible]
[illegible] خاطر سامعین [illegible]
[illegible] فی الآخرة حسنة [illegible]
[illegible] الکبار [illegible] الابرار
[illegible] المختار [illegible]
[illegible] تجری من تحتها الانهار [illegible]